



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
۱۹۱

بایسته‌های اخلاق در آموزش دانشگاهی

تدوین و تالیف:

دکتر رستم گل‌محمدی، مرتضی مطهری پور

دکتر محمدعلی چراغی، دکتر امیر فرهنگ میراسماعیلی



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان
معاونت آموزشی

بایسته های اخلاق در آموزش دانشگاهی

تدوین و تالیف:

دکتر رستم گل محمدی، مرتضی مطهری پور،

دکتر محمد علی چراغی، دکتر امیر فرهنگ میر اسماعیلی

۱۳۸۹

این فایل قابل دانلود در لینک زیر می باشد:

<http://dme.umsha.ac.ir/index.aspx?siteid=11&fkeyid=&siteid=11&pageid=8522>

بایسته های اخلاق در آموزش دانشگاهی / رستم گلمحمدی [و دیگران].- همدان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان، معاونت آموزشی، ۱۳۸۹.	LA ۱۳۵۳
۱۶۲ ص. وزیری. - (دانشگاه علوم پزشکی همدان ؛ ۱۹۱) ISBN 978-964-9950-50-1 Code of ethics in education profession	ب ۳۱۴ ۱۳۸۹
عنوان انگلیسی: کتابنامه: ۱ . دانشگاهها و مدارس عالی- جنبه های اخلاقی ۲ . اخلاق اسلامی الف - گلمحمدی، رستم.	
LA ۱۳۵۳	ب ۳۱۴ ۱۳۸۹

نام کتاب: بایسته های اخلاق در آموزش دانشگاهی

گروه نویسندگان: دکتر رستم گلمحمدی، حجت الاسلام و المسلمین مرتضی مطهری پور،

دکتر محمد علی چراغی، دکتر امیر فرهنگ میر اسماعیلی

ناشر: معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی همدان

نوبت چاپ: اول - بهمن ۱۳۸۹

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

فیلم و زینگ: لیتوگرافی روشن

چاپ و صحافی: روشن

شماره کتاب ۱۹۱-۸۹/۳۰/۵۱۸

شابک ۱-۵۰-۹۹۵۰-۹۶۴-۹۷۸

<u>صفحه</u>	<u>فهرست مطالب</u>
۱	پیشگفتار
۳	پیشینه و اهمیت موضوع
۹	گفتار یکم، فلسفه اخلاق در آموزش
۹	اخلاق
۱۰	شاخه های علم اخلاق
۱۱	فلسفه
۱۵	فلسفه اخلاق
۲۳	ضرورت بحث از فلسفه اخلاق
۲۶	اسلام و اخلاق
۲۹	ضرورت تعلیم و تربیت
۲۹	تربیت پذیری
۳۰	مبانی اخلاق حرفه ای
۳۲	رویکرد درونی - حرفه ای
۳۳	خود فهمی حرفه ای
۳۳	عبور از مفهوم معیشتی
۳۴	عینیت گرایی، بی طرفی علمی و عدم جانبداری سیاسی
۳۴	رویکرد اصولی و واقع گرا
۳۶	منابع گفتار یکم

۴۱	گفتار دوم، آداب معلمی در آموزه های اسلامی
۴۳	آداب و وظائف معلم نسبت به خود
۴۴	۱- ضرورت و لزوم اخلاص و پاکسازی نیت
۴۶	۲- عمل به علم با توجه به ماهیت واقعی آن
۵۰	۳- حسن خلق و فروتنی و کوشش در تکمیل نفس
۵۲	۴- عفت نفس و علو همت
۵۲	۵- قیام به وظائف و شعائر دینی و تاءدب به موازین اخلاقی
۵۵	۶- احراز صلاحیت و شایستگی در امر تعلیم
۵۵	۷- حفظ حیثیات و شئون شغلی
۵۶	۸- دریغ نورزیدن از تعلیم علم
۵۷	۹- کوشش در بذل و اعطاء و انفاق علم
۵۸	۱۰- شهامت معلم در اظهار حق، و جلوگیری از تخلف
۵۹	آداب و وظائف معلم با دانشجویان
۵۹	۱- ایجاد خلوص نیت و تعالی ایمان در شاگردان
۶۰	۲- ایجاد شوق و دل بستگی به علم و دانش در شاگردان
۶۱	۳- دلسوزی معلم نسبت به شاگردان
۶۲	۴- تربیت اخلاقی شاگردان

- ۶۳ -۵- فروتنی و نرمش معلم نسبت به شاگردان
- ۶۴ -۶- تفقد از احوال دانشجویان
- ۶۵ -۷- اطلاع از نام و مشخصات شاگردان
- ۶۵ -۸- تدریس مطالب علمی در خور استعداد شاگردان
- ۶۶ -۹- رعایت ترتب و تسلسل منطقی آموزش علمی
- ۶۶ -۱۰- کوشش در بیان متقن مطالب
- ۶۸ -۱۱- ذکر ضوابط و قواعد کلی علوم
- ۶۹ -۱۲- تشویق شاگردان به اشتغالات علمی
- ۷۰ -۱۳- طرح مسائل دقیق و آزمایش هوش
- ۷۰ -۱۴- احترام به شخصیت شاگرد
- ۷۱ -۱۵- رعایت مساوات در توجه به شاگردان
- ۷۲ -۱۶- رعایت نوبت شاگردان در پذیرش تدریس
- ۷۲ -۱۷- رعایت تفاوت‌های هوش شاگردان
- ۷۳ -۱۸- عدم تقبیح علمی که در آن تخصص ندارد
- ۷۴ -۱۹- ارجاع شاگردان به معلمان شایسته
- ۷۵ -۲۰- آماده ساختن و معرفی دانشمندان لایق (شاگرد پروری)

۷۶	آداب و وظایف معلم در امر تدریس و جلسه درس
۷۶	۱- توجه معلم به ظاهر و لباس خود
۷۷	۲- دعاء و یاد خدا در حرکت به مدرس و شروع به تدریس
۷۸	۳- حفظ وقار و متانت در جلسه درس
۸۰	۴- طرز توجه و نگاه معلم به شاگردان
۸۰	۵- تعیین مهتر و جانشین خود برای شاگردان
۸۱	۶- احترام ویژه به شاگردان بافضیلت و قدردانی از آنها
۸۲	۷- استفاده از بهترین قواعد و روش تدریس و تفهیم
۸۲	۸- رعایت اعتدال در بیان مطالب
۸۳	۹- آمادگی جسمی و روحی برای تدریس
۸۴	۱۰- توجه به فضای جلسه درس و اهمیت هوای آزاد
۸۴	۱۱- رعایت مصالح شاگردان و مصالح اهم در وقت تدریس
۸۵	۱۲- رعایت تناسب صدا با محیط درس
۸۵	۱۳- حفظ نظم و پیشگیری از جدال در جلسه درس
۸۶	۱۴- ایجاد انضباط و حس مسئولیت اخلاقی در شاگردان
۸۶	۱۵- رفق و مدارا در مورد پاسخ به پرسش شاگردان
۸۷	۱۶- محبت و التفات معلم نسبت به شاگرد تازه وارد

- ۸۸- ۱۷- وظیفه معلم، همزمان با ورود عالم و دانشمند به جلسه درس
- ۸۸- ۱۸- اعتراف به عجز و ناتوانی در مسائلی که به آنها احاطه ندارد
- ۸۹- ۱۹- تذکر لغزش و اشتباه، قبل از پایان یافتن درس
- ۹۱- ۲۰- اعلام به پایان یافتن درس و ذکر نصایح اخلاقی و دعا
- ۹۲- ۲۱- درنگ نمودن در جلسه درس پس از پایان گرفتن آن
- ۹۳- ۲۲- دعاء به هنگام برخاستن از جلسه درس
- ۹۴- **آداب و وظائف معلم در اشتغالات علمی**
- ۹۴- ۱- مداومت و استمرار بحث و اشتغالات علمی
- ۹۵- ۲- خودداری از جدال و ستیزه جوئی در بحث
- ۹۷- ۳- یادگیری و تحصیل علم و در همه احوال
- ۹۷- ۴- انعطاف و تسلیم بودن در برابر حق
- ۹۸- ۵- آمادگی قبلی معلم برای درس
- ۹۹- **گفتار سوم، پویه جهانی اخلاق در آموزش**
- ۱۰۰- نقش کدهای اخلاقی معلمان
- ۱۰۱- استانداردهای حرفه معلمی در ایالت انتاریو کانادا
- ۱۰۵- انحطاط اخلاقی در مدارس و دانشگاهها، چه باید کرد؟
- ۱۰۶- وضعیت کدهای رفتاری معلمان در سه کشور آسیایی

- ۱۰۸ کدهای اخلاق انجمن ملی آموزش امریکا
- ۱۱۱ کدهای اخلاقی و اصول رفتار حرفه ای آموزش در فلوریدا
- ۱۱۵ نتیجه گیری
- ۱۱۶ منابع گفتار سوم

گفتار چهارم،

- ۱۱۷ بایسته های اخلاقی در مقررات موجود (دانشگاههای علوم پزشکی)
- ۱۱۷ در سند چشم انداز توسعه
- ۱۱۸ در نقشه جامع علمی (سلامت)
- ۱۲۰ در آئین نامه اداری استخدامی اعضای هیئت علمی
- ۱۲۱ در آئین نامه ارتقاء اعضای هیئت علمی
- ۱۲۲ در آئین نامه استاد راهنما (مشاور)
- ۱۲۴ در مقررات انتظامی اعضای هیئت علمی دانشگاهها

گفتار پنجم،

- ۱۲۷ چشم اندازی برای تدوین کدهای اخلاق در آموزش دانشگاهی
- ۱۲۹ اهداف تعلیم و تربیت اسلامی
- ۱۳۴ زیر بنای کدهای اخلاقی در تعلیم و تربیت
- ۱۳۵ اصول سلوک حرفه ای
- ۱۳۷ چگونگی تعاملات با دانشجویان

- ۱۳۹ حفظ منزلت شغلی اساتید در جامعه
- ۱۴۰ اصول راهنما در خصوص الزامات اخلاق حرفه ای در آموزش
- ۱۴۲ اصول راهنما برای الزامات اخلاقی
- ۱۴۴ فرآیند خود تنظیم در کنترل رفتارهای غیر اخلاقی
- ۱۴۵ آداب و وظائف اساتید
- ۱۴۵ آداب و وظائف معلم نسبت به خود
- ۱۴۶ آداب و وظائف معلم در اشتغالات علمی
- ۱۴۶ آداب و وظائف معلم با دانشجویان
- ۱۴۷ آداب و وظائف معلم در امر تدریس و جلسه درس
- ۱۴۸ منابع گفتار پنجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

خداوند متعال خود اولین معلم است، "الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ" (الرحمن، ۱-۴)، خدای رحمان به رحمت گسترده اش قرآن را به انسان آموخت، انسان را آفرید به او سخن گفتن را تعلیم داد تا اندیشه و احساس خود را آشکار سازد. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ" (جمعه، ۲)، اوست که در میان درس ناخواندگان، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می خواند و آنان را تزکیه می کند و کتاب و حکمت به آنان می آموزد، و قطعاً آنان پیش از این در گمراهی آشکاری بوده اند. همچنین می فرماید: "... يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ" (مجادله، ۱۱)، خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. همچنین فرمود "... إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .." (فاطر، ۲۸)، به راستی از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان نسبت به او خشیت دارند. پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) فرمود "انِي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ"^۱، من برانگیخته شدم تا اخلاق نیک را تکمیل نمایم. همچنین فرمود: "مَنْ تَعَلَّمَتَ مِنْهُ حَرْفًا صِرْتَ لَهُ عَبْدًا"^۲، از هر کسی حرفی آموختی بنده او می گردی. در حدیث از امیرمؤمنان علی علیه السلام

1 - مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ص ۸

2 - عوالی اللّٰهالی، محمد بن علی بن ابراهیم احسانی، ج ۱، ص ۲۹۳

می‌خوانیم که فرمود: " لو كُنَّا لَأَتْرَجُو جِنَّهُ وَلَا نَخْشَى نَاراً و لا ثَوَاباً و لا عِقَاباً لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا ان نَطَّالِبَ بِمَكَارِمِ الْاِخْلَاقِ فَانْهَآ مِمَّا تَدُلُّ عَلٰى سَبَبِ الْاَنْجَاحِ^۱ " اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ، و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، شایسته بود به سراغ فضائل اخلاقی برویم، چرا که آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند.

آنچه که به عنوان وجه تمایز بشر در زندگی بر سایر موجودات می‌باشد، امکان رشد و تعالی روح برای تکامل معنوی و جلب رضایت حق تعالی است. تمام انبیای مرسل آمده اند تا بگویند ای انسان، تو آن گوهر نابی هستی که خداوند قادر متعال بعد از خلق وی به خود تبریک فرمود. پس ای خردمند، قدر خود را بشناس و دنیا را نردبانی برای رشد معنوی خود قرار بده و ظرف وجودی خود را از آلودگی‌ها پاک کن تا خالق زیبایی‌ها، آن را از عشق خود لبریز نماید. بسیار دیده‌اید کسی را که عاشق واصل است همه چیز را زیبا می‌بیند. دوست دارد دست هر افتاده‌ای را بگیرد و هر راه‌گم کرده‌ای را هادی باشد. دوست دارد ببخشد و دیگران را چون خود خوشحال نماید. اگر کسی طعم شیرین انس با آن خالق عشق و معرفت را چشیده باشد می‌داند که او همه بندگانش را دوست دارد و طالب کمال وجودی آنهاست. ای عزیز، بدان که تو همواره در معرض و حضور او هستی، پس مراقب باش تا کاری نکنی که او را برنجانی. دست افتاده‌ای را بگیر و گمراهی را هادی باش، از چشمه نور علم، که خود چشیده‌ای، به جویندگان بچشان که حاصل آن، رضایت خدا و کامروایی و خوشنامی در دنیا و انس با اولیای الهی در آخرت خواهد بود. اگر افتخار پوشیدن جامه معلمی را پیدا نموده‌ای بدان که به فرموده امام راحل‌مان (قدس سره) معلمی شغل انبیاء است. بدان که کشتزار فهم و روح دانشجویان را به تو سپرده‌اند، پس باید بکوشی تا به انبیای الهی بلکه به خداوند متعال شباهت پیدا کنی. خالص باشی تا بتوانی شاگردانت را رشد دهی و صدقه جاریه و باقیات

صالحات خود گردانی، روح را جلا دهی و نامت را جاودانه سازی چنانکه فرمود: " قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا" (الشمس ، ۱۱-۱۰)

پیشینه و اهمیت موضوع

اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می کند بی آن که الزاماً نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد. صاحب نظران اخلاق را به دو بخش تقسیم می کنند: ملکاتی که سرچشمه پدید آمدن کارهای نیکو است و اخلاق خوب و ملکات فضیله نامیده می شود، و آنها که منشأ اعمال بد است و به آن اخلاق بد و ملکات رذیله می گویند. از دیدگاه فلسفه، علم اخلاق، شاخه ای از فلسفه عملی یا حکمت عملی است^۱. از دیدگاه عرفانی، علم اخلاق چون می تواند به برطرف شدن رذائل اخلاقی که حجابهایی است در برابر چشم دل، کمک کند، یکی از پایه های عرفان الهی و به قولی عرفان عملی اطلاق می گردد.

موضوع اخلاق حرفه ای^۲ مدتها است که در دانشگاههای ایران و جهان مورد توجه قرار گرفته و در گروه های شغلی برای آن تعاریف و مستندات ارائه گردیده است. این مستندات بر اساس اصول فرهنگی، آموزه های دینی، هنجارهای اجتماعی و مقررات مرتبط، بعضاً به صورت کدهای اخلاق حرفه ای تدوین و منتشر گردیده اند. در بسیاری متون اسلامی نیز آموزه هایی بر اهمیت اخلاق حرفه ای تاکید نموده است. امروزه به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران گرایش وسیعی به کسب دانش ایجاد شده و دانشگاهها در سراسر کشور گسترش یافته اند. از آنجایی که رعایت موازین و بایسته های اخلاقی در حرفه معلمی، منطبق بر آموزش در محیطهای دانشگاهی به خاطر

1 - <http://www.alulbayt.com/>

2 - Professional ethics

تاثیر گذاری عمیق آن، دارای اهمیت بسیار زیادی می باشد، لازم است که همگام با ترویج علوم مختلف، جنبه های اخلاقی در حوزه آموزش مورد توجه بیشتری قرار گیرد. خوشبختانه متون دینی و فرهنگی ما در این مقوله دارای غنای کافی می باشند، اما به دلیل نپرداختن به این موضوع به صورت تخصصی، آنگونه که شان آن است، موضوع اخلاق در آموزش دانشگاهی یا به بیان صحیح تر " اخلاق در تعلیم و تربیت دانشگاهی " کمتر مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که تا کنون تلاش مدون و فراگیری در این زمینه برای تدوین کدهای اخلاق در آموزش به سامان نرسیده است. در برخی از دانشگاههای دنیا کدهای اخلاق حرفه ای در آموزش تدوین و منتشر شده و لازم الرعایه می باشد. وقتی این کدهای اخلاقی مورد بررسی قرار می گیرند به وضوح متوجه می شویم که بسیاری از آنها و حتی غنی تر از آنها در متون و آموزه های دینی و فرهنگ بومی خودمان وجود دارد. به طور مثال شیخ زین الدین بن نورالدین علی عاملی، معروف به شهید ثانی (۹۶۶-۹۱۱ ه ق)، از بزرگان فقهاء شیعه کتاب مفصلی تحت عنوان " منیه المرید فی آداب المفید و المستفید " تالیف نموده که تحت نام " آداب تعلیم و تعلم در اسلام " توسط حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد باقر حجتی به فارسی ترجمه شده و در دسترس می باشد. در این کتاب که حدود پانصد سال پیش به رشته تحریر در آمده است، زمینه های تزکیه نفس و سیر و سلوک عملی در ارتباط با تعلیم و تعلم شامل: وظایف استاد و دانشجو نسبت به خود و نسبت به دیگران با عنایت به آیات و روایات و سیره عملی حضرات معصومین (علیهم السلام) آورده شده است. در متن رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) نیز در باب حقوق استاد بر شاگرد و حقوق شاگرد بر استاد مطالب بسیار عمیقی آمده است که اهمیت توجه به این مقوله را نشان می دهد.

به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی توجه به آموزه های اسلام عزیز در بستر تاریخ و فرهنگ ایران سرفراز، این موضوع اهمیت بیشتری دارد. حکما و شعرای این

مرزو بوم در طی قرنهای متمادی پیشتاز ترویج اخلاق و رفتار حسنه بوده اند. لازم است از آموزه های بزرگان دین و بزرگان فرهنگ و ادب که خود دست پرورده دین مبین اسلام هستند، مجموعه مستنداتى تدوین گردد که بتواند راهگشای دانشگاهیان عزیز باشد و در جهت نیل به اهداف بلند و معنوی این نظام الهی کمک نماید. شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در زیر عنوان اسلامی شدن دانشگاهها، مجموعه فشرده ای تحت عنوان سیاستهای راهبردی اسلامی شدن دانشگاهها منتشر نموده که در آن مؤلفه های استاد، دانشجو و برنامه ریزی مدیریت دانشگاهها تبیین و تشریح گردیده است. در بسیاری از قوانین موضوعی و مقررات جاری دانشگاهها نیز مستندات و مواردی از توجه به اخلاق در حوزه آموزش وجود دارد که جمع آوری و تدوین مجدد آنها ضروری به نظر می رسد.

دانشگاه علوم پزشکی همدان با پیشینه آموزشی نزدیک به چهل سال و تجربیات قابل توجه در امر آموزش با عنایت به روح تعهد و انگیزه شغلی برای ارتقاء سطح اخلاق در جامعه دانشگاهی و در جهت نیل به اهداف والای نظام اسلامی و احساس نیاز به اینکه استادان و دانشجویان به عنوان فرهیختگان جامعه بایستی مزین به اخلاق و آداب اسلامی باشند، در زیر مجموعه تعالیم انسان ساز اسلام در باب امر به معروف در طول سالهای ۱۳۸۵ تا انتشار این مجموعه تلاشهای مداومی را در حوزه این دانشگاه انجام داده است. در این راستا با به کارگیری بسترهای قانونی مانند دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ستاد امر به معروف و نهی از منکر دانشگاه، کمیته ساماندهی فرهنگی دانشگاه، شورای فرهنگی دانشگاه و دفتر هم اندیشی استادان اقدام به طراحی و اجرای طرح های مختلفی نموده است. از جمله این ابتکارات برگزاری نشستهای هم اندیشی استادان در موضوعات معرفت دینی و اخلاق در آموزش، برگزاری چند دوره سمینار یکروزه اخلاق و آداب معلمی برای استادان جدید الاستخدام و طراحی و اجرای طرح ارتقاء سلامت اخلاقی دانشجویان بوده است. ار خرداد سال ۱۳۸۷ کمیته اخلاق در

آموزش به طور رسمی و با ابلاغ ریاست محترم وقت دانشگاه در حوزه معاونت محترم آموزشی تشکیل و پس از جلسات متعدد و بهره گیری از سایر صاحب نظران و بررسی نیاز دانشگاه، ساختاری برای جمع آوری مستندات، دسته بندی و تدوین موضوعی مباحث اخلاقی در مؤلفه های استادان، دانشجویان و اخلاق در محیطهای آموزش نظری و آموزش عملی و بالینی تدوین نموده است. در مرحله اول مقرر گردید با توجه به اهمیت نقش اعضای هیئت علمی و مدرسین در پیشبرد اهداف ذکر شده، موضوعات اخلاق عملی برای استادان مورد توجه قرار گیرد. در طی جلسات مختلف و انجام مطالعات و بررسی سوابق، موضوعات اصلی شامل: فلسفه اخلاق در آموزش، بررسی اخلاقیات تعلیم و تربیت در متون اسلامی، کدهای اخلاق در آموزش دانشگاههای دنیا و قوانین و مقررات موجود دانشگاه مرتبط با اخلاق و آداب مدرسین دانشگاه مورد بررسی و نقد نظر قرار گرفته است. علاوه بر این اقدامات طراحی یک تحقیق میدانی به منظور دستیابی به مهمترین موضوعات اخلاقی مورد توجه دانشگاهیان و راهکارهای مداخلات عملی برای ارتقاء سطح اخلاق در دانشگاه در دست تدوین است. مجموعه حاضر حاصل تلاش همکاران در کمیته اخلاق در آموزش دانشگاه علوم پزشکی همدان است که به نظر خواهی عمومی گذاشته می شود. از همه دانشگاهیان عزیز خصوصاً صاحب نظران این حوزه خاضعانه تقاضای همفکری و اعلام نظرات را داریم.

هدف نهایی از این فرآیند یافتن یک مسیر مناسب و علمی برای تدوین کدهای اخلاق در تعلیم و تربیت دانشگاهی می باشد که فراگیر شدن آن در سایر دانشگاههای علوم پزشکی، دانشگاههای تحت نظر وزارت علوم و دانشگاه آزاد اسلامی نیازمند به طرح موضوع در مجامع بالاتر با حمایت وزارتین خواهد بود. طبعاً این کمیته کماکان فعال خواهد بود و نیاز به کمک و مساعدت خواهد داشت. در صورت اقبال مناسب از این طرح و با استعانت از کمک های حضرت حق تعالی می توان در دوره زمانی حداکثر دو ساله به مصوبه کدهای اخلاق در تعلیم و تربیت دانشگاهی با تصویب شورای عالی انقلاب

فرهنگی دست یافت. اعضای مستمر کمیته اخلاق در آموزش دانشگاه علوم پزشکی همدان که در تدوین این مجموعه به عنوان نویسنده یا عضو کمیته همکاری نموده اند به ترتیب حروف الفبا به شرح زیر می باشند:

- دکتر محمدعلی چراغی - عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی
 - دکتر ایرج صالحی - عضو هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی
 - آقای غلامحسین فلاحی نیا - عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی
 - حجت الاسلام و المسلمین مرتضی مطهری پور - مسول دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه
 - دکتر رستم گلمحمدی - عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت
 - دکتر امیر فرهنگ میر اسماعیلی - عضو هیئت علمی دانشکده دندانپزشکی
 - دکتر مهناز یاونگی - عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی
 - دکتر سید محمد مهدی هزاهه ای - عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت
 - حجت الاسلام و المسلمین عبدالمجید مهدوی مقدم
- همچنین لازم می دانم از کلیه مسئولین محترم فعلی و سابق دانشگاه که در این مسیر حمایت و همکاری نموده اند به شرح زیر تشکر نمایم:
- دکتر رضا صفی آریان - رئیس دانشگاه
 - حجت الاسلام و المسلمین مصطفی رستمی - مسول سابق دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه
 - دکتر عبدالله فرهادی نسب - رئیس سابق دانشگاه
 - دکتر عباس زمانیان - معاون سابق پژوهشی دانشگاه
 - دکتر ابراهیم خوش رفتار - معاون سابق آموزشی دانشگاه

دکتر رستم گلمحمدی

عضو هیئت علمی و نویسنده مسئول golmohamadi@umsha.ac.ir

گفتار یکم

فلسفه اخلاق در آموزش

اخلاق

علم اخلاق شاخه‌ای از علوم انسانی است که موضوع آن ارزش گذاری درستی یا نادرستی خوی‌ها و رفتارهای انسان است. گفته شده که جایگاه اخلاق در نقشه علم، در انتهای آن است. اخلاق از نظر لغوی جمع خُلق یعنی خوی، و مترادف طبع، سجیه و عادت است. در اینجا دو مفهوم صفت اخلاقی و عمل اخلاقی قابل تعریف است [۷-۱]:

- صفت اخلاقی، عامل انجام یک عمل اخلاقی در شرایط خاص، به طور ناخودآگاه و گاه شرطی می باشد که گاهی در انسان ملکه می شود.
 - عمل اخلاقی، نوع عمل است، که می توان در مورد خوب یا بد بودن آن قضاوت نمود. عمل اخلاقی می تواند آگاهانه یا بی اختیار و عادت باشد.
- از دیدگاه علامه محمد حسین طباطبایی (ره) [۱]، علم اخلاق عبارت است از فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و

انسانی اوست، به این غرض بحث می کند که فضائل آنها را از رذائلش جدا سازد و معلوم کند کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست، و کدامیک بد و رذیله و مایه نقص اوست، تا آدمی بعد از شناسائی آنها خود را با فضائل بیاراید، و از رذائل دور کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای فضائل درونی است، انجام دهد تا در اجتماع انسانی ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را بخود جلب نموده، سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند. خواجه نصیر الدین طوسی (ره) در آغاز کتاب اخلاق ناصری، علم اخلاق را در گروه بندی سایر علوم چنین آورده است:

۱. علوم نظری که وجود موضوع آنها وابسته به حرکت ارادی انسان است، شامل: ما بعد الطبیعه که موضوعشان مجرد از ماده می باشد، ریاضیات که خود دارای ۴ قسم است و طبیعیات که خود دارای ۸ قسم است.
۲. علوم عملی که وجود موضوع آنها مستقل از حرکت ارادی انسان است. این علوم دانش به مصالح حرکات ارادی و افعال صناعی انسان هستند، به گونه ای که احوال آنها را سازمان دهند و آنان را به کمال شایسته شان برساند.
۳. علم تهذیب اخلاق که در مورد امور فردی بحث می کند.
۴. علم تدبیر منزل که مربوط به امور اجتماع کوچک است.
۵. سیاست مدن که مربوط امور جمعیتی است که در شهر، مملکت و مانند آن زندگی می کنند.

شاخه های علم اخلاق

دست کم سه شاخه پژوهشی در اخلاق وجود دارد [۶] که بازشناسی آنها و دقت در شناخت حدود و قلمرو هر یک از این حیطه ها ما را در آشنایی بیش تر با فلسفه اخلاق و مسائل آن یاری می رساند. این سه حیطه شامل: فلسفه اخلاق (یا فرا اخلاق)، اخلاق نظری و اخلاق عملی می باشند.

فلسفه اخلاق یا فرا اخلاق، شاخه‌ای از فلسفه است و وظیفه آن پاسخ به سؤالاتی است که به عنوان پایه اخلاق نظری محسوب می‌شوند. در این شاخه به سؤالاتی در مورد ماهیت و معیار خوبی و بدی یک صفت یا رفتار اخلاقی، ماهیت و حقیقت مفاهیم اخلاقی، مطلق یا نسبی بودن مسائل اخلاقی پاسخ داده می‌شود.

وظیفه اخلاق نظری مطالعه صفات و اعمال اخلاقی و پاسخ به انتظاراتی از قبیل شناسایی، دسته بندی و تعریف صفات و اعمال اخلاقی در حوزه عمومی، شناخت ریشه‌ها و پیامدهای آنها است. در این شاخه قضاوت در مورد خوبی یا بدی صفات کلان (صفاتی که محدود به حوز خاصی از زندگی نیستند)، شناسایی حوزه‌های خاص اخلاق و دادن قدرت استدلال در مورد خوبی یا بدی اعمال و صفات اخلاقی در حوزه‌های خاص به فراگیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

اخلاق عملی، مهارتی است برای رسیدن از وضعیت اخلاقی نامطلوب به وضعیت اخلاقی مطلوب. در این دیدگاه، رعایت اخلاق عملی، اساس معنویت است. در این حیطة انسانی که اخلاقی تر است، معنوی تر نیز هست. از مهمترین مسائل مطرح در این حوزه می‌توان به شناخت و استفاده از مبادی رفتار برای ایجاد شناخت، نگرش و عمل به آنها برای رشد و تعالی معنوی روش ایجاد و از بین بردن صفات اخلاقی اشاره کرد. اخلاق دارای درجات و مراتب زیادی می‌باشد و یکی از ارکان معنویت را تشکیل می‌دهد. از آنجا که مقصد نهایی اخلاق، تربیت انسان معنوی است، در سطوح بالا صفات انسان اخلاقی و انسان معنوی به همدیگر رسیده و یکی می‌شوند.

فلسفه

در تعریف فلسفه عنوان شده است که فلسفه علمی است که از احوال موجود مطلق، بحث می‌کند. یا علمی که از احوال کلی وجود گفتگو می‌کند. یا مجموعه قضایا و مسائلی که پیرامون موجود بما هو موجود مطرح می‌شود. فلسفه اسلامی مبنی بر هستی

شناسی می‌باشد. از دیدگاه آیت الله مصباح یزدی [۸]، واژه فلسفه امروزه کاربردهایی بسیار متفاوت دارد. فلسفه یک معنای عرفی متداول و غیر اصطلاحی دارد که عبارت است از: بحث درباره چرایی یک مطلب یا چرایی یک گزاره. مثلاً می‌گویند: «فلسفه این قانون چیست؟» یا «فلسفه این حکم چیست؟» در گفت و گوهای رایج، منظور آن است که حکمت وضع این قانون چیست و چرا این حکم را پذیرفته اند؟ البته این با معنای اصطلاحی اش نیز بی‌مناسبت نیست، ولی عین معنای اصطلاحی نیست. شبیه آن است که می‌گوییم: «حکمت این کار چیست؟» زیرا واژه های «حکمت» و «فلسفه» با هم تشابه بسیاری دارند. از این رو، به جای این که بگویند: «حکمت این کار یا قانون چیست؟» می‌گویند: «فلسفه اش چیست؟» این معنایی عرفی است که نظر فیلسوفان نیست و جای بحث هم ندارد.

در اصطلاحات علمی دانشگاهی و محافل فلسفی، این واژه معانی بسیار متفاوتی دارد و در طول تاریخ فلسفه نیز در هر زمانی، معانی گوناگونی از آن اراده کرده اند. برخی زمان ها معنایش را گسترش داده اند و زمانی دیگر، از آن کاسته اند و در معنای محدودتری به کار برده اند. گاهی نیز تحولاتی یافته و معنایی مباین با معنای پیشین پیدا کرده است. اگر از منظر تاریخی بنگریم، کهن ترین اصطلاح در تاریخ فلسفه مکتوب، همان اصطلاح یونانی ها است (فیلاسوفس). یونانیان این اصطلاح را به معنای دوستدار علم و حکمت به کار می‌برده اند؛ یعنی کسی که معتقد است حقیقت ثابتی هست و تلاش می‌کند آن را اثبات کند. «فلسفه» (معادل فیلسوفی کردن) شامل همه رشته های معرفتی می‌شد؛ رشته هایی که به گونه ای با دلیل عقل پسند، اثبات پذیرند. تنها چیزی که ظاهراً در آن زمان از حوزه فلسفه بیرون بود، رشته هایی بود که جنبه قراردادی محض داشتند، مانند شعر که جزو فلسفه نبود یا مقرراتی که در کشوری رایج بود و جنبه حقوقی داشت. صرف قراردادهای و قوانین موضوعه را جزو فلسفه به شمار نمی‌آوردند؛ زیرا راه اثبات عقلی و علمی نداشتند. به هر آنچه از راه قیاس یا استقراء

قابل اثبات عقلی بود، فلسفه می گفتند. این عام ترین اصطلاحی است که در آن زمان رایج بوده و هنوز هم کم یا بیش به این معنا به کار می رود [۸].

در قرون وسطا، معنای فلسفه از این نیز گسترده تر شد. حتی ادبیات را به حوزه فلسفه راه دادند. اصطلاح Ph.D. که امروزه در همه رشته های علمی به کار می رود و به معنای دکتر فلسفه است و به رشته علمی خاصی اختصاص ندارد و همه علوم عقلی، فناوری، تاریخ، ادبیات و مانند آن را شامل می شود. آن زمان که روش تجربی در علوم اوج گرفت و گونه ای حس گرایی در میان فیلسوفان و دانشمندان رواج یافت، درست در نقطه مقابل این اصطلاح، واژه دیگری پیدا شد با عنوان ساینس^۱، آنها به رشته های علمی که با روش تجربی قابل اثبات نبود، چندان بهایی نمی دادند. بنابراین، آنچه قبلاً با روشی خاص مطرح می شد و جزئی از فلسفه بود مثل طبیعیات، فلکیات، متافیزیک و چیزهایی از این قبیل یکی یکی از حوزه فلسفه خارج و به نام علمی خاص نامیده شد و باقی ماند. آن شاخه هایی از دانش بشری که با روش تجربی قابل اثبات نبود. هنوز هم گاهی فلسفه را در مقابل علم در محافل غربی به صورت جدی به کار می رود که دارای بار منفی می باشد. در این تقابل برای موضوعات علمی (در برابر فلسفی) بار مثبتی قائل هستند که قابل اثبات تجربی و تحصیل است. ولی فلسفه و مطالب فلسفی را، که قابل اثبات تجربی نیستند، علمی نمی دانند. این اصطلاح خاص بخصوص در قرنهای اخیر و از وقتی فلسفه تجربی و گرایش پوزیتیویستی در مغرب زمین رواج پیدا کرده و اوج گرفته، رواج پیدا کرده است [۸].

از دیدگاه شهید مطهری حکمت یا فلسفه را به دو بخش تقسیم شده است: حکمت نظری و حکمت عملی. حکمت نظری عبارت است از علم به احوال اشیاء آن چنان که اشیا هستند یا خواهند بود؛ ولی حکمت عملی عبارت است از علم به این که افعال بشر

چگونه و به چه منوال خوب است و باید باشد و چگونه و به چه منوال بد است و نباید باشد. خلاصه آن که حکمت نظری از «هست»ها و «است»ها سخن می گوید و حکمت عملی به «بایدها» و «شاید»ها و «نشاید»ها [و «خوب»ها و «بدها»] می پردازد [۹].

حکمت نظری به الاهیات و ریاضیات و طبیعیات و حکمت عملی به اخلاق و تدبیر منزل و سیاست جامعه تقسیم می شود؛ اما امروزه، وقتی از اخلاق و فلسفه اخلاق سخن به میان می آید کل مباحث حکمت عملی را شامل می شود. حکمت عملی در معنا و اصطلاح متعارفش، بخشی از معنای فلسفه اخلاق را تشکیل می دهد؛ چون اخلاق دستوری، همان مباحث حکمت عملی است و بر آن است تا با تحلیل عقلانی روشن کند که بر اساس چه معیارها و ملاک هایی، یک عمل «خوب»، و عمل دیگر «بد» می شود. بخش دیگر فلسفه اخلاق، فرا اخلاق است که درباره اخلاق دستوری است؛ یعنی در این بخش، مفاهیم و تعابیر اخلاق مانند «خوب» و «بد» تحلیل عقلانی می شوند که آیا این مفاهیم وجود خارجی دارند یا صرفاً مفاهیم انتزاعی هستند [۳].

یکی از علل رویکرد دانشگاه اسلامی که توسط مقام معظم رهبری مطرح گردیده است برکنار نمودن این تقابل می باشد. توجه به این نکته که چرا باید به علوم مختلف دست یابیم و راه صلاح و صواب استفاده از این نبوغ خدادادی چیست و شناخت ماهیت و معیار خوبی و بدی در مطالعات علمی مرتبط با فلسفه می باشد. در حقیقت کاربرد فلسفه، بررسی ارزش ها است، یا آنچه در یک اجتماع یا اجتماعات انسانی با ارزش تلقی می شود. آنچه در زمینه گسترش میراث فرهنگی، در بهبود روابط انسانی و در تحکیم حقوق و آزادیهای فردی و حفظ آرمان های بشری به وسیله فیلسوفان مشخص و روشن می گردد، پایه و اساس ارزش ها را تشکیل می دهد. آشنایی با فعالیت های فلسفی مثل تحلیل مفاهیم و افکار، ارزیابی نظریات، تفسیر عقاید و چگونگی ارزش ها، برای معلم و شاگرد مفید می باشد. کوشش برای گسترش روح فلسفی در میان شاگردان، از هدفهای اساسی تعلیم و تربیت است [۱۰].

فلسفه اخلاق^۱

امروزه مطالعه و بررسی مباحث فلسفه اخلاق [۹ و ۱۱] یا اخلاق پژوهی در دو حوزه اخلاق دستوری و فرا اخلاق بررسی می شود. در شاخه اخلاق دستوری، در باره اخلاق، معیارها و قواعدی را عرضه می شود که به کمک آن ها، اعمال خوب و درست را از اعمال بد و نادرست تشخیص داده شود. به تعبیر دیگر، به طریق عقلانی کوشیده می شود تا اصولی کشف گردد که به ما کمک می کند چه کارهایی را باید انجام دهیم و چه کارهایی را نباید انجام دهیم، یا چه کارهایی خوب، و چه کارهایی بد است. آن چه در این حوزه برای فیلسوف اخلاق اهمیت دارد، کشف این نکته است که چرا انسانها بعضی از اعمال را خوب و بعضی دیگر را بد می دانند و چه اعمالی را باید و چه اعمالی را نباید انجام دهند. بحث در باب صحت و سقم و اتقان این معیارها و قواعد، وظیفه فیلسوف اخلاق است. این شاخه از اخلاق که مترادف فلسفه اخلاق نیز محسوب شده است. دیدگاههای امروزی غربی ها مربوط به اخلاق دستوری به دو گروه عمده تقسیم می شوند. این دو دیدگاه شامل: دیدگاه ها و نظریات غایت گرایانه^۲ و دیدگاه ها و نظریات وظیفه گرایانه^۳ می باشند [۱۲ و ۱۳].

پیروان نظریه غایت گرایانه معتقدند که خوبی و بدی یا درستی یا نادرستی یک عمل، با توجه به نتیجه آن مشخص می شود؛ اما در باب نتیجه عمل، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. برخی مانند آریستوتیلیوس (۳۵۵-۴۳۵ ق.م) و اپیکور (۳۷۰-۴۴۲ ق.م) نتیجه عمل را سودمندی یا لذت شخص فاعل در نظر می گیرند. اگر عملی برای

۱ - در این مبحث از مقاله بسیار خوب جناب آقای محمد محمدرضایی تحت عنوان فلسفه اخلاق از دیدگاه استاد شهید مطهری (ره) مندرج در مجله قیاسات، شماره ۳۰ و ۳۱، بهار ۱۳۸۳، استفاده شده که از ایشان کمال تشکر را دارم.

2 - Teleological Theories

3 - Deontological Theories

عامل، سودمند یا لذت آفرین بود، آن عمل خوب و گرنه بد است. برخی دیگر مانند جرمی بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲م) و جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳م) معتقدند که خوبی یک عمل، هنگامی است که افزون بر عامل، برای دیگران نیز سودمند باشد. منفعت عمومی نزد بنتام، وسیله ای برای دستیابی به منفعت شخصی است؛ در حالی که نزد میل، منفعت عمومی، مطلوب اصلی است [۱۳ و ۱۴].

اشکال این نظریه این است که نتیجه عمل، پیش از درستی و نادرستی عمل باید تعیین شود که به آسانی قابل تشخیص نیست؛ زیرا به سرعت نمی توان درباره نتیجه بعضی از اعمال اظهار نظر کرد. استاد شهید مطهری [۱۱]، مکاتب اخلاقی را که بر لذت و نفع شخصی و جمعی مبتنی است، اصولاً اخلاق نمی داند. وی عملی را اخلاقی می داند که قابل ستایش و آفرین و تحسین است و کسی که برای نفع شخصی یا جمعی کار کند، همواره چنین نیست که قابل تحسین باشد. فرد یا ملتی که برای منفعت شخصی یا جمعی عملی را انجام می دهند، ممکن است برای رسیدن به لذت و نفع به هر جنایت و ظلمی دست بزنند. در حالی که ظلم و جنایت و آدمکشی را همه انسان ها تقبیح می کنند. بنابراین چه بسیار اعمال زشت و ناپسندی وجود دارد که وسیله رسیدن به لذت هستند، ولی در این مکتب ها، اخلاقی لحاظ می شوند. حال آن که همه آدمیان، آن ها را اخلاقی نمی دانند. اشکال دیگری که متوجه این مکاتب منفعت گرا است، این که آن ها، بر نظام فلسفی مادی گرایانه مبتنی هستند، یعنی لذت و نفع را منحصر به لذت و نفع مادی و این جهانی می دانند. در نظر استاد شهید مطهری، اخلاق و شرافت های انسان و اخلاق، جز در مکتب خداپرستی در هیچ مکتب دیگری قابل توجیه و تأیید نیست.

استاد شهید مطهری معتقد است، اگر خدا و ایمان نباشد، اخلاق مثل اسکناسی است که پشتوانه نداشته باشد. ابتدا ممکن است عده ای نفهمند؛ ولی اساس و پایه ندارد. مگر فرانسوی ها اول کسانی نبود، که اعلامیه جهانی حقوق بشر را منتشر کردند؟

ولی این اعلامیه در جنگ اول و دوم کجا رفته؟ در حادثه الجزایر کجا رفته؟! مگر آن جا حقوق بشر نبود؟! مگر جز این بود که یک ملت حق خودش را می خواست؟! که با آنها آن برخورد را کردند. بنابر این، کسی که به خدا و جاودانگی نفس و حیات بعد از مرگ و رسالت انبیای الهی اعتقاد داشته باشد نمی تواند به این نظام اخلاقی معتقد بشود. زیرا چه بسا برای چنین فردی انجام فرامان های خدا می تواند لذت بخش ترین عمل باشد؛ هر چند به ضرر دنیای او تمام شود. از این رو، پیش از هر چیز باید معنای نفع و مصلحت معنا شود. اگر منظور از نفع، لذت مادی است. این مکتب، بر نظام مادی گرایانه مبتنی است که مشکلات خاص خود را دارد و اگر منظور از نفع، مادی و معنوی با هم است، موارد بسیاری پیش می آید که باید یکی از آنها را بر دیگری ترجیح داد. در آن صورت، ملاک ترجیح چیست؟ و اگر منظور از نفع و لذت، معنوی است، در آن صورت، مکتب غایت گرایانه نفی می شود. زیرا نفع معنوی در مکاتب و وظیفه گرایانه نیز میسر است و به مشخص کردن غایت آن عمل نیازی نیست، بلکه نفع و لذت معنوی می تواند در انجام نفس عمل نیز نهفته باشد، نه نتیجه عمل؛ از این رو، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: اگر خدا، بهشت و جهنم را هم خلق نکرده بود، من خدا را عبادت می کردم، چون خدا شایسته عبادت است و این عمل او، لذت معنوی را به دنبال دارد [۱۱]. بنا بر این می توان نتیجه گرفت که حتی اگر عمل اخلاقی با قصد غایت گرایانه باشد بکلی مذموم نیست، بلکه غایت بایستی به طور اصیل تعریف گردد. در دیدگاه اسلام غایت جلب رضای الهی و تعالی روح است.

نظریات وظیفه گرایانه در اخلاق، می گوید که خوبی و بدی عمل، مبتنی بر نتایج آن نیست، بلکه ویژگی های خود عمل است که مشخص می کند آن عمل، خوب یا بد است. برای مثال، احکامی نظیر «راست گویی خوب است» یا «باید با مردم به عدالت رفتار کنی»، اگر به خود عمل توجه داشته باشیم، یعنی راستی و عدالت را برای خود راستی و عدالت انجام دهیم و نه برای غایت و نتیجه آن ها و همچنین اگر نتایج راستی

و عدالت، در خوبی و بدی آن ها تأثیری نداشته باشد، چنین نظریه ای، نظریه وظیفه گرایانه است. در این که وظیفه اخلاقی را چه منبعی مشخص می کند، اختلاف نظر وجود دارد. برخی مانند امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۹ م) عقیده دارند که این وظیفه را جامعه مشخص می کند. برخی دیگر مانند ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸ م) و ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) برآنند که این وظیفه را وجدان یا عقل عملی مشخص می کند و برخی دیگر مانند طرفداران نظریه فرمان الاهی معتقدند که این وظایف را خدا مشخص می سازد [۱۵].

به نظر استاد شهید مطهری [۱۱]، هیچ کس به اندازه کانت به وجدان اهمیت نداده است. او حتی اعتقاد دارد که خدا را از راه برهان عقلی نمی شود ثابت کرد؛ ولی از راه وجدان اخلاقی می شود ثابت کرد. خود او به خدا از راه وجدان اخلاقی اعتقاد دارد. کانت معتقد به الهام وجدانی است و می گوید: بعضی چیزها را انسان در وجدان خودش به صورت یک تکلیف و یک امر و نهی احساس می کند که ظلم نکن. دروغ نگو. راست بگو. به دیگران محبت بورز و خیانت نکن، و هیچ غرض و غایتی هم جز خود عمل ندارد. اگر وجدان بگوید که من این عمل را برای فلان هدف انجام می دهم، مثل این که بگوید، راست بگو تا مورد اعتماد مردم واقع شوی، دیگر اخلاقی نیست. شهید مطهری همچنین معتقد است که کانت، بین سعادت و کمال فرق گذاشته است: سعادت یک مطلب است، و کمال، مطلب دیگر. چون اوامر وجدان، مطلق و غیرمشروط است و به نتایج عمل، توجه ندارد و می گوید: عمل خواه برای تو مفید فایده و لذتی باشد یا نباشد، خوشی به دنبال بیاورد یا رنج، آن را انجام بده، پس با سعادت انسان کار ندارد، چون سعادت در نهایت امر یعنی خوشی، منتها هر لذتی خوشی نیست. لذتی که به دنبال خودش رنج بیاورد خوشی نیست. سعادت یعنی خوشی هرچه بیش تر. وجدان به خوشی کار ندارد، به کمال کار دارد. می گوید: تو این کار را بکن برای این که خودش

فی حد ذاته کمال است؛ سعادت دیگران را بخواه که کمال تو است. این جا است که آقای کانت میان کمال و سعادت فرق گذاشته است.

کانت همچنین از راه اخلاق، وجود خدا و جاودانگی نفس را ثابت می کند و می گوید [۱۶ و ۱۷]: عقل حکم می کند که برترین خیر^۱ را طلب کنیم. به نظر وی، برترین خیر، معنای مشترک بین خیر اخلاقی و خیر طبیعی حسی است. خیر اخلاقی که به آن فضیلت نیز می گویند، تنها خیر نیست. فضیلت مناسب با برترین خیر، فضیلت تام است. یعنی مطابقت تام بین اراده و قانون اخلاقی. یا اراده همواره به گونه ای باشد که از قانون اخلاقی تبعیت کند. خیر حسی که به آن سعادت نیز می گویند، به معنای خشنودی همه امیال در سراسر عمر است؛ یعنی اگر در سراسر عمر موجود عاقل، همه چیز مطابق میل و اراده او صورت بگیرد، به آن سعادت می گویند. کانت همچنین معتقد است که فضیلت، علت سعادت است؛ یعنی به هر مقدار که انسان با فضیلت می شود، باید سعادت مند هم بشود. یعنی جهان مطابق میل او شود؛ اما از طرفی چون انسان نه خالق جهان است و نه قادر به نظم بخشی طبیعت تا جهان را با اراده و میل خود هماهنگ کند تا بتواند سعادت متناسب با فضیلت را مهیا سازد، ما باید یک علت را برای کل طبیعت فرض کنیم که متمایز از طبیعت و در بردارنده اساس و علت هماهنگی دقیق بین فضیلت و سعادت است که آن خدا است.

شهید مطهری در عین حالی که بر نکات عالی و لطیف و به تعبیری عناصر صحیحی در اخلاق کانت اذعان دارد، انتقادهایی را هم بر او وارد می کند [۲]. اشکال یکم این است که عقل نظری نمی تواند در باب مسائل اساسی ما بعدالطبیعه از قبیل خدا، جاودانگی نفس و اختیار آدمی، اظهار نظر کند. وی این تفکر کانت را فاقد انسجام منطقی می داند. اشکال دوم آن است که همه احکام وجدانی و به تعبیری احکام

اخلاقی، مطلق نیستند. عباراتی چون: «عدالت، خوب، و ظلم، بد است» احکام مطلقه است؛ اما راستگویی، حکم مطلق نیست. اگر دیوانه ظالمی، کاردی به دست گرفته و سراغ بیچاره ای را می گیرد که شکمش را پاره کند و از تو می پرسد آیا اطلاع داری او کجا است؟ اگر بگویی اطلاع ندارم، دروغ گفته ای؛ در حالی که وجدان به تو گفته باید راست بگویی؛ اگر بگویی اطلاع دارم، او را به ناحق می کشد. آیا واقعاً وجدان انسان این قدر مطلق است و می گوید تو باید راست بگویی و به نتیجه کار نداشته باشی؟. بنابراین، به نظر استاد، تمام احکام اخلاقی، مطلق نیست. نکته ای که از فحوای کلام شهید مطهری بر می آید، این است که کانت در تعارضات اخلاقی، راه حلی ارائه نداده است. حفظ جان انسان، حکم اخلاقی است، راستگویی حکم اخلاقی دیگر است. هنگامی که این دو با هم متعارض شد، وظیفه چیست؟.

اشکال اساسی شهید مطهری به کانت این است که وی، کمال یا فضیلت و سعادت و به تعبیری، خوشی و لذت را از هم تفکیک، و بر این اساس هم وجود خدا و جاودانگی نفس را اثبات کرده است. حال اگر اثبات شود که بین سعادت و فضیلت هیچ انفکاک وجود ندارد، بخش فراوانی از تفکر کانت با اشکال جدی مواجه است. شهید مطهری می گوید: هنگامی که انسان، فضیلتی را انجام داد، غرق نوعی خاص از مسرت و شادی می شود که قابل توصیف با لذت حسی نیست. عالمی که به کشف یک حقیقت علمی می رسد، لذتی به او دست می دهد که با هیچ خوشی حسی قابل مقایسه نیست. همواره لذت از رسیدن پیدا می شود و الم و درد از نرسیدن به کمالی که انسان باید برسد. بنابر این تفکیک کمال و فضیلت از لذت و سعادت که کم کم در فلسفه اروپا یک سخن رایجی شده که آیا انسان باید طالب کمال باشد یا طالب سعادت و لذت، حرف درستی نیست. هر کمال [یا فضیلتی] خواه ناخواه نوعی لذت را به دنبال خود می آورد [۱۱ و ۱۸].

بر اساس دیدگاه شهید مطهری، فضیلت و سعادت، توأمان هستند؛ پس اگر هر فضیلتی سعادت و لذتی را به دنبال داشت، دیگر لازم نیست [به عقیده کانت] موجودی خارج از عالم را به نام خدا فرض کنیم که به هر مقدار که انسانی فضیلتی را انجام داد، به او خوشی و سعادت بدهد؛ یعنی جهان را با اراده‌ی شخص با فضیلت هماهنگ کند؛ زیرا که هر فضیلتی، سعادت متناسب خود را در پی دارد و اصولاً خوشی منحصر به خوشی و سعادت حسی نیست؛ بلکه درانجام همان فضیلت خوشی نهفته است؛ خوشی که قابل مقایسه با خوشی های حسی نیست؛ از این رو، اگر تفکیک بین فضیلت و سعادت از بین برود، این بخش از عقیده اخلاقی کانت نیز مخدوش می شود. اشکال دیگر شهید مطهری بر کانت این است که او، وجدان را مستقل از تکلیف کننده لحاظ کرده است. در صورتی که وجدان، جدا از حس خداشناسی نیست. وجدان انسان، همان گونه که تکلیف را درک می کند، تکلیف کننده را نیز درک می کند. وجدان انسان، به ریشه و تمام عالم هستی اتصال دارد و چون با خدا ارتباط دارد، تکالیف خدا را در وجدان احساس می کند. وی به این آیه قرآن تمسک می کند که اوحینا الیهم فعل الخیرات (انبیاء، ۷۳). ما خود، کار خیر را در قلب مردم الهام و وحی کردیم. بنابر این، همان طور که کاری خیر را که متعلق وحی است، درک می کنیم، وحی کننده را نیز که خدا است، درک می کنیم [۹].

استاد مطهری در حوزه اخلاق دستوری، نظریه بدیع و متقنی به نام نظریه پرستش را ارائه می دهد. وی معتقد است کارهای اخلاقی که مورد تقدیس و ستایش دیگران قرار می گیرد، از مقوله پرستش است. قوانین اجتماعی، قوانین الهی است. خداوند، دو نوع قانون برای انسان مقرر کرده است: یک نوع قوانین را در فطرت انسان ثبت کرده است و نوع دیگر، قوانینی که در فطرت انسان نیست؛ بلکه از همان قوانین فطری منشعب می شود و تنها به وسیله انبیا بیان شده است. انبیا علاوه بر این که قوانین فطری را تأیید می کنند، یک قوانین اضافه هم برای انسان می آورند. آن عمق روح انسان، آن

فطرت انسان، آن عمق قلب انسان، با یک شامه مخصوص ناآگاهانه همین طور که خدا را می شناسد؛ این قوانین خدا را می شناسد، رضای خدا را می شناسد و کار را بالفطره در راه رضای خدا انجام می دهد، ولی خودش نمی داند که دارد قدم در راه رضای خدا بر می دارد. حال کسی که ناآگاهانه مثل یک بت پرست از چنین قوانین فطری تبعیت می کند، آیا چنین کارهایی نزد خدا اجر دارد؟ جواب آن است که بی اجر هم نیست. از این رو، اخلاق از مقوله عبادت و پرستش است. انسان به همان میزان که خدا را ناآگاهانه پرستش می کند، ناآگاهانه هم از یک سلسله قوانین الهی که در فطرت انسانی است، پیروی می کند. پیامبران الهی برای آن آمده اند که این عبادت ناآگاهانه را به یک امر آگاهانه تبدیل کنند. آن وقت دیگر تمام کارهای او می شود اخلاقی؛ چون تمام کارها بر اساس تکلیف و رضای خداتنظیم شده است. «قُلْ إِنْ صَلَّاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام، ۱۶۲)؛ بگو: در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است»؛ بنابر این، پرستش منحصر به پرشش آگاهانه نیست. پرستش آگاهانه مخصوص بعضی از انسان ها است؛ ولی ناآگاهانه، تمامی موجودات، خدا را پرستش می کنند، چنان چه قرآن می فرماید: «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (حدید، ۱)؛ آن چه در آسمان ها و زمین است، خدا را به پاکی می ستایند و او است ارجمند حکیم». «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَّا تُفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ (اسراء، ۴۴)؛ هیچ چیز نیست، مگر این که در حال ستایش، تسبیح او می گوید؛ ولی شما تسبیح آن ها را در نمی یابید»؛ پس اگر کسی قانون اخلاقی را انجام می دهد، به این علت انجام می دهد که این قانون را قانون خدا می داند و تبعیت از قانون الهی مورد رضایت الهی است. در واقع با پیروی از قانون، رضایت خدا را برآورده می سازد. فاعل اخلاقی، از آن رو از قانون اخلاقی تبعیت می کند که حس می کند محبوب واقعی اش یعنی خدا، آن را از او می خواهد؛ از این جهت آن قانون اخلاقی را دوست دارد. از نظر شهید مطهری، انگیزه تبعیت از قانون اخلاقی از آن رو

است که قانون اخلاقی مورد رضایت خدا است و چون از ناحیه خداست، زیبا است و هر انسانی دوست دارد، رضایت محبوب واقعی خود را برآورد [۱۱ و ۱۹].

ضرورت بحث از فلسفه اخلاق

شاید برخی چنین تصور کنند که بحث از مسایل فلسفه اخلاق و مباحث عقلی و فلسفی درباره اخلاق، بحثی بی فایده و بیهوده است؛ به ویژه برای ما مسلمانان و معتقدان به وحی معصوم و پیامبر و امامانی پاک؛ زیرا بعد از آن که راه صحیح زندگی و اخلاق نیک و خداپسندانه را توسط اولیای دین آموخته ایم، آیا به دنبال مباحث خشک عقلی و فلسفی رفتن، می تواند وجه معقول و موجهی داشته باشد؟ مگر هدف اصلی زندگی، بهره مندی از صفات پسندیده و دوری از صفات ناپسند و زشت نیست؟ پس آیا بحث در اطراف تعریف و تحلیل مفاهیم اخلاقی، شناخت منشأ پیدایش آنها و اثبات انشایی یا اخباری بودن گزاره های اخلاق و امثال آن می تواند گرهی از کار رفتار اخلاقی ما بگشاید.

این دغدغه تا اندازه ای به جا و درست است. ما نیز قبول داریم که وظیفه ما عمل به دستورات قرآن و اسلام است و یگانه راه رستگاری و سعادت دنیوی و اخروی را نیز در پیروی از معارف اسلامی می دانیم و معتقدیم که «بحث عقلی گر در و مرجان بود»، به خودی خود نمی تواند ما را به سعادت رسانده و مکارم اخلاق را در ما شکوفا نماید. اما تمام سخن در این است که ما به عنوان پیروان اخلاق قرآنی و مدافعان معارف اسلامی باید بتوانیم مبانی علمی و عقلی اخلاق قرآنی را به صورت تحلیلی و علمی به دیگران عرضه کنیم و در برابر سایر دیدگاه ها و مکاتب اخلاقی، از آنها دفاع نماییم. پر واضح است که این کار جز با غور و تعمق در مباحث فلسفه اخلاق امکان پذیر نیست. بدون آگاهی از دیدگاه و نظریه اسلام درباره مسایل فلسفه اخلاق، چگونه ممکن است از اصول

اخلاقی و ارزشی اسلام در برابر سایر نظام های اخلاقی، دفاعی معقول و موجه داشت [۲۰].

تمام فیلسوفان از افلاطون و ارسطو تا کانت و دیویی، بر اهمیت پرورش منش [شخصیت] در اجتماع نظر داشته اند. در تربیت اخلاقی، معلمان به منزله الگوهای مثبت باید جو اخلاقی در کلاس ایجاد کنند و در برنامه درسی، فرصت هایی را برای معرفی یک منش اخلاقی خوب در محیط خارج از کلاس فراهم آورند. از سوی دیگر، شرایط خشک مدرسه، روش های تدریس خسته کننده، بی علاقه‌گی معلمان و سلامت اخلاقی معلمان می تواند تأثیرهای مثبت یا منفی بر شخصیت شاگرد داشته باشد. با این نقطه نظر، تربیت اخلاقی باید تمام عوامل تأثیرگذار در آموزش را در برگیرد [۲۱].

اخلاق، فن و روشی تعلیمی است که با به کارگیری آن در نفس انسان، خلق ها و ملکاتی حاصل شود که تنها افعال جمیل از آن صادر گردد. علم اخلاق از شریف ترین علوم است چرا که شرافت هر دانشی به موضوع آن است و موضوع اخلاق روح انسان است که اشرف موجودات و موضوعات است. انسان در پرتو به کارگیری اخلاق می تواند خویشتن را پاکیزه گرداند و موانع کمال را با مجاهده با نفس از میان بردارد و از خسران واقعی که همان خسران خویشتن است، برهد. انسان بر اثر تعالیم اخلاقی از شر و شقاوت دوری گزیده به خیر و سعادت نائل می گردد تا آن جا که همنشین پاکان و فرشتگان و پذیرای فیض الهی می گردد [۲۲].

از سویی آموزش خشت اول بنای هر فرهنگ و تمدن است و یکی از ممیزات هر فرهنگ و تمدن، فلسفه تعلیم و نظام آموزشی آن است. چنان که می توان فرهنگ ها را به اعتبار فلسفه تعلیم و نظام آموزشی آن ها امتیاز داد و تقسیم ارزشی کرد. دین های آسمانی ریشه وحیانی دارند و وحی گونه ای آموزش ربانی به رسولان الهی است. پس اساس دین بر آموزش است و اصولاً هر دین الهی با آموزش آغاز می شود. اما آغاز اسلام از نوع دیگر است. توضیح آن که با همه ارزش و جایگاه بلندی که اسلام برای «بسمله»

قائل است خداوند باب گفتگو با پیامبرش را نه با «بسم الله» که با «اقرأ» آغاز کرد. در این آغاز ظریفه دیگری نیز هست و آن این که خداوند حکیم به رسول کریمش نگفت: «بگو بشنو تکرار کن بفهم دریاب» بلکه گفت: «بخوان» آنگاه از رب و آفرینش و اکرام و تعلیم و قلم و انسان و آن چه نمی دانست یاد کرد. «اقرأ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقرأ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق ۵-۱) بر اساس متن این آیات اسلام با اقرأ آغاز شد و این نخستین فرمان خداوند سبحان به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است و چنان افتاده است که گویی «خواندن» نخستین فریضه در اسلام است. این است که پیامبر اکرم (ص) طلب علم را بر مسلمانان واجب کرده است: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه» و برای دانش آموختن مرزهای مکانی را برداشته است: «اطلبوا العلم ولو بالصین» و با اشاره به آموزش مستمر برای تعلیم و تربیت مرز زمانی هم نشناخته است: «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد». اسلام برای علم آموزی حد نمی شناسد. بر اساس این فلسفه آدمی هر اندازه دانش اندوزد هنوز جز قطره ای از دریا ننوشیده است: «... وَ مَا أُوتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء ۸۵) و «... وَ فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ» (یوسف ۷۶).

دست شد بالای دست این تا کجا تا به یزدان که الیه المنتهی

پیامبر اکرم (ص) با آن که معراجی شد و به مقام «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (نجم ۹) رسید و با آن که خود فرمود: «تنام عینای و لاینام قلبی» باز به او امر شد که بگو: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه ۲۰) و این از آن روست که در بینش اصیل اسلامی دانش ماهیتی تشکیکی و ذومراتب دارد و لذا دانش همیشه گمشده مومن است و مسلمان روا نیست از این گمشده دست بشوید. از منظر اسلام مطلوب آن است که هر فرد مسلمان پیوسته یا عالم باشد یا متعلم زیرا تنها عالم و متعلم اهل خیرند. باری علم و تعلم و تعلیم جان مایه بقا و روح حیات اسلام است و بی این ها چیزی از اسلام نخواهد ماند. دانشمندان بزرگ مسلمان از دیرباز به این مهم عنایت خاص داشته اند و همین عنایت است که در

نهایت به زایش فرهنگ و تمدن اسلامی از جمله علوم اسلامی انجامید. از جمله مظاهر توجه جدی دانشمندان مسلمان به علم و تعلیم و تعلیم آن است که در تمام جوامع روایی شیعه و اهل سنت بابتی مشبع درباره علم و تعلیم و تعلیم پرداخته شده است کما اینکه در بیشتر متون اخلاقی در اسلام نیز از این مقولات غفلت نشده است [۲۳]. علم و حکمت می تواند به تغییر و تحول طبقه اجتماعی صاحبان علم بینجامد و به طور مثال بردگان را به حکومت برساند. چنان که از پیامبر اکرم (ص) نقل است: «حکمت بر شرافت شریف می افزاید و بردگان را بالا می برد و به فرجام در جایگاه پادشاهان می نشاند.» این خاصیت دنیایی دانش است و معلوم است که بهره اخروی آن به مراتب بیش تر و بهتر است [۲۴].

اسلام و اخلاق^۱

اسلام دینی است به کمال اخلاقی. اصولاً هر ساختاری را زیرساختی است و به قول غزالی زیرساخت اسلام خوشخوئی است. خداوند متعال در ستایش پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم ۴) «و راستی که تو را خوبی والا است.» آن حضرت (ص) چکیده فلسفه بعثت خویش را تکمیل نیکی های اخلاقی دانسته و نیز گفته است: «گران ترین چیزی که در ترازو نهاده می شود خوی خوش است» آن جناب (ص) که خداوند با آن همه تأکید اخلاقی را ستوده در اخلاق قرآن مجسم بوده است و «خلقه القرآن» از نگاه غزالی هیچ کس به فرهی نمی رسد مگر به خوش خوئی و کسی در خوی خوش به کمال نرسید مگر پیامبر اکرم (ص) و نزدیک ترین مردم به حضرت باری کسی است که در خوش خوئی به جناب رسول اقتدا کند. خوش خوئی

۱ - در این مبحث از کتاب آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن تالیف آقای بهروز رفیعی زیر نظر آقای علیرضا اعرافی استفاده شده است که از ایشان کمال تشکر را داریم

صفت سرور پیامبران است و برترین کار صدیقان و یک نیمه از دین به شمار می رود. غزالی در اشاره به ماهیت اخلاقی اسلام یادآور می شود که یک چهارم قرآن کریم درباره اخلاق است. وی در شرح و تبیین این نظر آیات اخلاقی را تقسیم کرده و شمرده است. در اخلاق نظری ۷۸۳ آیه و در اخلاق عملی ۷۴۸ آیه نازل شده است. پس اگر گفته شود در تربیت اسلامی هیچ چیز به تراز تربیت اخلاقی نیست گزافش نپندارید. امروزه کسی چون دیوئی در قلب تمدن مادی و اخلاق ستیز غرب و اوج ابتذال آن می گوید: «غایت قصوای فعالیت های آموزشی رشد اخلاقی است» اسلام که جای خود دارد. در اسلام میان اخلاقی بودن امور با خدائی (دینی) بودن آن ها هیچ تفاوت نیست. به دیگر سخن در این نظام تربیتی خداوند محور همه چیز است و خدامحوری جان مایه و روح این نظام است یعنی در اسلام هر چه خدائی باشد ناگزیر اخلاقی و هرچه اخلاقی باشد به ناچار خدائی است [۲۵].

ابوحامد محمد غزالی (ره) از بزرگ ترین اخلاق پژوهان و آزموده ترین اخلاق نگاران در جهان اسلام است. او در آثار اخلاقی خود از اخلاق نظری و اخلاق عملی می گوید و کاوش هایی در فلسفه اخلاق دارد. از نظر غزالی در اخلاق (چه خوب و چه بد) چهار امر دخیل است:

- ۱- رفتار نیک یا بد
- ۲- باز شناخت نیک از بد
- ۳- توانائی بر انجام نیک یا بد
- ۴- حالتی نفسانی و ثابت که به یکی از دو کار گرایش دارد و انسان را به آن می خواند و کار را بر او آسان می کند [۲۶].

غزالی اخلاق را کسبی و موهبتی می داند زیرا برخی از مردم چنان آفریده می شوند که از آغاز خوی و خرد به کمال دارند مانند عیسی (ع) و یحیی (ع) و دیگر پیامبران. این

ها اخلاقی زاده می شوند و خلق خوش از جود الهی دارند. گروه دوم که کافه مردم اند اخلاق را از راه مجاهده و ریاضت و واداشتن نفس به آن چه اخلاقی و یا لازمه و مقتضای اخلاق است به دست می آورند. این ها نیازمند تربیت و تهذیب اخلاقی اند و باید آموزش ببینند و از این جاست که علم اخلاق پا درمیانی می کند و آموزش های اخلاقی ضرورت می یابد. گروهی نیز از راه محیط و تماس با دیگران و به گونه ای غیر مستقیم و خود به خود می آموزند و در واقع از راه تقلید ناخودآگاه و محاکات به عادت های رفتاری دیگران خو می کنند [۲۷].

تربیت-هم چون حیات-حق طبیعی و فطری آدمی است. پس هم چنان که هیچ کس علی الاصول نباید از حق حیات محروم بماند کسی هم حق ندارد دیگری را از حق تربیت محروم دارد. در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» (تحریم ۶) غزالی در برداشت از این آیه می گوید بازداشت فرزند از آتش آخرت (از راه اعمال حق تربیت) بر پدر و مادر واجب تر است از دور داشت او از آتش دنیا (که لازمه استمرار و اعمال حق حیات است) و این مهم جز به تربیت دست نمی دهد. برخی از مفسران نیز به پیروی از علی(ع) نگهداری (وقایه) را در این آیه به تربیت نیکو تفسیر کرده اند یعنی خود و کسانتان را با تربیت درست و نیک از آتش دور بدارید [۲۸].

گرچه انسان اخلاقی زاده نمی شود ملاک انسان بودن و ارزش وی اخلاق اوست. از سویی چون آدمی باید خلیق شود تا با شایستگی به حضرت حق بازگردد ناگزیر باید تربیت شود. پیامبران نیز برای تحقق همین نکته ارسال شده اند. اخلاق شالوده دین است و دین ماهیتی آموزشی دارد یعنی دین را باید آموزش داد بنابراین تربیت شرط لازم رسیدن رسولان به هدف های خویش است و امتی که در پی تربیت بر نیاید و تربیت نپذیرد از پیامبر خویش بازمانده. سهل است به او پشت کرده است [۲۹]. در سایه اخلاق قوای انسان هماهنگ گردیده هر کدام در جای خود قرار گرفته کار خود را انجام می دهد و فرد و اجتماع به کمال می رسد. به نظر خواجه نصیر الدین طوسی (ره)

تربیت اخلاقی باید بر اساس مراحل رشد طبیعی آدمی صورت گیرد زیرا اخلاق به عنوان یک فن آن چه را در طبیعت آدمی نهفته است و به تدریج بروز می یابد پردازش می کند پس باید با برنامه های صحیح اخلاقی و هماهنگ با رشد قوای طبیعی به تهذیب نفس و تعدیل و هدایت قوا پرداخت [۳۰].

ضرورت تعلیم و تربیت

انسان دارای شئون وجودی گوناگون توانائی ها استعدادها و آمادگی های متنوع است و در درون وی گرایش به خیر و شر و سعادت و شقاوت نهاده شده و زمینه های صعود و سقوط در سرشت او تعبیه شده است. به همین دلیل به پرورش نیروها و هدایت گرایش ها و شکوفا سازی قوای خود سخت نیازمند است تا به کمال علمی و عملی دست یازد و به سعادت نهایی و مقام قرب بار یابد. بدیهی است تعلیم و تربیت و هدایت مربیان و معلمان و هادیان در این زمینه راهگشا است [۳۱].

تربیت پذیری

چنان که در عرصه تکوین پذیرش صورت از جانب ماده پایه و اساس تکامل و دگرگونی است در عرصه رشد و تکامل معنوی نیز تربیت پذیری و یادگیری از بنیان های تعلیم و تربیت انسان به شمار می رود. آدمی از شرایط و موقعیت های گوناگون و از عوامل درونی و بیرونی و از مجالست ها و معاشرت ها و نیز از افعال و رفتار خویش نقش می پذیرد و شخصیت خود را می سازد. اگر این خصیصه ذاتی و ساختاری نبود رشد و تکامل تعلیم و تربیت هدایت و نبوت و رسالت معنا نمی یافت. از این رو می توان گفت یکی از نعمت های بزرگی که خداوند سبحان به ما ارزانی داشته نعمت تربیت پذیری است و باید او را بر این نعمت سپاس گوئیم [۳۲].

مبانی اخلاق حرفه ای^۱

فلسفه اخلاق یا اخلاق پژوهی، دانشی است که از اصول و ارزشهای اخلاقی^۲ بحث می کند؛ ارزشهایی که ناظر به رفتارها و صفات ارادی مردمان و تمایز آنها از حیث خوبی و بدی، شایستگی و ناشایستگی، نیکویی و زشتی و بایستگی و نبایستگی هستند. اخلاق پژوهی به مبادی اخلاقی افعال می پردازد. رویکردی که ریشه آن به ارسطو و کتاب مشهور اخلاق او - اخلاق نیکوماخوس^۳ - بر می گردد، گوهر فعل اخلاقی را رفتار عقلانی متعهد به خیر جمعی می داند [۳۴]. اخلاقیات از ساختارها و مناسبات، فرهنگ، دین، نظام های هنجاری و حقوقی، نظام خانواده، یادگیری اجتماعی، ایمان و تجارب و نگرش های مردمان تأثیر می پذیرد. همان گونه که می توان از اخلاق در سطح کلان نظام اجتماعی یا اخلاق در سطح فردی بحث کرد، اخلاق در سطح زیر نظام ها نیز موضوعیت دارد. اخلاق حرفه ای^۴ به مسائل و پرسش های اخلاقی و نیز اصول و ارزش های اخلاقی یک نظام حرفه ای مانند حرفه پزشکی، حرفه وکالت، حرفه مهندسی یا ... می پردازد و ناظر بر افعال ارادی حرفه ای در حیطه فعالیت های حرفه ای خودشان است [۳۵].

آموزش عالی نیز نظامی حرفه ای است و مجموع های از رفتارهای انسانی^۵ عاملانی را پوشش می دهد. افعال این عاملان نیز در منافع یا مضار دیگران و همچنین در رشد یا زوال شخصیت خود آنان تأثیر می گذارد. بنابراین نظام آموزش عالی می

۱ - در این مبحث از مقاله آقای دکتر مقصود فراستخواه تحت عنوان اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی مندرج در فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۱، زمستان ۸ استفاده شده که کمال تشکر را ایشان داریم.

2 - Moral principles and Values

3 - Nichomachean Ethics

4 - Professional Ethics

5 - Human Behaviors

تواند به لحاظ اخلاقی مورد بحث قرار بگیرد. برای مثال: یک نوع تدریس می تواند موجبات یادگیری مطلوب دانشجویان را متناسب با تحولات علمی و تقاضاهای جامعه، فراهم بیاورد یا نیاورد. یک فعالیت تحقیقاتی یا در حوزه فناوری می تواند با محیط زیست، ایمنی، حریم خصوصی دیگران و منافع متعارض اجتماعی ارتباط یابد و محل پرسش ها و تأملات اخلاقی شود فناوری اطلاعات می تواند حریم خصوصی را تهدید کند و دانش هسته ای می تواند منشأ خطر برای صلح و همبستگی جهانی بشود. نوع فناوری می تواند کیفیت زیست بوم را به مخاطره افکند. از این روست که اخلاق علمی و اخلاق آموزش عالی موضوعیت می یابد و به مباحث اخلاقی مربوط به تولید و انتقال و مبادله دانش می پردازد.

هرچند مباحث اخلاق حرفه ای علمی، پیشینه طولانی دارد اما به ویژه از دهه ۷۰ در قرن بیستم میلادی بود که به دنبال جنگ ویتنام و پیامدهای رسوایی واترگیت، موج تازه ای از توجه به ابعاد اخلاقی علم و فناوری به میان آمد. در ۱۹۷۸، دانشگاه ییل^۱ و انجمن ارزشهای آموزش عالی^۲، مبتکر فعالیتهایی دانشگاه محور شدند که کانون توجه آن، ترویج اخلاق پژوهی بود [۳۶]. موضوع دیگری که به اهمیت اخلاق علمی در یکی دو دهه اخیر دامن زد، رشد پرشتاب علم و فناوری، همزمان با ضعف و مسئله آمیز شدن نظام های سنتی اخلاقی در جوامع به ویژه در مراحل گذار اجتماعی تغییرات و در نتیجه این پرسش به میان آمد که با این حد از تصرف ذهنی و فنی در عالم و آدم که با پیشرفت دانش و فناوری ظاهر می شود آیا فعالیت های علمی و فناوری ما، متعهد به کیفیتی مبتنی بر منطق اخلاقی و خیر جمعی نیز هست؟ اعتماد عمومی^۳ به کیفیت

1 - Yale University

2 - The Society for Values of Higher Education

3 - Public Trust

نظام حرفه ای علمی، به یک لحاظ، موکول به پاسخ این پرسش است. به ویژه باتوجه به فرایند جهانی شدن و بین المللی شدن علم و آموزش عالی، نیاز به زبان مشترک در اخلاق آن هم در مقیاس جهانی احساس می شود [۳۱].

شورای بین المللی اتحادیه های علم^۱ که بعداً به شورای بین المللی علم تغییر نام یافت، از سال ۱۹۹۶ کمیته ای دایمی با عنوان کمیته مسئولیت و اخلاق در علم^۲ به وجود آورد که مأموریت دایمی آن پشتیبانی از مطالعات و فعالیت های مربوط به اخلاق علمی در سطح بین المللی بوده است [۳۷]. در مطالعات پیشین مربوط به اخلاق علم و آموزش عالی، چند موضوع بیش از سایر موضوعات به عنوان لوازم آن در کانون مباحث قرار گرفته است.

رویکرد درونی - حرفه ای

اخلاق علمی مثل اخلاق در هر نظام حرفه ای دیگر باید منعکس کننده هنجارهای درونی حرفه و احساس تعهد اخلاقی از سوی خود حرفه ایها و نهادهای تخصصی آن ها باشد و نه بازتابی از مراقبتها و نظارتهای بیرونی و اداری به ویژه از سوی دولت که در قالب بایدها و نبایدهای اخلاقی به آن ها تحمیل یا قبولانده یا گوشزد بشود. در واقع، هم صلاحیت و هم مسئولیت بحث و پیگیری اخلاق علمی با خود اجتماع علمی است که به صورت درونزا، با ویژگی های حرفه ای و متشکل از محققان، دانشمندان، آموزشگران دانشگاهی و غیر آنها در قالب انجمن های علمی و تخصصی و امثال آن شکل می گیرد. آنها با توجه به اصول و هنجارهای مرتبط با مراکز علمی و دانشگاهی و تعهدات حرفه ای، پرسش های اخلاقی مربوط به فعالیت علمی و فناورانه خود را به میان می آورند و در صدد پاسخ به آن و یافتن راه حل برای مسائل آن بر می آیند [۳۸].

1 - International Council for Science Unions.

2 - Standing Committee on Responsibility and Ethics in Science

بنا بر این مبتنی بودن بر استقلال حرفه ای^۱ و برکنار بودن از مداخلات بیرونی، شرط نخست مشروعیت هر نظام اخلاق علمی است [۳۹].

خود فهمی حرفه ای

پایه و اساس اخلاق علمی، خود فهمی حرفه ای^۲ است. دانشگاهیان و متخصصان تنها با فهمی از کار و فعالیت حرفه ای خود، فلسفه آن، و نسبتش با زندگی مردم است که به درک اخلاقی از آن نایل می آیند و در نتیجه در مناسبات خود با طبیعت و کاینات، با موضوعات مورد تحقیق یا تصرف فنی خود، با هم حرفه ایها و با سایر ذینفعان اجتماعی و کل مردمان، برای ارزشهایی اعتبار قائل می شوند و نوعی احساس درونی از تعهد به آن ارزشها پیدا می کنند [۴۰].

عبور از مفهوم معیشتی

معنای اخلاق علمی، در عبور از مفهوم معیشتی آن فرصت ظهور می یابد. زمانی که کنشگران علم و آموزش عالی، در فعالیت و کسب و کار حرفه ای خود از سطح گذران زندگی مادی فراتر می آیند، در این صورت حداقل سه سطح دیگر از فعالیت علمی و فناوری برای آنها معنا می یابد [۳۳]:

۱. احساس کارایی، اثر بخشی و تولید کیفیت به عنوان ارزش افزوده،
۲. احساس خدمت به مردم و مفید واقع شدن
۳. احساس رهاسازی از طریق باز توزیع فرصت ها، نقد قدرت و . . .

1 - Professional Independence

2 - Professional Self- Understanding

عینیت گرایی، بی طرفی علمی و عدم جانبداری سیاسی

از مهمترین اصول اساسی که در اغلب اسناد و مباحث مربوط به اخلاق حرفه ای علمی مورد تأکید قرار می گیرد رعایت عینیت گرایی و بی طرفی علمی^۱ است. برای مثال کمیته اخلاق علم و فناوری در کوبک کانادا در اصول خود ضمن تأکید بر این اصل، اصل دیگری را نیز با عنوان عدم جانبداری سیاسی^۲ آورده است [۴۱].

رویکرد اصولی و واقع گرا

بحث درباره اخلاق علم و آموزش عالی، معمولاً با این ملاحظه نیز همراه بوده است که با نگاهی اصولی، قانونمند و کل گرا، به زمینه های عینی و سازوکارهای واقعی آن نیز توجه و از آرمانگرایی انتزاعی پرهیز شود. زیرا اخلاق علمی چه بسا به پند و اندرزها و یا فعالیت های ترویجی محض تقلیل داده بشود که در آن، توجه کافی به لوازم ساختاری و سازمانی به عمل نمی آید. تلقی خام از اخلاق بدون توجه به منطق نظامهای سازمانی و اجتماعی، در واقع به دنبال انسانهایی و آرمانی از نوع دیگر است که در سطح بالایی پای بند را، صداقت و انصاف و ایثارند و به عبارتی - آن چه یافت می نشود - جست و جو می کنند، اما در یک نگاه واقع گرا، در همه جا و از جمله در عرصه علم و آموزش عالی، رشد اخلاقیات متعالی، حداقل در مقیاسهای بزرگتر و قابل توجه تر، مستلزم سطحی از کوشش ها برای تغییر ساختارها، بهبود مناسبات، ایجاد زمینه های مساعد قانونی، حقوقی و سازمانی و ساز و کارهای مناسب انگیزشی^۳ است.

1 - Scientific Objectivity and Impartiality

2 - Political Neutrality

3 - Incentive Mechanisms

موضوع اخلاق حرفه ای^۱ مدتهاست که در دانشگاههای ایران و جهان مورد توجه قرار گرفته و در گروه های شغلی برای آن تعاریف و مستندات ارائه گردیده است. این مستندات بر اساس اصول فرهنگی، آموزه های دینی، هنجارهای اجتماعی و مقررات مرتبط، بعضاً به صورت کدهای اخلاق حرفه ای تدوین و منتشر گردیده اند. صرف نظر از اینکه علت تدوین مقررات اخلاق حرفه ای تابعی از سایر مناسبات و مقررات اجتماعی است یا خیر، و نسبت آن با مبانی اعتقادی و فرهنگی و سیاست مُدُن چیست؟، تدوین الزامات اخلاق حرفه ای امروزه در بین صنوف مختلف مرسوم می باشد و مرجع متخصصین برای رفع ابهامات در مورد باید ها و نبایدهای رفتار شغلی گردیده است. سیری در فضای مجازی دسترسی نسبتاً ساده ای را برای متخصصین هر رشته به کدهای اخلاقی تدوین شده فراهم آورده است. از این جمله می توان اخلاق مهندسی (با زیر شاخه های آن)، اخلاق پزشکی (با زیر شاخه های آن)، اخلاق در پژوهش و مانند آن را دریافت نمود. بدیهی است برای معلمین سطوح مختلف نیز این امر مهم نبایستی نادیده گرفته شود. بررسی دانشگاههای دنیا حکایت از تدوین کدهای اخلاق در آموزش دارد که در گفتار سوم این مجموعه خواهد آمد.

امروزه به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران گرایش وسیعی به کسب دانش ایجاد شده و دانشگاهها در سراسر کشور گسترش یافته اند. در متن سند چشم انداز بیست ساله کشور تا سال ۱۴۰۴ جامعه ایرانی در افق این چشم انداز ویژگیهای: توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانها، و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی را خواهد داشت. همچنین از اهداف این سند دست یافتن به جایگاه اول علمی و فناوری در سطح منطقه و جامعه ای اخلاقی و دارای معیارهای

نواندیشی و پویایی فکر و اجتماعی، تاثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) ترسیم شده است. بدیهی است دستیابی به این نقطه از پیشرفت مستلزم دانش و بینش پایداری است که در گروه رعایت اخلاق دینی و فرهنگی میسر خواهد بود. از آنجایی که رعایت موازین و بایسته های اخلاقی در حرفه معلمی، منطبق بر آموزش در محیطهای دانشگاهی به خاطر تاثیر گذاری عمیق آن، دارای اهمیت بسیار زیادی می باشد، لازم است که همگام با ترویج علوم مختلف، جنبه های اخلاقی در حوزه آموزش مورد توجه جدی قرار گیرد.

منابع:

- ۱- طباطبایی علامه سید محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد ۱، صفحه ۵۵۴
- ۲- پارسنیا حمید، هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۴۳، آبان ۱۳۸۷
- ۳- مطهری آیت الله شهید مرتضی، کتاب انسان کامل، گفتار پنجم
- ۴- دیلمی احمد و آذربایجانی مسعود، اخلاق اسلامی، ویراست دوم
- ۵- سبحانی آیت الله جعفر، اندیشه اسلامی ۱، فصل اول: انسان و ایمان
- ۶- پایگاه اطلاع رسانی حوزه: [/www.hawzah.net/](http://www.hawzah.net/)
- ۷- دانشنامه آزاد ویکی پدیا [/fa.Wikipedia.org/](http://fa.Wikipedia.org/)
- ۸- مصباح یزدی آیت الله محمد تقی و دکتر محمد لگن هاووزن، میزگرد فلسفه شناسی (۱)، مجله معرفت فلسفی، شماره ۱
- ۹- محمدرضایی، محمد؛ فلسفه اخلاق از دیدگاه استاد شهید مطهری (ره)، مجله قیسات، شماره ۳۱ و ۳۰، بهار ۱۳۸۳.
- ۱۰- شریعتمداری علی، اصول فلسفه و تعلیم و تربیت، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵
- ۱۱- آشنایی با علوم اسلامی، بیست و چهارم، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۹.

۱۲- مطهری آیت الله شهید مرتضی، فلسفه اخلاق، پانزدهم، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۵.

13- Palmer M, Moral Problems, the Lutterworth Pres, Cambridge, 1995.

۱۴- کاپلسون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه سیدجلال الدین مجتبیوی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸.

۱۵- راسل، برتراند، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، کتاب پرواز، تهران، ۱۳۷۳.

۱۶- دورکیم، امیل، فلسفه و جامعه شناسی، ترجمه فرحناز خمسه ای، تهران، ۱۳۶۰.

17- Kant, Immanuel "Groundwork of Metaphysic of Morals", Tr, Paton, H. PP. 53-123, in: the Maral Law, Hutchinson University Library, 1970.

18- Acton, H.B. "Kant's Moral Philosophy", in New Studies in Ethics, Vol, I, ed: Hudson, W.D. Macmillan Press, London, 1974.

۱۹- دژاکام، علی، تفکر فلسفی غرب، از منظر استاد شهید مطهری، مؤسسه فرهنگی اندیشه، تهران، ۱۳۷۳ ش.

۲۰- مطهری آیت الله شهید مرتضی، عدل الهی، دوم، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۵۹.

۲۱- مصباح یزدی آیت الله محمدتقی، فلسفه اخلاق

۲۲- میرشاه جعفری ابراهیم، افسانه کلباسی، دیدگاه برنامه درسی اخلاق مدار با تکیه بر پرورش منش فصلنامه علمی تخصصی معرفت اخلاقی شماره ۱ ص ۱۷۸.

۲۳- بهشتی محمد و همکاران [زیر نظر علیرضا اعرافی]، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن - ج ۲ - ص ۳۱

- ۲۴- بهشتی محمد و همکاران [زیر نظر علیرضا اعرافی]، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن - ج ۳ - ص ۲۰۵-۲۰۴ و ۲۰۸
- ۲۵- رفیعی بهروز [زیر نظر علیرضا اعرافی]، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن - ج ۳ - ص ۲۴۰
- ۲۶- همان ص ۲۴۳
- ۲۷- همان ص ۲۴۴
- ۲۸- همان ص ۱۱۷
- ۲۹- همان ص ۱۱۸
- ۳۰- بهشتی محمد و همکاران [زیر نظر علیرضا اعرافی]، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن - ج ۲ - ص ۱۳۷
- ۳۱- همان ص ۱۴۲
- ۳۲- همان ص ۱۴۳
- ۳۳- فراستخواه مقصود، اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۷.

- 34- Aristotle: *Nichomachean Ethics*, Macmillan, New York, 1995.
- 35- Stent A, *Professional Ethics and Computer Science/ Information Systems*. Stony Brook University, New York, 2006.
- 36- Toffler B L, *Business Responsibility*. In: Robert Gandossy *et. al.*, (Eds), *Leadership and Governance From the inside out*, John Wiley and Sons; New Jersey, 2004.
- 37- Evers K, *Formulationg International Ethics Guidelines for Science: Standing Committee on Responsibility and Ethics in Science*. International Council for Science [Unions.]: ICSU, 2000.
- 38- CSEP, *Perspectives on the Professions*, Illinois Institute of Technology, Center for the Study of Ethics in the Professions, Chicago, 2006.

- 39- Anderson R E et.al, Using the New ACM Code of Ethics in Decision Making. Communications of the ACM, Vol. 36, No. 2, 1993.
- 40- Dahlbom B, and Lars M, Professional Code of Ethics, in: Computers and Society, Vol. 24, No. 2. 1994, pp: 485-498.
- 41- ABET: Code of Ethics of Engineers, Accreditation Board for Engineering and Technology, Chicago, 2006a.

۴۲- نرم افزار پارس قرآن (<http://www.parsquran.com>) جستجوی آنلاین در قرآن

کریم)

گفتار دوم

آداب معلمی در آموزه های اسلامی

(از دیدگاه شهید ثانی^(ره))

در مکتب متعالی اسلام اولین معلم، ذات مقدس باری تعالی و اولین دانش آموزش حضرت ختمی مرتبت پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) است. مقامی بس متعالی برای معلم در نظر گرفته شده^۱ تا آن جا که پیامبر اسلام فرموده‌اند: از هر کسی حرفی آموختی بنده او می‌گردد^۲. پیامبر اعظم (ص) فرمودند: هر کس به شخصی مسئله‌ای بیاموزد، مالکش می‌گردد. عرض شد: آیا حق خرید و فروش او را هم دارد؟ حضرت فرمودند: نه، بلکه امر و نهی می‌نماید. گویا بعد از حضرت حق سبحانه و تعالی کسانی شایستگی مولی بودن برای بشر را دارند و انسان باید در مقابلشان سر تعظیم فرود آورده و خاضع باشد معلمانند، که اولین و بالاترین معلمین بشر انبیاء عظام و اوصیاء مکرم ایشان می‌باشند، آنان که با تحمل تمام سختی‌ها از همه چیز خود گذشتند تا بشر را از

1 - <http://www.mvir.blogfa.com/post-33.aspx>

۲- عوالی اللّٰهالی، محمد بن علی بن ابراهیم احسانی، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۱۶۳، مطبعه سید الشهداء، قم، ۱۴۰۳ ق.

خواب غفلت بیدار و از گرداب جهل و نادانی رهائی بخشند. از طرف دیگر جوینده علم و فراگیرنده دانش نیز دارای مقامی بس عظیم است تا جائی که به فرموده پیامبر مکرم اسلام (ص)، فرشتگان بالهای خود را همچون فرش به زیر پای طالب علم پهن می کنند و با شور و شغلی توصیف نشدنی او را احاطه می نمایند.

جایگاه رفیع معلم از آن جهت ارزشمند دیده شده است که او به وظایف و آداب شغلی و شخصیتی خود آگاه بوده و به آن عمل نماید. در رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) حقوقی را برای شاگردان بیان فرموده که بر عهده معلم است و باید آنها را مراعات نماید: " و اما حق رعیتک بالعلم، فأن تعلم ان الله عزّ و جلّ إنما جعلک قيما لهم فيما أتاک من العلم و فتح لك من خزائنه، فإن أحسنت في تعليم الناس و لم تخرق بهم و لم تضجر عليهم زادك الله من فضله، و ان أنت منعت الناس علمک أو خرقت بهم عند طلبهم العلم بک، کان حقاً علی الله عزّ و جلّ أن یسلبک العلم و بهائهُ و یسقط من القلوب محلک " و اما حق آن که در تعلم رعیت تو هستند، این است که برای خدا عزوجل در دانشی که به تو ارزانی داشته و از گنجینه های خود بر تو ابوابی گشوده، سرپرست آنان فرموده است، پس اگر در آموزش مردم نیکی کنی و با آنان تندی نکرده و تنگدلشان نسازی، خداوند از فضل و کرمش بر دانش تو می افزاید. و اگر مردم را از دانش خود محروم ساخته و به هنگام درخواست آموزش آنان را تنگدل کردی، بر خدا سزاوار است که دانش و صفای آن را از تو بازستاند و از جایگاه بلندی که در دلها داری ترا فرود آورد. شایسته است با این توصیف مجمل آداب و سلوک این مقام رفیع و حضور در محضر خداوندی نیز با استفاده از آموزه های اسلامی در این مجال و در حد وسع مجموعه حاضر مورد توجه قرار گیرد هر چند مجمل و نارسا باشد.

عمده مطالب این گفتار برگرفته از کتاب "منیه المرید فی آداب المفید و المستفید" تالیف شیخ زین الدین بن نورالدین علی عاملی، معروف به شهید ثانی (۹۶۶-۹۱۱ ه ق) ترجمه حجت الاسلام دکتر سید محمد باقر حجتی می باشد. ملاحظه می گردد که

معلمین پیشین تا چه حد به آموزه های اسلامی مقید بوده و آموزه های دینی نیز تا چه میزان به موضوع آداب معلمی و دانشجویی اهتمام داشته است. به طوری که شهید ثانی پانصد سال پیش از این، با بهره گیری از تعالیم متعالی اسلام، نکات ارزشمندی را در امر تعلیم و تعلم بیان نموده است. با توجه به جامعیت کتاب مذکور سعی شده تا ضمن امانتداری در محتوا و عناوین، نوشتار در این مبحث به شیوه نگارش و نیاز مجموعه حاضر و با تاکید بر آداب تدریس نزدیک گردد. در این گفتار چهار موضوع مهم انتخاب و تلخیص و متناسب سازی گردیده تا با توجه به اهداف مجموعه حاضر مورد استفاده اساتید گرانقدر قرار گیرد. بدیهی است برای مطالعه بیشتر لازم است عزیزان به اصل کتاب مذکور مراجعه فرمایند. اهم موضوعات مورد بحث عبارتند از:

الف- آداب و وظائف معلم نسبت به خود

ب - آداب و وظائف معلم با دانشجویان

ج- آداب و وظائف معلم در امر تدریس و جلسه درس

د- آداب و وظائف معلم در اشتغالات علمی

همان گونه که ملاحظه می گردد که شهید ثانی معلمین را به چهار جنبه: خود شناسی و حرفه شناسی، توجه به معیارهای اشتغالات علمی، وظایف حرفه ای و آداب کلاس داری توجه داده است. در هر یک از این مؤلفه ها به تشریح موارد و مستندات پرداخته شده که گزیده آن در ادامه خواهد آمد.

آداب و وظائف معلم نسبت به خود

تعلیم، اساس و بنیادی است که قوام و پایداری دین و آئین، بر روی آن استوار شده است. جامعه بشری از طریق تعلیم می تواند از کساد و افول خورشید علم و نابودی کالا و سرمایه های علمی پیشگیری کند. بنا بر این تعلیم، یعنی انتقال اندوخته های

علمی به دیگران، از مهمترین عبادات و مؤکدترین واجبات کفائی است (که هر فرد از جامعه انسانی- که حامل علم و کالای معارف و معلومات است- باید در انتقال آن به دیگران، احساس وظیفه و مسئولیت نماید و تا وقتی که این انتقال به وسیله دیگران صورت نگیرد همه علماء و دانشمندان باید موضوع تعلیم را به عنوان یک امر واجب و تکلیف الزامی تلقی نموده و در صدد اداء این وظیفه خطیر برآیند. لکن معلم نسبت به خویشتن وظایفی دارد که به برخی از آن ها به ترتیب زیر مورد بحث قرار می گیرد:

۱- ضرورت و لزوم اخلاص و پاکسازی نیت

لازم است که معلم در اعمال و کوششهای خود صرفاً خدا و طاعت از فرمان او و پیراستن خویش (از رذائل) و ارشاد بندگان خدا به حقایق دین را منظور نهائی خود قرار دهد. او نباید در انجام وظائف خویش، هدف دیگری را در قصد و نیت خود راه دهد. یعنی نباید اغراض و هدفهای دنیائی و نادرست و کم ارزشی را که موجب لذت و خواری و فرومایگی او نزد خدا، و باعث خشم او، و از دست دادن سعادت و نیکبختی جاوید سرای پسین، و محرومیت از اجر و پاداش دائمی می گردد در مد نظر گیرد. این گونه اهداف و اغراض دنیائی و نادرست و کم ارزش، عبارتند از: حب مال، جاه طلبی، نام جوئی و تشخص، نمودیابی در میان اقران و همگنان، برتری جوئی نسبت به همسالان، بالیدن نسبت به برادران ایمانی و امثال آنها از هدفهای نادرستی (که همت انسانی را دستخوش ابتذال ساخته و انسان را به فرومایگی شخصیت سوق می دهند قرآن کریم در این باره می فرماید: "فَاعْبُدْ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ اَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ" (زمر - ۳) پس خدای را با خلوص نیت در آئین داری، بندگی کن، هان ای انسان! دین و آئین خالص و پاکیزه از آن خدای متعال و برای او است. همچنین می فرماید: "مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ، وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ" (شوری - ۲۰) اگر کسی کوشش خویش را در تحصیل فراورده های اخروی

مصروف دارد، ما به نفع او بر این فرآورده ها می افزائیم و چنانچه هم و عنایت و اراده خود را در تحصیل فرآورده های دنیوی محدود سازد، این هدف را برای او تامین می کنیم، ولی برای او از بهره های آخرت، نصیبی نخواهد بود.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) با روایت از جبرئیل (علیه السلام)، و او از خدای (عز و جل) چنین آورده که خداوند متعال فرموده است: اخلاص و پالایش قصد و نیت یکی از اسرار من می باشد که در دل بندگان محبوب خویش به ودیعت نهاده ام. هم او فرمود: اگر کسی علم و دانش را از آن جهت فراهم آورد که بخواهد با دانشمندان دیگر بستیزد، و یا بر سفیهان و سبک مغزان بتازد و درافتد یا آنرا وسیله جلب نظر مردم به خویشان قرار دهد، باید جایگاه و ماوای خود را از آتش دوزخ فراهم آورد. در روایت دیگری می خوانیم: در روز قیامت، عذاب و شکنجه عالم و دانشمندی که علم او به وی سود نرساند و عملاً از آن نتیجه نگیرد، از عذاب تمام مردم دیگر سخت تر و طاقت فرساتر خواهد بود. همچنین در روایت است که: علم و دانش بر دو گونه است:

۱- علمی که به قلب و درون انسان راه یافته (و روح انسان را سامان می دهد. چنین علمی می تواند نافع و سودمند افتد.

۲- علمی که بر سر زبان متوقف مانده (و به دل و درون انسان رسوخ نکرده) است. اینگونه علم و دانش، به صورت حجت و دلیل کوبنده خدا نسبت به افراد بشر، در می آید) که در روز قیامت، نکبت و مقهوریت و خواری را برای صاحب آن به ارمغان می آورد.

از امام صادق (علیه السلام) چنین روایت شده است که فرمود: طالبان علم و دانشجویان به سه گروه تقسیم می شوند. لذا بایسته است که خود آنها و ماهیت و مشخصات ظاهری و باطنی آنان را شناسائی کنید:

الف- گروهی از آن جهت، طالب علم اند، که می خواهند - با تحصیل آن- سفاهت و سبک مغزی و فخر و مباهات به دیگران، و ستیز و درگیری با رقیبان و همالان را پیشه خود سازند.

ب- گروهی دیگر که هدف آنان در تحصیل علم، عبارت از فزون جوئی و دست یازی به مقام و منصب و تکبر و خود بزرگ بینی، و خدعه و نیرنگ کاری می باشد.

ج- جویندگانی که بخاطر کسب بینش دینی و نیز عمل و رفتار بر طبق موازین آن، جویای دانش و پویای علم اند.

کسانی که دارای عنوان عالم و دانشمند، و دانشجو و متعلم هستند (بیش از دیگران در معرض هجوم این عوامل مخل به اخلاص قرار دارند) و لازم است در مرتبه یکم به آن توجه کافی داشته باشند و دائم در آن تفکر نمایند.

۲- عمل به علم با توجه به ماهیت واقعی آن

دومین موضوعی که باید معلم در باره خویشتن نسبت به آن اهتمام و عنایت داشته باشد این است که همراه با علوم و آگاهی های خویش، به تدریج و گام به گام، این آگاهی ها و معارف را به کار بندد. زیرا اهتمام و عنایت هر فرد عاقل و خردمند، در مراقبت و پرداختن به خویشتن و عمل به علم، مصروف می گردد، ولی کوششها و عنایات یک فرد عامی به نقل و روایت و گفتگو محدود است. از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت شده است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: علماء و دانشمندان از دو دسته تشکیل یافته اند: دسته ای که علم و آگاهی خود را به کار گرفته و بر طبق آن عمل می کنند. این گونه دانشمندان از عواقب سوء روز قیامت مصون هستند. و دسته ای دیگر که بر طبق علم خود عمل نمی کنند. این گروه از علماء، دچار هلاک و نابودی شده و به گونه ای در روز قیامت در حالی محشور می شوند که حتی دوزخیان هم از بوی بد و تعفن وجود آنها رنج و آزار می بینند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر عالم و دانشمند به علم خود عمل نکند، موعظه و اندرز او از دلها می لغزد، آنچنان که باران از روی سنگ صفا که صاف و لغزاننده و لغزنده است بلغزد. مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد: ناجیان از آتش دوزخ با چه نشانه ها و مشخصاتی، قابل شناسائی هستند؟ امام فرمود: هر کسی که گفتار و رفتارش با هم هماهنگی دارد می توانی نجاتش را از آتش دوزخ گواهی کنی و کسی که گفتار او موافق کردارش نباشد چنین کسی از لحاظ دین و آخرت، دارای وضع متزلزل و نگران کننده ای است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ضمن یکی از گفتارهای خود به هنگام سخنرانی بر منبر فرمود: مردم! آنگاه که عالم و دانا شدید، به علم و آگاهی خویش عمل کنید به این امید که راه راست را باز یابید. عالم و دانشمندی که رفتار خود را برخلاف جهت معلومات خویش تنظیم کند همانند جاهل و نادان و خائنی است که دچار حیرت و سرگشتگی است و از خواب نادانی خویش، به هوش نیاید و از آن رهائی نمی یابد. بلکه می توان گفت که حجت و دلیل کوبنده، علیه او بزرگتر بوده، و افسوس و حسرت چنین دانشمند فاقد عمل، از حسرت جاهل سرگردان در جهالت و نادانی، بیشتر است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردی حضور رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) رسید و عرض کرد: علم و دانش چیست؟ حضرت فرمود: سکوت. عرض کرد: پس از سکوت؟ فرمود: استماع و شنیدن. عرض کرد: پس از آن؟ فرمود: حفظ و نگاهداری. عرض کرد: پس از حفظ کردن؟ فرمود: عمل کردن بر طبق آن. عرض کرد: پس از عمل کردن؟ فرمود: نشر و ترویج آن.

ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: ای طالب علم، تو که پویای علم و معرفت هستی باید بدانی که علم دارای فضائل فراوانی است که همچون انسان مجهز و رزمنده ای از اندامها و اجزاء گوناگونی تشکیل می یابد، و دارای پیکره های متعددی است بدین صورت که سرش تواضع و فروتنی، چشمش بیزاری و پاکی از حسد، گوشش فهمیدن و درک کردن، زبانش راستگوئی،

حافظه اش بحث و کاوش، قلبش حسن نیت، عقلش شناخت اشیاء و امور زندگانی، دستش مهر و محبت و رحمت، پایش دیدار دانشمندان، همتش سلامت، حکمتش پرهیزکاری، قرارگاهش نجات و رستگاری، راهبرش عافیت و پاکیزگی روح و جسم، مرکبش وفاء، سلاح و رزم افزارش سخن نرم و ملایم، شمشیرش رضا و قناعت، تیر و کمانش مدارا، لشکر و ارتشش گفتگوی با دانشمندان، سرمایه و ثروتش ادب و نزاکت، ذخیره و اندوخته اش اجتناب از گناهان، دارویش کار نیک، پناهگاهش صلح و آشتی، توشه اش نیکی، نوشیدنی اش سازگاری، راهنمایش هدایت، و رفیق و همراهش دوستی با افراد برگزیده است. لذا این اندامها و افزارها، سازنده و تشکیل دهنده پیکره فضائل و مزایای علم و دانش است. سعدی می فرماید:

علم چندانکه بیشتر خوانی	چون عمل در تو نیست نادانی
نه محقق بود نه دانشمند	چارپائی بر او کتابی چند
آن تهی مغز را چه علم و خبر	که برو هیزم است یا دفتر

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر کسی اندوخته های علمی خود را افزون سازد و همسان با آن، سرمایه های روحی و معنوی و هدایت خویش را افزایش ندهد و بر مراتب رهنمونیش به حق نیفزاید، صرفاً بر مراتب بعد و دوری خود از خداوند، می افزاید و نیز معصوم (علیه السلام) فرمود: بدترین مردم عبارت از دانشمندان بدسیرت و زشت کردار می باشند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: پر شکنجه ترین مردم در روز قیامت، عبارت از عالم و دانشمندی است که خداوند، او را علی رغم علم و بصیرتش از علمش بهره مند نساخته پالایش دل و جان از رذائل اخلاقی مانند: تکبر، ریا، حسد، کینه و امثال آنها از خویهای ناستوده ای که شخصیت روحی و معنوی انسان را به انحطاط و نابودی می کشاند برای همه مفید و باعث رشد معنوی می باشد،

اما برای دانشمندان لازم و ضروری است زیرا آنان الگوهای جامعه خصوصاً دانشجویان خود می باشند و بروز هر ردیله ای در آنها سبب انتشار آن در فراگیران می گردد. یک فرد عالم و دانشمند، باید زبانش را از غیبت، نمایی و سخن چینی، گفتار نفاق آمیز، ذکر عیوب و خرده گیریهای بیجا از مسلمانان، و امثال این گونه سخنها حراست نماید. او باید از سایر جوارح و اعضاء خود بدین سان صیانت کند. زیرا اعضاء و اندام انسان نیز دارای احکام خاص و گناهان ویژه ای است که این احکام و مقررات و گناهان مربوط به اندامهای مختلف انسان در موارد و جاهای مناسب خود مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که هر فرد مسلمانی باید ناگزیر آنها را فراگیرد و در برابر این مقررات، سر تسلیم و طاعت فرود آورد. این قضیه، بسیار شگفت آور است که عالم و دانشمند خدانشناس، منحصرأ به علوم رسمی و متداول، مغرور گشته و بدان بسنده کند و از این که دانشهای کلاسیک و علوم معمولی را فرا گرفته است خود را دلخوش سازد، ولی از اصلاح نفس و آراستن و پیراستن جان و دل، و کوشش در جلب رضای پروردگار خود، غافل ماند. غرور و غفلت و خودباختگی دانشمندی که با چنین شرائطی به سر می برد از طریق علم و عمل یا به عبارت دیگر: از طریق آگاهی ها و رفتارش، مکشوف و روشن گردد.

علاوه بر این باید بدانند که صرف یادگیری مسائل مدون علمی، از دیدگاه خداوند، علم واقعی نیست. علم و بصیرت واقعی از دیدگاه پروردگار متعال درک و شناسائی جلال و شکوه و عظمت خداوند است. در سایه چنین درک و شناختی است که خوف از خدا و هیبت نسبت به او و در نتیجه، خشوع و توجه و انعطاف مطلوب، در دل انسان به ثمر می رسد. و همین شناخت، او را به تقوی و پارسائی و شناسائی صفات مخوف و نامطلوب، و نیز درک صفات ستوده و مطلوب، و امیدارد تا سرانجام از صفات نکوهیده بر حذر بوده و دست اندرکار صفات مطلوب گردد.

۳- حسن خلق و فروتنی و کوشش در تکمیل نفس

معلمین در پایبند بودن به حسن خلق - نسبت به سایر مردم - وظیفه بیشتر و سنگین تری دارند. آن ها موظفند که تواضع و فروتنی و رفق و مدارای کامل را در باره دیگران معمول دارند و در این رهگذر از بذل توان و طاقت خویش به منظور تکمیل نفس دریغ نورزند. از معاویه بن وهب روایت شده که گفت: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: جویای علم و دانش باشید و خویشتن را همراه آن با آمیزه حلم و بردباری و متانت و وقار بیارائید، و نسبت به کسی که از او علم و دانش را درخواست می کنید متواضع و فروتن باشید، و همچون دانشمندان جبار و اشراف منش نباشید، چون طرز رفتار باطل و نابحق شما، حق شما را از میان می برد. از این رو معلم باید با شاگردان خود، خوش خلق و متواضع باشد. و رفق و مدارای کامل با آنان را نصب العین خویش قرار دهد، و از این رهگذر به تکمیل نفس و تهذیب باطن خویش موفق گردد.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: دانشمند (واقعی) دارای سه علامت و نشانه است: ۱- دانش و بینش ۲- حلم و بردباری ۳- سکوت و آرامش و وقار. برای عالم نماها و دانشمندی که با تکلف، جامه علم را بر قامت نارسای خود پوشانده (و خویشتن را در جمع علماء، قرار داده اند) نیز سه نشانه وجود دارد: ۱- با دانشمندان برتر و والاتر از خویش با کردارهای آلوده به گناه، درگیر گردند و با آنان بستیزند. ۲- نسبت به دانشمندان فروتر از خود از طریق قهر و غلبه، ستمگرانه عمل کنند. ۳- دیگر آنکه از ستمگران و جفاپیشه گان، حمایت و پشتیبانی نمایند. از محمد بن سنان در حدیثی مرفوع روایت شده است که عیسی ابن مریم (علیهما السلام) فرمود: ای حواریین و یاران پاک من: نیاز و حاجتی را با شما در میان می گذارم، می خواهم که شما آنرا برآورده سازید (و آمادگی خویش را در تامین چنین نیازی اعلام نمائید) عرض کردند: یا روح الله، حاجت و نیاز شما برآورده است (ما آماده- ایم) حضرت عیسی (علیه السلام) از جا برخاست و پاهای حواریین را شستشو داد. آنان

به عیسی (علیه السلام) عرض کردند: روا و شایسته تر، این بود که ما پاهای شما را شستشو می دادیم. فرمود: سزاوارترین مردم در خدمت کردن، خود عالم و دانشمند است. (یعنی باید عالم و دانشمند، تمام قوای خویش را در خدمت به مردم بسیج سازد). عیسی (علیه السلام) سپس فرمود: یگانه هدف من در دست زدن به چنین کاری، این بود که با اظهار تواضع خود نسبت به شما، شما را هشدار دهم که به نوبه خود پس از من مانند خود من به مردم اظهار تواضع و فروتنی نمائید. عیسی (علیه السلام) پس از آن گفت: علم و حکمت، با عامل تواضع و فروتنی سامان می یابد و آباد می گردد (و رواج و رونق می گیرد) نه با تکبر و خودبزرگ بینی، و بدینسان، زراعت در زمین نشیبا و نرم و هموار می روید و گیاهان در دشت و هامون فروهشته، سبز می شوند (نه در کوههای فرازمنند و برافراشته).

باید بدانید آن کسی که جامه علم را در بر می گیرد و به عنوان عالم و دانشمند در میان جامعه معرفی می شود، مردم به او چشم می دوزند تا آنجا که رفتار و گفتار و حتی طرز و فرم ظاهری او را الگو و سرمشق خود قرار می دهند. اگر روش و شیوه و سیرت او نیک و زیبا و مطلوب باشد، و حالاتی شایسته و درخور یک دانشمند در او به وجود آید، و تواضع و فروتنی را در برخورد با دیگران در پیش گیرد، و در اعمال و رفتار خود، دارای خلوص نیت باشد، اوصاف و خصوصیات او به دیگران منتقل می شود (و مردم، رفتار و گفتار و همه مظاهر وجود خود را با مظاهر وجودی وی هماهنگ و همگام می سازند)، و در نتیجه، خیر و نیکی در میان جامعه، رواج و رونق یافته و اوضاع و احوال زندگانی آنها نظم و سامان پیدا می کند. اما وقتی اوضاع و شرائط زندگانی عالم و دانشمند، واژگونه بوده، و رفتار و گفتار ناپسند، شیوه و پیشه او باشد. قهراً مردم به درجاتی بدتر و زشت تر و فرومایه تر از او رفتار و گفتارشان را تنظیم می کنند تا چه رسد به آنکه همانند او عمل نمایند. چنین دانشمندی نه تنها خویشتن را تباه می سازد، بلکه موجب فساد و تباهی سایر مردم نیز می گردد.

یکی از عرفاء گفته است: همه مردم نسبت به کسی که در کسوت، عالم و دانشمند جلوه گر است همواره از لحاظ مقام و منزلت، در درجه پائین تری قرار دارند. اگر عالم و دانشمند با وجود علم، از مزایای دیگری از قبیل پارسائی و تقوی و صلاح و شایستگی در گفتار و کردار، برخوردار باشد، توده مردم دست به اعمالی می زنند که مباح و روا است. و اگر همان دانشمند به اعمال مباح و جائزی دست زند، توده مردم دست اندر کار اعمال شبهه ناک می شوند. و اگر عالم و دانشمند مرتکب اعمال شبهه ناک گردد، توده مردم مرتکب اعمال حرام می شوند. و اگر عالم و دانشمند مرتکب محرمات گردد و به کارهای حرام دست یازد، توده مردم کافر می شوند.

۴- عفت نفس و علو همت

معلم باید دارای عفت نفس و علو همت باشد و از اهل دنیا (دنیاپرستان) فاصله بگیرند (و با آنها پیوندی برقرار نسازند)، و به خاطر طمع به دنیا در کادر آنها وارد نگردند، و مادامی که راه گریزی از دستگاه آنها برای آنان وجود دارد نباید به خاطر طمع و آزمندی به مال و منصب در سلک و رده آنان قرار گیرند تا بتوانند همان گونه که پیشینیان از علم و دانش پاسداری کرده اند، از حرمت و ارزش دانش، نگاهبانی کنند. غالباً دانشمندانی که حتی به خاطر هدفهای انسانی و دینی به اهل دنیا پیوستند به هدف و مطلوب خویش نائل نشدند؛ بلکه ناکام گشتند. و بر فرض هم اگر به پاره ای از هدفهای خود دست یافته باشند، حالات و شخصیت روحی آنها به پایه حالات و شخصیت والای دانشمندانی نمی رسد که دامن خویش را با چنین پیوندها و آرایشها نیالودند و توانستند خود را از اهل دنیا مصون دارند.

۵- قیام به وظائف و شعائر دینی و تاءدب به موازین اخلاقی

باید معلم در قیام به شعائر اسلام و عمل به ظواهر احکام، همواره پای بند و مراقب باشد. اقامه نمازهای یومیه در مساجد به صورت جماعت، و انجام آن در اوقات شریف و

ساعات فضیلت اداء آن، سلام و تحیت گرم و توام با آمیزه صمیمیت نسبت به تمام مردم اعم از عالم و عامی چه در آغاز کردن به سلام و چه در پاسخ دادن به آن، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و تحمل آزار و رنج در طریق امر به معروف و نهی از منکر، و دعوت مردم به حق از این جمله است. آری باید آنان از بذل جان در راه خدا دریغ نورزند و سراپای وجود خود را در طریق رضای خداوند قرار دهند و از سرزنش هیچ سرزنش گری، ترس و بیمی به دل خود راه ندهند و در اداء چنین وظائف، به پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و سایر انبیاء (علیهم السلام) تأسی جویند و یادآور رنجها و محنتهایی گردند که پیامبران الهی در طریق قیام به اوامر و تکالیف آسمانی، دچار آنها گشتند.

معلم نباید در رفتار آشکار و نهان خویش، صرفاً به اعمالی که شرعاً مباح و جایز است بسنده کند. باید بکوشند که خود را با زیننده ترین و کاملترین اعمال ظاهری و باطنی بیاریند، زیرا علماء و دانشمندان در نظر توده مردم الگوهای سازنده و سرمشقهائی هستند که آنان را تحت تاثیر قرار می دهند. آنان به عنوان مرجع و مرکزی تلقی می گردند که مردم را به سوی خویش جلب می کنند.

معلمین باید به رفتار و خویهایی ستوده، پای بند و متخلق باشند، اخلاق و رفتاری که در شریعت اسلام به آنها عنایت و توجه شده و تعالیم اسلامی، مردم را به آنها تشویق کرده است. عالم و دانشمند باید با خصلت هائی ستوده و شیوه ها و صفاتی پسندیده آراسته باشند تا از رهگذر آنها مراتب رضای پروردگار را به خود جلب کنند. جود و سخا، گشاده روئی (که نباید افراط آمیز بوده و از حد اعتدال فراتر رود)، فرونشاندن خشم، بی آزار بودن، تحمل آزار دیگران، بردباری، پایداری و مردانگی و احترام به افکار عمومی (البته در صورتی که این افکار صحیح و عاقلانه باشد)، تنزه و خودداری از کسب های پست و فرومایه، از خودگذشتگی، کم توقع بودن و خودداری از فزون جوئی، انصاف، عدم توقع انصاف از دیگران نسبت به خود (ترک انصاف طلبی)، سپاسگزاری از

اشخاص نیکوکار، کوشش در تامین حوائج مردم، بذل جاه و مقام (در راه خدمات دینی و انسانی)، وساطت های انسانی (در حمایت از ضعفاء)، بذل لطف و محبت به تهی دستان و نیازمندان، اظهار دوستی نسبت به همسایگان و خویشاوندان، احسان به زیردستان، احتراز از قهقهه و شوخی های مفرط از این جمله اند. همچنین شکسته نفسی و فروتنی و خاموشی که خوف و خشیت را در چهره و رفتار و حرکات و سکناات و نطق و سکوت آنها نمایان سازد، به گونه ای که اگر نگاه کسی به آنها افتد این نگاه، یاد خدا را در دلش بیدار نماید. باید جهات ظاهری و چهره رفتارشان، حاکی از علم، و نمایانگر التزام و همبستگی آنها با آئین های دینی اعم از آداب قولی و عملی ظاهری و باطنی باشد.

معلم باید بدن و ظاهر خویش را بیش از دیگران نظیف و پاکیزه نگاهدارد و از بوهای ناخوشآیند بپرهیزد (و خویشتن را خوشبو ساخته) و موها (ی سر و صورت) را با شانه کردن بیاراید. و بالاخره در پیروی از سنتها و روشهای ستوده و پسندیده و تعالیم متین و والای دینی و اخلاقی، کوشا باشند. معلم باید خود را از اخلاق ناستوده و اوصاف نامطلوب، تهذیب و تصفیه نماید. این اخلاق و اوصاف ناستوده عبارتند از: حسد، تظاهر و خودنمایی، عجب و خودپسندی، تحقیر و کوچک شمردن دیگران (هرچند که دیگران به درجاتی از او پست تر و دون رتبه تر باشند)، کینه، ستم و تجاوز به حقوق دیگران، خشم گرفتن برای غیر خدا، و دسیسه گری و نیرنگ، بخل و دریغ کاری، پلیدی باطن، خوشحالی مفرط، طمع و آزمندی، فخر، تکبر و خود بزرگ بینی، رقابت در امور دنیوی و مباحات به آنها، سازشکاری، خودآرائی برای مردم، ستایش جوئی از مردم در برابر کارهایی که انجام نداده است، چشم پوشی از عیوب خویشتن و عیبجوئی و خرده گیری از دیگران، غیرت و تعصب برای غیر خدا، غیبت و بدگوئی پشت سر مردم، سخن چینی، بهتان و افتراء، زشتی در گفتار، دروغ (و امثال آنها). این اوصاف و خصلتهای ناستوده، با تفصیل و تهدیدهای مربوط به آنها و نیز داروهای درمان بخش آنها و عوامل و موجباتی که انسان را به این اوصاف و حالات سوق می دهد، و علل و عواملی که انسان را از این

اوصاف بیمناک و یا گریزان می سازد، (همه این مطالب) در جای ویژه خود (یعنی علم اخلاق) ثبت و ضبط و تدوین شده است.

۶- احراز صلاحیت و شایستگی در امر تعلیم

کسی که می خواهد عهده دار منصب تعلیم گردد باید قبلاً مراتب صلاحیت و شایستگی خویش را برای تصدی چنین مقامی در خود فراهم آورد. و باید این شایستگی، در تمام مظاهر وجود او پدیدار باشد، یعنی سیما و چهره و طرز سخن گفتن و گفتارش، نمایانگر اهلیت و شایستگی او برای احراز مقام تعلیم بوده، و اساتید صالح وی نیز صلاحیت او را تایید و گواهی کنند. در حدیثی مشهور، آمده است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر کسی با تکلف، نسبت به چیزی اظهار بی نیازی کند که به او داده نشده است و به دارائی تظاهر نماید، و خویشتن را بیش از اندازه بیاراید و بالیدن آغاز کند، مانند کسی است که دو جامه دروغین را در بر می نمایند، جامه ای که لازم نبوده و متناسب با او نمی باشد.

۷- حفظ حیثیات و شئون شغلی

معلم باید مقام و حیثیت علم را ارج نهاده و آنرا به خواری و ابتذال و فرومایگی نکشاند، در مکانها و محافلی که شخصیت او را دچار خدشه می نماید حاضر نشود. با اهل فسق و انحراف نشست و برخاست نداشته باشد. در امور اجتماعی کاملاً جانب اعتدال و احتیاط را رعایت کند. در انظار عمومی از پوشیدن لباسهای نامناسب یا رفتار سبک شدیداً پرهیز نماید. در مجامع بی مورد صحبت نکند. در مواردی که اطلاع علمی ندارد اظهار نظر ننماید. علم فروشی نکند. از هرگونه جدال و مناقشات در اجتماع پرهیز نماید. هموار نظیف، مرتب و با وقار باشد و بداند که علاوه بر بودن در محضر الهی، مردم نیز به عنوان یک الگو نظاره گر رفتارهای او هستند. در مشاغلی که به رشته تخصصی

وی مربوط نیست وارد نشود، نسبت به کسب درآمد از هر راه حریص نباشد و رعایت حال ضعیفان را بنماید. در امور خیر شرکت داشته باشد و مشکل گشایی نماید.

۸- دریغ نورزیدن از تعلیم علم

رسالت و وظیفه معلم، ایجاب می کند که نباید از تعلیم و آموزش هیچکس به خاطر آنکه ممکن است احیاناً واجد قصد و نیت درست و خدایسندانه ای نباشد دریغ ورزد. زیرا تصحیح هدف و جهت گیریهای سنجیده و خدایسندانه برای بسیاری از افراد تازه کار و کسانی که در فراگیری علم، مبتدی هستند دشوار می باشد. به جهت اینکه جان و روح آنها از لحاظ درک سعادت و نیکبختی آتیه و عزت و سرفرازی روز قیامت، بسیار نارسا و ضعیف می باشد. علاوه بر این، آنان با عوامل تصحیح هدف و نیت و مبانی آن، انس و آشنائی کمتری دارند.

اگر بنا باشد معلم به خاطر فقدان نیت صحیح و محرومیت شاگردان از جهت یابی درست از تعلیم آنان خودداری کند، این دریغ کاری، موجب تعویق و رها کردن بسیاری از افراد در همگامی با کاروان علم شده، و گروه زیادی را از علم محروم می سازد، و یا آنکه موجب از میان رفتن بخش عظیمی از میراث علمی خواهد گشت. باید توجه داشت: این امید هم وجود دارد که شاگرد فاقد نیت و هدف صحیح، از برکت علم و در سایه یادگیری آنگاه که او با علم و دانش، پیوند و انسی برقرار ساخت - توانائی لازم را در تصحیح هدف و نیت خود به دست آورد. البته باید جانب احتیاط را نگاه داشت و مطابق رشد و ظرفیت شاگرد او را تربیت نمود.

اگر معلم نتوانست با استفاده از این گونه راهبرها به تصحیح نیت و هدف شاگرد خویش موفق گردد و از او نومید شود. طبق عقیده بعضی از علماء باید چنین شاگردی را رها کرده و از تحصیل وی جلوگیری نماید و از تعلیم او خودداری کند، زیرا این گونه افراد، با تحصیل علم (همچون دزدان چراغدار)، شر و آسیبشان را فزاینده تر می سازند.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در اشاره به همین نکته و حقیقت فرموده است: "لَا تَعْلِقُوا الْجَوَاهِرَ فِي أَعْنَاقِ الْخَنَازِيرِ" گوهرهای گرانبها را آویزه گردن های خوکها نسازید. اگر کسی که علم را با دست و دلبازی در اختیار افراد نالایق (و فاقد بینش و هدف صحیح دینی) قرار دهد خود علم و دانش را به تباهی و فساد سوق می دهد. ولی اگر در تعلیم آن به افراد لایق، کوتاهی و دریغ ورزد به خود آنها و نیز به علم ستم می کند.

۹- کوشش در بذل و اعطاء و انفاق علم

باید معلم، سرمایه ها و اندوخته های علمی خود را به افرادی که شایسته و نیازمند به علم و دانش هستند، بذل و انفاق کند و در نشر علم و اعطاء آن به افراد محتاج، بخل نرزد، زیرا خداوند متعال همانگونه که در طی مواثیق، از انبیاء پیمان گرفت تا در نشر حقایق و گزارش آن به مردم، دریغ نورزند، و معارف الهی را کتمان نمایند، از دانشمندان نیز پیمان گرفت که در تعلیم علم به افراد نیازمند، فروگذار نکنند؛ بلکه سعی خود را در نشر و ترویج علم، به کار گیرند.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: در نوشتاری از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چنین خواندم: خداوند از جهال و نادانان پیمان نگرفت که پویای دانشمندان باشند (تا از آنان معرفت و آگاهی کسب کنند)، مگر آنگاه که قبلاً از دانشمندان پیمان گرفت که علم و آگاهی خویش را در اختیار جهال و نادانان قرار دهند؛ زیرا علم و دانش در مرحله ای قبل از جهل و نادانی وجود داشته است.

افلاطون حکیم، علم را (تذکر) می نامید و می گفت: روح آدمی پیش از آنکه به بدن تعلق گیرد و در عالم حس، اسیر زنجیر ماده و محسوسات گردد، در عالم مجرد می زیسته است و در آن عالم، حقایق را بدون واسطه درک می کرد، و چون به این عالم هبوط کرد در روح او نسیانی نسبت به حقایق، پدید آمد. ولی این حقایق به طور کلی از

صحیفه روح او محو نشده است، بلکه با وضع مبهم و نامشخص، در خزانه ذهن او موجود می باشد. وقتی انسان به اشباح و سایه های این حقایق در عالم حس، مواجه گشت، متوجه و متذکر همان حقایق باز یافته پیشین می گردد. بنا بر این علم و دانش، قبل از جهل، موجود بوده است و نیز از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که ضمن تفسیر آیه: "وَ لَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ" (لقمان - ۱۸) فرمود: باید همه مردم از لحاظ دریافتهای علمی در دیدگاه تو، مساوی و برابر باشند و باید سهم و بهره از علم را به طور مساوی به آنها بپرداز و در میان آنها تبعیض روا نداری. جابر جعفی از امام صادق (علیه السلام) آورده است که فرمود: زکات علم و دانش، این است که آنرا به بندگان خدا تعلیم دهی.

۱۰- شهامت معلم در اظهار حق، و جلوگیری از تخلف

باید معلم، به مقدار وسع و توانائی خویش، حق را بدون مجامله و سازشکاری نسبت به احدی از خلق الله اظهار کند. اگر مشاهده کرد کسی از حق، روی گردان شده و یا در کیفیت طاعت او از خداوند متعال، کوتاهی و نارسائی وجود دارد، باید در مرحله اول از طریق لطف و محبت و با عامل مهر و نرمش، او را نصیحت کند، (و در صورتی که عامل لطف و نرمش و مدارا، کارگر نیفتاد) از حربه ای عاری از لطف و با تلخی، او را در رهنمون گشتن به حق، یاری دهد. و اگر این وسیله نیز مؤثر نیفتاد، باید از او دوری کند. و اگر با فاصله گرفتن از او و یاری گرفتن از عوامل مذکور فوق، هیچ اثری مشاهده نکرد باید کاملاً او را نهی کرده و از رفتار نابخق او جلوگیری نماید تا او را به حق بازگرداند، و در این کار، از مراحل و مدارج مختلف امر به معروف و نهی از منکر به منظور وادار ساختن او در التزام و پای بند شدن به حق بهره گیرد.

استفاده از عوامل بازدارنده و بهره گیری از قانون (امر به معروف و نهی از منکر) در ارشاد مردم به حق و حقیقت، با شرائطی متنوع و سنگین تر، ویژه علماء و دانشمندان

است. اگر چه همه طبقات مردم در اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر و اجرای آن، دارای وظیفه مشترکی هستند؛ رفتار سازش مآبانه برخی از دانشمندان، موجب گشت که افراد جاهل و نادان به نادانی و جهل و تمایلات هوس آلود، بیش از پیش گرایش یافته و افراد تبهکار، فزونتر از هر زمان در فساد و تبه کاری غوطه ور گردند، و در نتیجه وزنه علم و دانش و عالم و دانشمند کاستی یافته و شکوه و عظمت آن از میان برود.

آداب و وظائف معلم با دانشجویان

امور مختلف و متنوعی، آداب و وظائف ویژه معلم را نسبت به شاگردان تشکیل می دهد که محور همه آنها تنظیم صحیح رابطه استاد و دانشجو می باشد. (مسائل مربوط به این آداب، با بیان بیست موضوع مهم، مورد تحقیق و بررسی قرار می گیرد:

۱- ایجاد خلوص نیت و تعالی ایمان در شاگردان

نخستین وظیفه ای که باید معلم در رابطه با شاگردان، مورد توجه و اهتمام خویش قرار دهد این است که شاگردان را تدریجاً و گام به گام به آداب و آئین های پسندیده و شیوه های ستوده و تمرین روحی نسبت به آداب دینی و حقایق و اسرار دقیق آئین مقدس اسلام، آشنا و وادار نموده، و انس و عادت به صیانت نفس را در تمام شئون آشکار و نهان زندگی آنها بارور سازد، به ویژه اگر احساس کرد که شاگردان وی از رشد عقلی متناسبی برخوردار هستند باید سعی کند که چنین عادات مهم و پرارزش را در آن ها به ثمر رساند.

نخستین گام در پیمودن مراحل مذکور این است که دانشجویان را تشویق کند تا رفتار و همت تحصیلی خود را از هر گونه شوائب (فرومایه) پاک و پاکیزه نمایند و کوششهای خویش را در جهت الهی و انسانی و به منظور کسب رضای پروردگار، محدود

سازند، و خدای را در تمام لحظات زندگانی، مراقب و ناظر اعمال خویش بدانند. این خصیصه خدایابی و خداجوئی را تا هنگام مرگ استمرار داده، و عملاً از چنین حالت والای روحی تا به هنگام رخت برپستن از این دنیا، برخوردار باشند و سعی کنند تا مطامع دنیوی به این گنجینه گرانبها، دستبردی نزنند.

باید معلم به دانشجو یاد دهد که فقط در سایه چنین حالت روحی، ابواب معارف و دانشها فراسوی او گشاده می شود و سینه اش از تنگنای آلام و مشکلات رهائی یافته و از شرح صدر برخوردار می گردد. و از قلب و درونش، آبشخورها و سرچشمه های لطائف و حکمتها، به جریان و فیضان می افتد، و برکات و فزاینده‌گی مطلوبی در حالات مختلف زندگی و معلومات و معارف او پدید می آید و سرانجام به صواب اندیشی و درستی گفتار و کردار و حکم و داوری صحیح و استوار، موفق می گردد.

باید معلم در تفهیم حقائق مذکور، آثار و احادیثی را که در زمینه های این حقائق به ما رسیده است، برای شاگرد بازگو کرده، و ضرب المثلهای لازم را که نمایانگر حقائق مذکور است، برای او یاد کند و با ناچیز جلوه دادن دنیا، حالت زهد و پارسائی و بی اعتنائی به مادیات را در او به وجود آورد. باید معلم، این حقیقت را برای دانشجو بازگو کند که دنیا به مثابه ظرف و گذرگاه و منزلگه و کشتزاری است که باید انسان در این معبر و رهگذر، در تحصیل کمالات بکوشد. آری دنیا مجال و فرصتی است برای علم و عمل، و کشتزاری است که باید در آن دانه افشانی کرد تا به محصول و ثمره آن در سایه افکار و اعمال نیک در روز قیامت و سرائی که در پیش است دست یافت.

۲- ایجاد شوق و دل بستگی به علم و دانش در شاگردان

معلم باید شاگردان خود را به علم و دانش تشویق نماید و فضائل و ارزشها و مزایای علم و علماء را به آنان تذکر دهد و یادآور گردد که علماء و دانشمندان، وارثان انبیاء و پیامبرانند و بر کرسی ها و پایگاههایی بلند و فرازنده و درخشانی از نور، جای دارند.

کرسی ها و پایگاههایی که مورد رشک انبیاء و شهداء و جانبازان راه خدا بوده و این موجودات مقدس در این رابطه به حال آنها غبطه می خورند. باید معلم، این گونه سخنان شوق آفرین را که در طی آیات و اخبار و آثار و اشعار و امثال به چشم می خورد، و بازگوکننده فضائل و منازل و مقامات والای علم و علماء است به گوش هوش آنها برساند. رهنمودهایی که در سخن بزرگان دیده می شود و نمودارهای شوق انگیزی که در طی اشعار شعراء درباره فضیلت علم جلب نظر می کند، عامل و انگیزه نیرومندی است که می تواند نفوس و قلوب انسانی را به خود معطوف داشته (و تحرک و جنبش چشمگیری برای گرایش به علم و دانش، در دلها به وجود آورد. معلم باید از هر عواملی که او را در تشویق شاگردان به علم و دانش، مدد می کند، استفاده نماید) و در ضمن؛ آنها را تدریجاً ترغیب نماید تا نسبت به مسائل دنیوی به قدر امکانات و به اندازه کفایت و ضرورت، قناعت و بسنده کنند تا از این طریق بتواند آنها را از انگیزه دنیاگرایی که موجب دل مشغولی و پریشانی خاطر و پراکندگی اهتمام علمی آنها می گردد دور نگاه دارد.

۳- دلسوزی معلم نسبت به شاگردان

باید معلم درباره شاگردان، خواهان اموری باشد که خود نسبت به آن امور در مورد خویشان احساس علاقه و دلبستگی می نماید، و هرگونه شر و بدی را که برای خویش نمی پسندد برای شاگردان نیز نپسندد؛ زیرا اینگونه مواسات و برابر اندیشی نسبت به شاگردان، حاکی از کمال ایمان معلم و حسن رفتار و برادری، و نمایانگر روح تعاون و همبستگی و دلسوزی معلم نسبت به شاگردان می باشد. در احادیث صحیح و معتبر، چنین آمده است: هیچ یک از شما نمی تواند عنوان (مومن) را (به مفهوم واقعی آن) احراز کند مگر آنگاه که نسبت به برادر ایمانی خود همان چیزی را بخواهد که درباره خود نیز، نسبت به آن احساس علاقه و محبت کند.

باید گفت که بی تردید، شاگرد، والاترین و بهترین برادر، و بلکه ارجمندترین فرزند معلم است. شاگرد، نسبت به معلم به عنوان برادر عزیز و فرزند گرامی او محسوب می گردد؛ زیرا علم و دانش، اساس و عامل به هم رسیدن یک نوع قرب و خویشاوندی روحی و معنوی است که معلم و شاگرد را با هم مربوط می سازد و چنین پیوندی از هرگونه پیوند و خویشاوندی جسمانی و خونی، والاتر و شکوهمندتر می باشد.

۴- تربیت اخلاقی شاگردان

بر معلم، لازم و ضروری است (اهتمام خویش را در جهت تربیت اخلاقی شاگردان به کار گیرد و (آنان را از اخلاق بد و خویهای ناستوده و ارتکاب اعمالی که شرعاً حرام و یا مکروه است حفظ کند، و از هرگونه رفتاری که حالات و شخصیت آنها را تباه می سازد و یا موجب ترک اشتغالات علمی و یا اسائه ادب آنان می گردد جلوگیری کند. معلم باید از پرحرفی و سخنان بیهوده و بی فایده شاگردانش ممانعت به عمل آورد، و از معاشرت آنان با اشخاص نامناسب و این گونه کارهای نابجا و اعمال ناروا و زیان بخش جلوگیری نماید. برای پیشگیری از سوء رفتار شاگردان و جلوگیری از ارتکاب خلاف آنان، لازم است معلم حتی الامکان با ایماء و اشاره و تعریض و کنایه، راه گشای تربیت اخلاقی شاگردان بوده و از تخلف آنها جلوگیری کند. و در صورتی که ضرورت ایجاب نکند و نیازی در کار نباشد باید از آشکارگوئی و تصریح به تخلف شاگرد، خودداری نماید و همواره از عامل لطف و محبت و مهر و مودت برای ارشاد شاگردان استفاده کند، و آنان را به خاطر تخلف و سوء رفتار (مخصوصاً در جمع)، توبیخ نکرده و تا می تواند از این روش استفاده ننماید؛ چون اولاً تصریح و آشکارگوئی خصوصاً در جمع، پرده هیبت و ابهت استاد را از هم دریده و موجب شدت و فزونی جرات و جسارت شاگردان در ارتکاب خلاف و سوء رفتار و تخلفهای اخلاقی می گردد و ثانیاً باعث میشود که آنان بیش از پیش با حرص و ولع زیادتری در تخلفهای اخلاقی اصرار ورزند.

باری، اگر شاگرد با تعریض و کنایه و ایما و اشاره در سایه هوش و ذكاء خود به لغزش و تخلف خویش پی برد و از آن دست برداشت، باید گفت در این صورت معلم به هدف تربیتی و غرض مطلوب خود دست یافته است و گرنه باید با صراحت و بی پرده (البته در سر و نهان و در غیاب دیگران) او را از ارتکاب خلاف نهی کند. اگر نهی او در غیاب دیگران نیز مؤثر نیفتاد و شاگرد دست از تخلف برداشت، باید علناً و آشکارا و در حضور دیگران، او را از خلاف کاری منع کند. اگر هیچیک از روشهای تربیتی مذکور در جلوگیری از تخلف شاگرد اثر نگذاشت و علی‌رغم به کار گرفتن تمام وسائط و عوامل تربیتی، چنین شاگرد، به تخلفهای خود ادامه داد و از آن دست برداشت، طرد این گونه شاگرد و اعراض از او بجا و سزاوار می باشد، و هیچگونه اشکالی برای این طرد و اعراض وجود ندارد. معلم باید چنین شاگردی را مدتی از نزد خود براند تا او از تخلف خویش، توبه و بازگشت نماید.

۵- فروتنی و نرمش معلم نسبت به شاگردان

معلم نسبت به شاگردان خویش نباید رفتاری تکبرآمیز را در پیش گیرد و نسبت به آنها بزرگی ورزد. بلکه باید فروتنی و نرمش را در برخورد با شاگردانش به کار برد. خداوند متعال به پیامبر خود می فرماید: "وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ" (شعراء - ۱۵) پر و بال خویش را برای پیروان خود (که با پایمردی خود در ایمان، به تو اظهار علاقه می کنند) گشاده ساز (و نسبت به آنان، متواضع و فروتن باش). رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند متعال به من وحی نمود (که به شما اعلام کنم تا) تواضع و فروتنی را پیشه خود سازید و هم او فرموده است: هیچ صدقه و انفاق مالی به بینوایان، از مال و ثروت انسان نمی کاهد. خداوند متعال به خاطر عفو و گذشت از افراد بر عزت و سرفرازی شخص می افزاید، و هر فردی که تواضع و فروتنی را

پیشه خود سازد، در ظل مراحم پروردگار از مقام والا و شخصیتی ارجمند برخوردار می گردد.

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) آمده است که فرمود: معلم و آموزگار باشید (و درس شما زمزمه محبت باشد). در تعلیم خود، سختگیر نباشید و مسئله تعلیم را بر مردم ناهموار نسازید؛ زیرا معلم و آموزگاری که با آمیزه محبت تعلیم می دهد از انسان سختگیر، بهتر و بارزتر تر است. همچنین فرمود: نسبت به کسی که به وی علم را می آموزید، و یا از او علم را فرامی گیرید، نرم و ملایم باشید، شایسته و به جا است که تمام شاگردان و بخصوص، شاگردان فاضل و برجسته را با کنیه و نام فامیلی، و روی هم رفته با محبوب ترین نامها و القاب مورد خطاب قرار دهد، به گونه ای از آنان و نام آنها یاد کند که موجب حفظ حرمت شخصیت و وقار و ارزش مقام و منزلت آنان بوده و از گزند تحقیر و توهین، مصون بمانند.

۶- تفقد از احوال دانشجویان

تفقد از احوال دانشجویان که از حس شفقت و دلسوزی معلم، ریشه می گیرد این است که اگر یکی از شاگردان و یا حاضران حلقه درس استاد، در جلسه درس حضور نیافت، و غیبت او غیرعادی به نظر رسید و طولانی گشت، باید از او و احوال او و علت غیبت او پرس و جو کند. اگر از پرس و جوی خود، نتیجه ای کافی نگرفت و نتوانست راجع به او خبری به دست آورد باید کسی را برای اطلاع خود از احوال او به خانه و محل سکونت وی بفرستد، و اگر وی را عارضه ای پیش آمده باشد شخصاً به دیدن او برود که البته این کار اخیر دارای فضیلت بیشتری است چنانکه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) با اصحاب و یاران خود همینگونه عمل می فرمود، (یعنی اگر ملاحظه می فرمود که یکی از ملازمان او در میان جمع حاضران، حضور بهم نرسانده

است، شخصاً به منظور احوال‌پرسی به خانه او می‌رفت و از او تفقدی به عمل می‌آورد.

۷- اطلاع از نام و مشخصات شاگردان

معلم باید، راجع به نام و نسب و فامیلی و شهر و احوال و مشخصات دانشجویان و یا حاضران جلسه درس، اطلاعاتی را کسب کرده و ترتیبی در این زمینه فراهم آورد و بدان توجه نماید، و درباره آنان در جهت مصالحشان بیش از حد معمول دعاء کند (و از خداوند متعال بخواهد که آنانرا مشمول لطف خویش قرار داده، و دل‌های آنها را برای پذیرش علم، مستعد ساخته، و آنان را به عمل و رفتار بر طبق موازین علم موفق گرداند. توجه به خصوصیات و نام شاگردان باعث الطفات بیشتر آنان به استاد و ارتباط با مباحث درسی می‌گردد و میل آنان را برای فراگیری و توجه در جلسه درس بیشتر می‌نماید.

۸- تدریس مطالب علمی در خور استعداد شاگردان

باید معلم در بذل و توزیع محصولات و فرآورده های علمی و معارف خود، با سخاوت باشد. باید کیفیت تدریس او هموار و دلنشین بوده و با آمیزه لطف، و تواءم با رفق و مدارا و نصیحت و اندرز باشد، و به قصد ارشاد شاگردان به امور مهم، به آنان سود رسانده و بهره مندشان سازد. معلم باید شاگردان خود را به صیانت و نگاهبانی اندوخته های نفیس و گرانبه های علمی که در اختیار آن ها قرار داده است تشویق و تحریص کند. معلم نباید به هیچ وجه اندوخته های علمی خود را در خویشتن احتکار و ذخیره کند، و در اعطاء و القاء آنها دریغ ورزد، اندوخته های که دانشجویان (تشنه و گرسنه علم) بدان نیاز دارند، و از او درباره آن اندوخته ها پرس و جو می نمایند. بنابراین اگر او افراد شایسته ای را در پیرامون خود دید نباید در بذل سرمایه های علمی و توزیع این ذخائر، دریغ و مضایقه کند. البته باید بگوئیم: تا وقتی که دانشجویان او، نسبت به برخی از

معلومات و معارف، اهلیت و شایستگی لازم را به دست نیاورند نباید معلم این معلومات را در اختیار آنها قرار دهد؛ بلکه باید در کتمان آن (از چنین شاگردان)، کوشا و مصر باشد؛ زیرا القاء معلومات و معارفی که شاگردان برای هضم و درک آن، استعداد و شایستگی کافی ندارند، موجب پریشانی خاطر و پراکندگی و تباهی ذهن و حال آنها می گردد.

۹- رعایت ترتب و تسلسل منطقی آموزش علمی

معلم باید ترتب و تسلسل علوم و معارف را به هنگام تدریس با توجه به پایه معلومات شاگردان در نظر گیرد. ابتدا سطح معلومات آنها را بخوبی محک بزند و پس از تعیین سطح و درجه بندی محدوده آمادگی دانشجویان ابتدا مطالب را به گونه ای آغاز نماید که سبب جلب توجه افراد ضعیف تر گردد و به تدریج سطح درس را ارتقاء دهد تا دانشجویان مستعد و زیرک خسته و دلزده نشوند. تولی مطالب باید به نحوی باشد که سیر منطقی فراگیری دانشجویان حفظ گردد و آنان نیز خود بتوانند بخشی از مطالب را با توجه به استعداد خود قبل از ورود به کلاسهای بعدی مطالعه نمایند و برای حضور در جلسه درس آمادگی کافی داشته باشند.

۱۰- کوشش در بیان متقن مطالب

معلم باید به شغل و حرفه تعلیم، حرص و علاقه و دلبستگی داشته باشد، و همه توان و نیروی خویش را در تفهیم و تقریب مطالب به اذهان شاگردان، به کار گیرد، و در این جهت اهتمام ورزد. او باید این وظیفه خطیر را بر تمام نیازها و مصالح و منافع شخصی البته تا آنجا که کار ضروری مهمتری در میان نباشد ترجیح دهد. ولی اشتغال به مصالح شخصی و حوائج فردی، در حد ضرورت، در همان محدوده نیازهای اولیه،

بلامانع است و باید معلم در صورت عدم ضرورت، همه مصالح و منافع شخصی دیگر را در راه اداء وظیفه تعلیم و تربیت، قربانی کند.

معلم نباید طرز بیان و سخن خود را بیش از حد معمول گسترده و مفصل سازد، به گونه ای که حافظه شاگردان قادر بر نگاهداری و حفظ آن نباشد. او نباید آنگونه فشرده و کوتاه، بیان خود را ایراد کند که درک و فهم آن برای شاگردان دشوار گردد؛ (بلکه بیان خویش را در حد میانگین و متناسبی قرار دهد که علاوه بر امکان ضبط و حفظ آن، فهم آن نیز آسان باشد و با هر یک از شاگردان، در خور مقام و پایه علمی و بر حسب میزان فهم و استعداد آنها سخن گوید، و آنها را مخاطب قرار دهد؛ با شاگردی که دارای نیروی تشخیص و مهارت و کارائی می باشد و مسأله علمی را با دقت و تحقیق درک می کند، با ایماء و اشاره و به طور فشرده سخن گوید. و برای دیگران به ویژه کسانی که گرفتار رکود و توقف ذهنی یا کمبود علمی هستند مطلب را با بسط و تفصیل بیشتری توضیح دهد. و برای کسانی که جز با تکرار مسئله و توضیح دو باره آن، نمی توانند مطلب را درک نمایند سخن و بیان خویش را تکرار نماید. معلم باید نخست، خود مسئله را به صورت واضح و روشنی طرح کند، یعنی تصویر روشنی از مسئله را ترسیم نماید، سپس با ذکر مثالها و نمونه ها (البته در صورت نیاز به آنها) به توضیح و تشریح آن پردازد. ادله و مآخذ موافق و مخالف موضوع را یاد کند. و برای اثبات جنبه معتبر و مورد اعتماد، و راءى درست مسئله، دلیل مناسب را بازگو نماید، تا آن جنبه کاملاً تایید و تقویت گردد و نیز دلیل ضعف مسئله را ذکر کند تا شاگرد شیفته آن جنبه نگردد و تحت تاثیر آن قرار نگیرد (و آنرا به صورت احتمالی قابل قبول تلقی نکند). مثلاً بگوید: مخالفین در اثبات نظر خود، چنین استدلال کرده اند؛ ولی دلیل آنها به خاطر فلان علت و فلان دلیل، ضعیف و مردود است.

باید معلم جنبه های اخلاقی رد و ایرادات و انتقادات خود را در نظر گیرد. یعنی اگر رأی و نظر کسی را تضعیف می کند باید به شاگرد بفهماند که منظور او و صرفاً بیان

حق و واقعیت می باشد. و چون بیان واقعیت ناگزیر، متوقف بر تضعیف رأی فلان دانشمند است از این جهت آنرا بازگو کرده است. باید به شاگردان یادآور شود که هدف او در چنین مناقشات، اظهار تفوق و برتری بر دیگران و یا کوباندن و شکست دادن آنها نیست؛ (بلکه تنها هدف او اظهار حق و حقیقت می باشد).

معلم باید اسرار و رموز حکم و قانون مسأله مورد بحث، و علل آنرا توضیح دهد و اقوال و آراء مختلف را توجیه نموده و وجوه ضعف و احتمالات ضعیف مسئله و نیز پاسخهای لازم را یادآور گردد. او باید اصل و فرعی که با آن مسئله، پیوند و ارتباط دارند، و اساس و بنیادی که مسأله بر آن مبتنی است، و مسائل مشابه با آن و اینکه حکم آنها با هم مساوی و یا مخالف با یکدیگر است، همه این مطالب را ذکر کند، و همچنین مآخذ هر دو حکم را یاد کرده و فرق میان آن دو مسئله را بازگو نماید. معلم باید در طرح هر موضوع علمی، لواحق و متعلقات آن از قبیل: نکات نغز و لطیف و لغزها و معماهای ظریف و امثال و اشعار و لغات آنها و اشکالاتی که بر آن موضع و یا تعبیری مانند آن وارد می شود، و جواب اشکالات را البته در صورت لزوم و امکان ذکر کند.

معلم باید لغزشهای برخی از مؤلفان و مصنفان را به شاگردان تذکر دهد و در باره حکم، و نیز اشتباه آنها را در استخراج و نقل و امثال آنها یادآور گردد، و به آنها راجع به این موارد و امثال آنها هشدار دهد. ولی باید در این رهگذر از نیت و هدف مطلوب و صحیح انسانی و حس حقیقت جوئی برخوردار باشد. نباید مقصد و غرض او، صرفاً اظهار خطاء و لغزش دیگران، و ابراز استواراندیشی و ژرف نگری خویشتن باشد؛ بلکه باید هدف و منظور او، ارشاد شاگردان و نصیحت و خیرخواهی نسبت به آنها بوده تا در او، حالت غرور و شیفتگی و خود باختگی نسبت به کارش پدید نیاید.

۱۱- ذکر ضوابط و قواعد کلی علوم

باید معلم، قواعد کلی متناسب با درس را که استثناء بردار و رخنه پذیر نیست و خللی در آن راه نمی یابد، و یا قواعدی را که دارای موارد استثنائی است با ذکر

مستثنیات آنها در اثناء درس بازگو کند. در این جا لازم است که ذهن دانشجو نسبت به بحث نقادانه و موشکافانه در اصول کلی علم تحریک و تقویت شود تا او بتواند برای آینده در توصیف و تحلیل پدیده ها بر اساس قواعد کلی که فرا گرفته آن موضوعات را نیز مورد بحث و بررسی قرار دهد. نتیجه این کار کاهش خطاهای استنباطی شاگرد و تقویت درک و استدلال وی خواهد بود و او را از مهلکه های انحراف مصون خواهد داشت.

۱۲- تشویق شاگردان به اشتغالات علمی

معلم باید شاگردان را به اشتغالات علمی در تمام اوقات تشویق کرده و اعاده و تکرار محفوظات را در اوقات مناسب، از آنها درخواست کند. و راجع به مسائل مهم و مباحثی که برای آنها بیان کرده است، پرسش هائی را مطرح سازد. اگر ملاحظه کرد که شاگردی، مسائل و مباحث مذکور را یاد گرفته و آنها را دقیقاً به خاطر سپرده است از او احترام و تجلیل به عمل آورد، (و علناً در حضور دیگران) در صورتیکه بیم عجب و غرور و تباهی حال و مزاج روحی او در میان نباشد او را مورد تقدیر قرار دهد، و مراتب پیشرفت او را توأم با تقدیر و احترام به همگان اعلام کند. اگر معلم احساس کرد که دانشجوئی در حفظ کردن درس و دقت در مباحث و مسائل مربوط به آن، کوتاهی ورزیده، او را در نهان و دور از نظر دیگران، هشدار داده و نسبت به او سختگیری نموده و توبیخش نماید و چنانچه مصلحت چنین شاگردی ایجاب کند که علناً و در حضور دیگران، وی را به خاطر سهل انگاری، مورد ملامت قرار دهد، این کار را با توجه به مصلحت خود شاگرد انجام دهد؛ زیرا معلم و استاد، همچون طبیب و پزشک می باشد که می داند دارو را در چه جائی به کار برد هر چند تلخ باشد.

۱۳- طرح مسائل دقیق و آزمایش هوش

باید معلم، نتایج سودمند مسائل دقیق و نکات پیچیده و نا آشنا را برای شاگردان خود مطرح سازد، و از آنها درخواست پاسخ نماید. با طرح این فوائد و نتایج مسائل و نکات مذکور، قدرت درک آنها را بیازماید تا در ضمن آن، فضل و معلومات افراد و شاگردان برجسته نیز نمودار گردد. طرح مسائل دقیق، این فائده را دارا است که از رهگذر آن، شاگردان با این مسائل سر و کار پیدا کرده و به دقت و باریک اندیشی درباره آنها خوی گیرند.

معلم نباید نسبت به شاگردی که در فهم نتایج مسائل دقیق، دچار اشتباه و لغزش می گردد سختگیری کند، و او را مورد سرزنش قرار دهد. مگر در مواردی که از دیدگاه معلم، مصلحت شاگرد، چنین توبیخ و سختگیری را اقتضاء کند. شایسته است که استاد و معلم، دانشجویان را موظف سازد که درس را به صورت دسته جمعی برگزار کنند؛ زیرا انعقاد مجلس درس به صورت جمعی، متضمن فوائد و نتایج مطلوبی است که درسهای انفرادی، فاقد آنست.

۱۴- احترام به شخصیت شاگرد

باید معلم در بحث و گفتگو و مذاکره با شاگردانش، منصف باشد. اگر از شاگردی، گفتاری مفید و سودمند شنید به اهمیت و ارزش و سودمند بودن آن اعتراف نماید، اگر چه آن شاگرد، فردی کم سن و سال باشد؛ زیرا انصاف و اعتراف به اهمیت افکار صحیح دیگران، از برکات علم و دانش به شمار می آید. یکی از پیشینیان گفته است: برکت و فزونی علم، و آئین و راه و رسم دانش، انصاف و عدالت است. اگر کسی منصف نباشد و در طریق تعلیم و تعلم، راه انصاف را در پیش نگیرد نمی تواند مطلبی را بفهماند و نه می تواند مطلبی را بفهمد. بنا بر این باید معلم در بحث و گفتگو و ایراد سخنان خویش، همبستگی خود را با انصاف، حفظ کند و به سؤال و پرسش بجا و به مورد شاگرد

منصفانه گوش فرادهد و از شنیدن سؤال او اظهار تکبر و استنکاف ننماید؛ زیرا ممکن است با مضایقه از شنیدن سؤال او، شاگردش از فائده و بهره سودمند مربوط به سؤال، محروم گردد.

معلم نباید به هیچیک از شاگردان به خاطر کثرت تحصیل و پیشرفت فزاینده و چشمگیر و یا به خاطر مزیت استعداد آنان بر افراد فامیل و وابسته به خود از قبیل فرزند و برادرش رشک و حسد ورزد؛ چون رشک بردن بر دیگران، حرام و ممنوع است تا چه رسد به رشک و حسد بردن بر شاگردانی که به منزله فرزندان معلم می باشند، شاگردانی که از ناحیه فضل و برتری آنها، فراوانترین حظ و نصیب به معلمشان عاید می گردد؛ چون معلم، مربی و پرورشکار شاگرد است و خداوند متعال به خاطر اینکه این معلم، شاگردان را تعلیم می دهد تا به عنوان فارغ التحصیلان، در جامعه خدمت کنند پاداش عظیمی برای او در نظر گرفته و در دنیا نیز از دعای مداوم و ستایش جالب توجه این شاگردان و جامعه برخوردار می گردد.

۱۵- رعایت مساوات در توجه به شاگردان

معلم نباید در اظهار محبت و توجه و التفات به شاگردان در صورتی که از لحاظ سن و فضیلت و دینداری، تقریباً با هم برابر هستند تبعیض و تفاوتی را معمول داشته و بدان تظاهر نماید؛ زیرا اظهار تبعیض و عدم رعایت مساوات در محبت و توجه به آنها - با وجود تساوی آنها در شرایط مذکور - موجب ناراحتی های روانی و دلتنگی و بیگانگی روحی آن ها از یکدیگر می گردد. اگر بعضی از شاگردان از لحاظ طرز تحصیل و سعی و کوشش و حسن ادب و نزاکت، بر دیگران مزیت داشته باشند؛ چنانچه معلم از آنها احترام خاصی به عمل آورد، و این احترام را اظهار نماید، و آنرا از لحاظ محبت و تفقد، بر دیگران ترجیح دهد، و ضمناً یادآور گردد که علت احترام زیاد و تقدیر ویژه او، به خاطر همین مزایا و موجبات است، در این صورت، اظهار تبعیض و تفاوت میان شاگردان

مانعی ندارد و می تواند توجه و التفات ویژه ای را درباره آنها مبذول دارد. تقدیر و احترام به شاگردان کوشا و با نزاکت، عامل مؤثری در ایجاد تحرک و شادابی آنها بوده، و انگیزه مفیدی است که آنان و نیز سائر شاگردان را وادار می سازد تا در اتصاف به چنین صفات مطلوب و امتیازآفرین، سعی و کوشش نمایند.

۱۶- رعایت نوبت شاگردان در پذیرش تدریس

اگر شاگردان برای درس، به معلم مراجعه کنند و کثرت متقاضیان و مراجعان درس در حدی باشد که به استاد هجوم آورند (بطوریکه پاسخ مثبت برای شروع به درس همه آنها میسر نباشد). باید تعلیم شاگردانی را بر دیگران مقدم دارد که قبلاً نوبت گرفته اند. و به ترتیب نوبت گیری آنها، درسشان را بر دیگران مقدم بدارد. و برای هر یک از این گروههای مقدم، بیش از یک درس را جز با احراز رضایت دیگران جلو نیندازد و به آن آغاز نکند.

۱۷- رعایت تفاوت های هوش شاگردان

وقتی معلم احساس کرد که شاگردی، راه و روشی را در تحصیل خود پیش گرفته است که فوق توانائی و حال و استعداد، و بالاتر از شرائط و مقتضیات شخصی او است، و به همین علت، بیم و وحشتی در معلم پدید آید که ممکن است شاگرد نسبت به درس و تحصیل، دچار دلزدگی و نفرت گردد، باید او را به رفق و مدارای با خویشتن توصیه و سفارش کند و سخن پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) را برای او بازگو نماید که فرمود: آنکه به علت افراط در بار کشیدن و راندن مرکوبش، از قافله و کاروان فرو می ماند و از آن جدا می گردد، نه مسافتی را طی می کند و نه پشت و کمری توانمند را برای خود و مرکوب خویش نگاه می دارد بلکه خود و مرکوبش، از کارافتاده و به مقصد هم نمی رسند. معلم باید امثال این گونه گفتارهای سنجیده و پندآموز را به گوش او

برساند تا وی را وادارد که درنگ و صبر و رفق و مدارا و میانه روی و اعتدال در سعی و کوشش را نصب العین خویش قرار دهد. و بدین سان اگر معلم احساس کرد که شاگرد با کوششهای فرساینده خویش، دچار ملال خاطر و دلتنگی و خستگی روحی گشته و یا مقدمه و زمینه چنین حالاتی در او نمودار شده است، باید به او دستور استراحت دهد، و امر کند که از اشتغالات علمی خود بکاهد، و از آموختن علم و یا خواندن کتابی که قدرت درک آنرا ندارد، و یا سن او در خور آنها نیست، و یا هوش و استعداد او در فهم آن علم و یا آن کتاب، نارسا است، جلوگیری کند. اگر شاگرد و دانشجو، با معلم خود در مورد خواندن فن و یا کتابی مشورت کند دانشجوئی که حال او بر معلم از لحاظ شعاع کاربرد فهم و استعداد و حافظه اش روشن نیست نباید (بدون مطالعه) دستوری در این مورد صادر نماید، مگر آنگاه که ذهن و هوش او را بیازماید، و از حالاتش از نظر استعداد و حافظه، آگاهی کافی بدست آورد.

اگر معلم از طریق آزمایش استعداد و هوش شاگرد، به این نتیجه رسید که دارای قدرت درک کافی، و ذهن شایسته ای هست باید او را از کتاب آسان به کتاب دیگری که در خور ذهن و هوش و استعداد او است منتقل سازد. استاد در صورتیکه آمادگی ذهنی و علمی شاگرد را احراز کرد باید به او اجازه ارتقاء به مقام بالاتری را از لحاظ نوع کتاب و علوم و فنون دیگر بدهد. معلم نباید به دانشجو اجازه دهد که در دو فن و یا بیشتر البته در صورتی که قدرت ضبط و آموختن همگی آنها را دارا نباشد خود را سرگرم تحصیل سازد. او باید درسهایی را که از لحاظ اهمیت در درجه نخست قرار دارند بر سایر دروسی که در درجه دوم اهمیت قرار دارند مقدم دارد.

۱۸- عدم تقبیح علمی که در آن تخصص ندارد

اگر استاد و معلم، فقط عهده دار تدریس و یا متخصص در علوم و فنون خاصی باشد، نباید سایر علوم و دانشهایی را که آنها را تدریس نمی کند از نظر دانشجو تقبیح و

تحقیر کرده و آنها را زشت و بی ارزش جلوه دهد. چنانچه این نوع تحقیر و خرده گیری غالباً از ناحیه معلمان بی سواد و کم فضل و نادان به چشم می خورد؛ زیرا انسان نسبت به چیزی که درباره آن بینش و آگاهی ندارد و از آن در بی خبری بسر می برد احساس نفرت و کینه و عداوت می نماید. طبق فرمایش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): "النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهَلُوا"، یعنی مردم، دشمن نادانسته های خویش هستند. یک معلم عالم و خردمند، ولو آنکه متخصص در هر فنی باشد و اختصاصاً آنرا تدریس کند، حق تحقیر علوم و دانشهای دیگر را ندارد.

۱۹- ارجاع شاگردان به معلمان شایسته

یکی از وظائف بسیار مهم و اساسی معلم نسبت به شاگردان، این است که اگر شاگرد و یا شاگردانی که نزد او درس می خوانند، نزد استاد دیگری نیز سرگرم تحصیل گردند، رنجیده خاطر و آزرده نشود؛ چرا که او باید در این زمینه فقط مصالح شاگردان را در نظر گیرد، و منافع و مصالح شاگردان را به هیچوجه، قربانی اغراض شخصی و حفظ حیثیت خویش نکند. اکثر معلمان و اساتید کم ظرفیت و نادان به خاطر اشتغال شاگردان آنها نزد معلم و استاد دیگر دچار تاءثر و رنجیدگی خاطر می شوند. باید گفت که این تنگ نظری، یکی از مصیبتها و آسیبهای دردناکی است که گریبانگیر معلمان نادان و نابخرد می گردد و نیز این تنگ نظری و آزردگی خاطر برای معلمانی پیش می آید که به علت فساد نیت و فرومایگی همت، در مسیر اداء وظیفه تعلیم، فاقد هدف الهی هستند.

به حکم وظیفه قطعی، اگر معلم در دانشجو از لحاظ نشاط و تحرک و استعداد و کوشش احساس آمادگی کرد که او با داشتن چنین آمادگی می تواند درسهای متعددی را تحصیل کند، و خود معلم در تاءمین این هدف، توانائی کافی ندارد باید نخست او را به معلمی دیگر ارشاد کند تا درسهای دیگر او را به وی تدریس نماید، و آن درسها را بر

او بخواند. این گونه ارشاد و راهنمایی، مقتضای طبع و وظیفه شناسی و کمال دلسوزی و نمایانگر وجود حس رعایت امانت در هر معلم متعهد و مسئول می باشد.

۲۰- آماده ساختن و معرفی دانشمندان لایق برای جامعه (شاگرد پروری)

اگر دانشجو به حد کمال (نسبی) در علم و دانش دست یافت، و شایستگی استقلال را برای تصدی مقام تعلیم احراز کرد، و از فراگرفتن علم و دانش (به طور کلی) فارغ و بی نیاز گردید، باید معلم به ترتیب و سامان بخشیدن کار و حرفه او به این منظور که او نیز به نوبه خود اقدام به تعلیم علم برای دیگران بنماید قیام کند، و او را در محافل و مجالس بستاید، و از وی تقدیر و تجلیل به عمل آورد، و مردم را به تحصیل علم و فراگرفتن آن از نزد او، تحریض و تشویق و توصیه نماید؛ زیرا در صورتی که این شاگرد، خودبخود منصب تعلیم را بدون تائید و ارشاد استاد شناخته شده به عهده گیرد ممکن است عده ای از شایستگی چنین شاگرد فارغ التحصیل، بی اطلاع بمانند و به علت همین بی اطلاعی، با او انس و پیوندی برقرار نسازند، و به مهارت و کارآئی علمی او اعتماد نکنند.

این نوع معرفی، یعنی شناساندن افراد کارآمد به جامعه، عامل بسیار مهم و مؤثری برای سازمان یافتن علم و دانش، و زمینه ای پرارزش برای صلاح حال جامعه و معلمان و شاگردان می باشد. شاگردی که می خواهد منصب تعلیم و تربیت دیگران را به عهده گیرد باید از پشتوانه تائید استادی خوشننام برخوردار باشد و باید شخصیت علمی و لیاقت اخلاقی و کارآئی او در اقدام به تعلیم و تربیت دیگران، به وسیله استاد وی تصویب و تائید گردد.

باید یادآور شد که منشاء همه این تکالیف (یعنی اینکه استاد در صورت شایستگی شاگرد، موظف به معرفی او است، و در صورت عدم شایستگی، موظف به ممانعت او در اقدام به تعلیم می باشد)، این است که استاد و معلم نسبت به شاگرد، به منزله طیب و

پزشک نسبت به بیمار است. استاد باید از هر وقت و فرصتی برای شناسائی دقیق بیماری و مرضی که به اصلاح و درمان و مداوا نیازمند است و نیز به منظور آگاهی از کیفیت درمانی که در خور همان بیماری است استفاده کند و آنرا تحت مذاقه و بررسی قرار دهد.

آداب و وظائف معلم در امر تدریس و جلسه درس

آنچه که تاکنون گفته شد مقدمه ای است برای ورود معلم به کلاس درس و پیش نیاز های اساسی برای موفقیت در امر تدریس است. آنچه که استاد باید در کلاس و جلسه تدریس باید رعایت نماید تا کار تدریس به نتیجه مطلوب برسد مباحث این بخش در بیست و دو مبحث مهم به شرح زیر ارائه می گردد:

۱- توجه معلم به ظاهر و لباس خود

معلم باید با آمادگی کامل و زمینه هائی که نمایانگر وقار و هیبت از نظر لباس و هیئت او می باشد، و با جامه و بدنی پاکیزه وارد جلسه درس شود، و جامه خویش را از پارچه سفید انتخاب و تهیه کند؛ زیرا جامه سفید بهترین و نیکوترین و زیباترین لباس و تن پوش انسان در آداب اسلامی است به لباس فاخر و گرانبها اهمیت ندهد؛ بلکه او باید جامه ای در بر کند که موجب وقار و متانت بوده، و دلهای ناظران را بدو جلب نماید. چنانکه احادیث و نصوصی در باره لباس پیشوایان محافل و مجالس به ما رسیده است (که همه آنها حاکی از آن است که باید اعضاء برجسته هر مجمع و مجلسی، لباسی را انتخاب کنند که وقار آفرین بوده و قلوب مردم را جلب نماید و حتی همه مردم در تمام فرصتهائی که در میان اجتماع بسر می بردند باید از چنان لباسهائی استفاده کنند. او باید به هنگام ورود به جلسه درس، خود را خوشبو ساخته و موی سر و صورت خود را شانه زده و خویشتن را از هر گونه عیب و زشتی و آثار زننده بپیراید. از لباسهائی

نامناسب، تنگ یا غیر معمول استفاده ننماید و به طور کلی لباس استاد باید عاری از هرگونه جلب توجه منحرف کننده دانشجویان از درس باشد.

۲- دعاء و یاد خدا در حرکت به مدرس و شروع به تدریس

آنگاه که معلم می خواهد به قصد تدریس از خانه خود بیرون آید، باید دعائی که از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) روایت شده است، بر دل و زبان جاری سازد، و بگوید:

" بِسْمِ اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ ثَبِّتْ جَنَانِي وَادِرِ الْحَقِّ عَلَيَّ لِسَانِي " به نام خدا، خدائی که حوائج مرا کفایت می کند و مرا بسنده است، خویشتن را به او می سپارم، همه نیروها و جنبش ها تحت ید قدرت خدائی است که والا و بزرگ می باشد، بار خدایا قلبم را پایدار و استوار نگاهدار، و حق را فراوان بر زبانم جاری ساز.

معلم باید از آن لحظه ای که پا از خانه بیرون می نهد و در جهت رفتن به جلسه درس، گام برمی دارد ذکر و یاد خدا را استمرار دهد، و وابستگی خویش را با او حفظ نماید تا آنگاه که وارد جلسه درس گردد. و بالاخره خدای را در این مدت فراموش نکرده و همواره از او برای توفیق خویش مدد جوید. از خداوند متعال، توفیق و یاری خویش را درخواست نموده و از او بخواهد که گام های علمی او را استوار نگاه داشته و وی را از خطاء و لغزش و اشتباه مصون دارد و شروع جلسه درس را با نام و یاد خداوند متعال شروع نماید.

معلم باید قبل از شروع به بحث و کاوش علمی و تدریس به عنوان تبرک و تیمن چند آیه از قرآن کریم را قرائت کرده، و پس از آن برای خود و حاضران جلسه درس و سایر مسلمین دعاء کند، و از شر شیطان مطرود از رحمت پروردگار، به خدا پناه برد.

مثلاً بگوید: " أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ " و نام خدای را با ذکر " بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ " بر دل و زبان جاری سازد، و خدای را با جمله " الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

العالمین" سپاس گوید و بر پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و خاندان و یارانش سلام و درود فرستد، سپس در حق علماء و صلحای درگذشته و پیشین، به ویژه استادان و پدر و مادر خود و حاضران، دعا کند. بعضی از دانشمندان، دعای زیر را از جمله دعاهائی می دانستند که باید قبل از تدریس خوانده شود، و مضمون آن، چنین است: "اللهم إني أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضِلَّ، أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَّ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ أَنْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي، وَ عَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي، وَ زِدْنِي عِلْمًا. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ" خدایا به تو پناه می برم از اینکه گمراه کنم و یا گمراه گردم، بلغزانم و یا بلغزم، ستم کنم و یا ستم بینم، به نادانی کشانم و یا خود دچار آن گردم. بار خدایا مرا با علمی که به من آموختی سودمند گردان، و مرا به علمی رهنمون ساز که مرا سودمند افتد، خدایا بر مراتب علم و آگاهی من بیفز. سپاس حقیقی در تمام حالات از آن خداوند متعال است. بار خدایا به تو پناه می برم از علمی که سودمند نیفتد، و از قلبی که خشوع و نرمی و انعطاف در برابر حق، بدان راه نیابد، و از هوسی که سیر و اشباع نگردد، و از دعائی که اجابت نشود.

۳- حفظ وقار و متانت در جلسه درس

معلم باید با آرامش و توأم با وقار و متانت و تواضع و فروتنی و خشوع و نرمی در جلسه درس حاضر شود. معلم باید در صورت امکان جایگاه خود را در یک سمت و یک جهت مستقر ساخته و دستها را از حرکات بیهوده و بهم پیوستن و در هم فرو بردن، و در صورت عدم احتیاج، چشمها را از نگاههای پریشان حفظ کند و از کثرت مزاح و شوخی و خنده های زیاده از حد پرهیز کند؛ زیرا اینگونه کارها از هیبت معلم می کاهد و حرمت و شکوه او را در معرض سقوط قرار می دهد و احتشام او را از میان برمی دارد و سرفرازی و عزت او را از دلها بیرون می کند.

مزاح و شوخی اگر اندک باشد (و به منظور تجدید نشاط و شادابی شاگردان و زدودن و ستردن فرسودگی خاطر آنها انجام گیرد)، کاری ستوده و پسندیده است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و راهبران و ائمه پس از او که راه را باز یافته اند گاهی برای ایجاد انس میان همشینیانشان و الفت قلوب آنها، مزاح و شوخی می کردند. خندیدن نیز تا همین مقدار با مزاح نزدیک است و می توان برای تجدید نشاط اهل مجلس از آن استفاده کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آنگاه که می خندید دندانهای پسین و کناره او نمایان می گشت، لکن صدا به قهقهه بلند نمی کرد. اعتدال در خندیدن را می توان به تبسم و لبخند تعبیر نمود که شایسته است خنده آدمی از آن حد تجاوز نکند). جدی بودن معلم و حفظ وقار او مانع از این نیست که پاکدل و خوش زبان باشد، و با شاگردان خود مطابق مقتضیات، مزاح نماید. این حالت برای معلم زشت نیست؛ بلکه با رعایت اندازه، مطلوب و پسندیده است. برخی از دانشمندان روحیه مزاح را یکی از صفات ضروری معلم برشمرده اند؛ زیرا معلم، با مزاح های جسته و گریخته خود، می تواند بر بسیاری از مشکلات روزمره فائق گردد و به مدد بهره گیری از حوادث کوچک و سرور انگیز و پی آمدهائی که از ناحیه برخی شاگردان بروز می کند حالت نشاط را در محیط کار خود برانگیزد که خود و شاگردان را از تنگنای برخی حالات غم انگیز برهاند، و نشاطی در خود و شاگردانش برای درس ایجاد کند. اما همانطور که شهید ثانی یادآور شد: نباید مزاح را عادت خود قرار داده و از حد معتدل آن، تجاوز کند. زیرا اگر مزاح از حد خود تجاوز نماید باعث جرات و جسارت شاگردان نسبت به معلم گشته و احترام او را در معرض خطر قرار می دهد و درس او منجر به هرج و مرج شده و اداره جلسه درس و تعلیم شاگردان برای او دشوار می گردد.

۴- طرز توجه و نگاه معلم به شاگردان

معلم باید برای نشستن خود، جایگاهی را انتخاب کند که چهره او برای همه حاضران مجلس درس او نمایان بوده و همه شاگردان و حاضران بتوانند او را ببینند. او هم به نوبه خود بتواند نگاه و التفات ویژه خود را در صورت نیاز و گفتگوی با آنها بدانها معطوف ساخته و سیما و چهره آنها را مشاهده کند. او باید نگاه خود را عادلانه میان همه شاگردان، توزیع نموده، و همه را با نظر و نگاه خود محفوظ گرداند. و آنگاه که با شاگردی گفتگو می کند و یا یک شاگرد، پرسشی با استاد در میان می گذارد، و یا آنکه سرگرم بحث و مناقشه با او است، باید بیش از دیگران به او بنگرد و نگاه ویژه خود را به او معطوف سازد و بدو روی نماید؛ اگر چه این گونه شاگرد، از لحاظ علمی و جهات دیگر در سطح پائین باشد؛ زیرا تخصیص و منحصرساختن التفات و توجه به افراد مترفع، و متشخص، و محدود ساختن نگاه به افراد مشهور، شیوه جباران و ریاکاران است.

شاگردی که نزد استاد به قرائت و خواندن (یا ارائه مطلبی) مشغول است به منزله شاگردی است که با استاد به گفتگو نشست و با او بحث می کند، لذا باید التفات و نگاه ویژه خود را در مورد مطالبی که به درس او مربوط است به او معطوف نماید و برای او چهره بگشاید و به سخنانش گوش فرا دهد.

۵- تعیین ارشد و جانشین خود برای شاگردان

لازم است معلم، فردی با صلاحیت، هوشمند و زیرک را (به عنوان ارشد و سرپرست)، از میان شاگردان تعیین کند تا او مسائل مبهم و پیچیده درس را برای شاگردانی که استاد را کاملا درک نکرده اند بیان کند و همان درس را برای شاگردانی که خواهان تکرار آن می باشند اعاده نماید. بالاخره او باید مرجع و پناهگاه برای عده ای باشد که آنان در پرسش از خود استاد، احساس شرم و حیاء می نمودند و هم اکنون باید بدو مراجعه کنند. تعیین مبصر و خلیفه برای جلسه درس، موجب صرفه

جوئی و صیانت فرصت و وقت گرانبهای معلم، و وسیله ای برای حفظ و نگاهبانی مصالح و منافع شاگردان می باشد.

۶- احترام ویژه به شاگردان بافضیلت و قدردانی از آنها

باید معلم، بیش از آنچه درباره توده مردم، اخلاق و رفتار خوش آیندی را به کار می دارد، نسبت به همنشینان و شاگردان خویش، رفتار خوشی را در پیش گیرد و شاگردانی را که از لحاظ سنی، یا علمی، یا لیاقت و شایستگی، و یا شرافت روحی و امثال آنها، بر دیگران امتیاز و برتری دارند، مورد توقیر و احترام قرار داده و جایگاهشان را در جلسه درس برافزاید، و جایگاه آبرومندی را برای آنان در نظر گیرد و نسبت به سایرین نیز اظهار لطف و محبت نموده و با سلام و درود گرم و صمیمانه و چهره ای گشاده و سیمائی شاداب و قیافه ای متبسم و خندان، مراتب احترام خویش را ابراز کرده و به منظور گرمی داشت مقدم آنها، از جای برخیزد.

هر انسانی علاقه دارد نزد دیگران محترم و محبوب باشد بنا بر این، وظیفه هر انسانی، نشان دادن حسن خلق و محبت و احترام به دیگران است. معلم بیش از دیگران موظف به این امر نسبت به شاگردان می باشد. بهترین صفات اخلاقی معلم این است که نسبت به شاگردان، عاطفه و محبت نشان دهد؛ چون عموماً شاگردان، به توجه و اعمال دلنشین اخلاقی معلم و محبت او شدیداً نیازمند هستند. برای آنکه شاگرد بتواند با معلم انس پیدا کند و بدو اعتماد نماید، باید از محبت و توجه او اشباع شود. وقتی شاگرد از معلم، توجه و محبت و احترام مشاهده نکرد و معلم نسبت به او توهین را روا داشت، از معلم و استفاده از او بیزار می گردد.

شهید ثانی می گوید: باید معلم به این نیاز روانی شاگرد، عنایت داشته باشد و بخصوص هر چه بیشتر، احترام و محبت خود را متوجه شاگردان برجسته مجلس درس خود نماید؛ چون آنها از او انتظار بیشتری دارند و اگر معلم به این حاجت روانی شاگرد

آشنائی داشته باشد و آنرا مورد توجه قرار دهد، می تواند آنرا در مسیر خوبی رهبری کرده و از آن برای امر آموزش بهره برداری نماید:

درس معلم از بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

۷- استفاده از بهترین قواعد و روش تدریس و تفهیم

باید معلم در تدریس خود، راه و روشی را جستجو و انتخاب کند که از رهگذر آن، درس وی با آسان ترین وجه، قابل فهم گردد. او باید حتی الامکان از خوشترین و دلچسب ترین واژه ها و تعابیر، توأم با بیانی آرام و بلیغ و روشن و روشنگر، به منظور تفهیم شاگردان استفاده کند. مطالبی را که از نظر زیرسازی و اهمیت، در درجه اول قرار دارد بر سایر مطالب، مقدم داشته، و مطالب روبنائی را در پی مسائل زیربنائی ایراد کند. در ترتیب مقدمات و زمینه سازی مطالب، تنظیم مسائل بنیادی را برای تحقیق و بررسی موضوع بحث، رعایت کند. آنگاه که باید جمله و عبارتی را قطع و وقف نماید، اندکی سکوت کند. و آنگاه که جمله ها با هم پیوند و ارتباط دارند، پیوستگی کلام و سخن خود را رعایت نماید. در صورتی که همه حاضران جلسه درس و یا برخی از آنها نیازمند به تکرار مشکلات مربوط به محتوی و یا الفاظ و تعابیر درس بودند استاد از تکرار توضیح مربوط به آن دریغ نوزد؛ بلکه باید گزارش آنها را اعاده نماید و آنگاه که بسط و توضیح مسأله ای را به پایان رساند، اندکی سکوت و درنگ کند تا اگر کسی ایراد و سخنی بر آن مطلب داشت آنرا در میان گذارد.

۸- رعایت اعتدال در بیان مطالب

معلم نباید مدت جلسه درس خود را آن اندازه طولانی سازد، و آنچه در شرح و بسط مطالب پرگوئی کند که موجب ملال و فرسایش خاطر شاگردان و یا مانع فهم و

ضبط و به خاطر سپردن درس گردد؛ زیرا هدف از تدریس این است که شاگردان؛ بیان استاد را درک نموده و آنرا به خاطر بسپارند و چون به علت اطاله سخن، ذهن شاگردان، خسته و فرسوده گردد، هدف که عبارت از فهم و ضبط است از میان می رود. معلم نباید درس خود را آنچنان کوتاه و محدود برگزار کند که موجب نقص قسمتی از بیان و تقریر و توضیح، و یا مخل به ضبط و درک شاگردان گردد؛ زیرا مقصود و هدف از تدریس از دست می رود. معلم باید در امر طولانی ساختن درس و یا محدود نمودن و فشرده گوئی، مصلحت و شرائط و اوضاع حاضران و شاگردان را از لحاظ بهره گیری در نظر گیرد. اگر شاگردان او دارای آن مقدار آمادگی باشند که استاد، مطلب را طولانی سازد و تمام شقوق و شاخه های متنوع آنرا بازگو نماید، اطاله سخن و طولانی ساختن جلسه درس بلامانع خواهد بود، در غیر این صورت باید بر حسب شرائط و مقتضیات روحی و علمی شاگردان خویش، وقت را از نظر اطاله سخن و یا عدم آن تنظیم کند.

۹- آمادگی جسمی و روحی برای تدریس

آنگاه که معلم دست اندر کار تدریس می گردد باید از عوارضی که آرامش او را از میان می برد و یا فکر او را دچار تشویش و اضطراب می سازد، کاملاً مصون باشد و در چنین شرائطی اساساً تدریس نکند. برخی از این عوارض عبارتند از: بیماری، گرسنگی، تشنگی، خوشحالی مفرط، اندوه، خشم، بیحالی، خواب آلودگی، پریشان حالی، احساس سرما و گرمای رنج آور. این گونه عوارض، باعث می شوند که معلم نتواند آن طور که شایسته است، بحث و بیان خود را کاملاً تفهیم کند، و هدف مطلوب خود را اداء نماید. و یا موجب می گردد که احیاناً رای و نظر نادرستی را به طور ناخودآگاه ابراز کند. لذا باید معلم در عین تندرستی، و در یک شرائط سالم روحی و در وضعی طبیعی و عادی، به تدریس اشتغال ورزد تا افکار و آراء صحیحی را در اختیار علاقمندان قرار دهد.

۱۰- توجه به فضای جلسه درس و اهمیت هوای آزاد

باید فضای جلسه درس، از هر گونه عوامل آزاردهنده و انگیزه های سرگرم کننده حاضران، از قبیل: دود، گرد و غبار، صدای آزار دهنده که مخمل آرامش است، تابش سوزنده آفتاب، و امثال آنها از عواملی که فکر را به خود مشغول می سازند و مانع از اداء وظیفه مطلوب می گردند، مصون باشد. باید جلسه درس در عین وسعت، از هر انگیزه ای که فکر و اندیشه آدمی را به خود سرگرم می کند و روان انسان را دچار تشتت و پریشانی می سازد، کاملاً محفوظ باشد تا در ظل چنین فضائی گسترده و عاری از عوامل سرگرم کننده، غرض مطلوب و هدف نهائی تدریس تامین گردد.

۱۱- رعایت مصالح شاگردان و مصالح اهم در وقت تدریس

باید معلم در صورتی که ضرورتی مهم و مشقتی فزون از حد در میان نباشد، در تقدیم و یا تأخیر حضور خود در جلسه درس در طی ساعات روز مصالح جماعت شاگردان را مراعات کند. یکی از انواع ضرورت (که معلم احیاناً ناگزیر از تامین آن می گردد) اشتغال به مطالعه و تصنیف و تألیف در اوقات و فرصتهای مناسب می باشد ولی باید توجه داشت که مطالعه و تصنیف، آنگاه بر مصالح جمعی شاگردان مقدم است که از لحاظ اهمیت، بر کار تدریس رجحان داشته باشد، در غیر این صورت باید معلم از لحاظ تعیین وقت حضور برای تدریس مصالح و منافع جمع شاگردان را بر مصالح مربوط به مطالعه و تألیف و سایر اشتغالات شخصی که متأخر بر وظیفه اصلی وی می باشد ترجیح دهد. در صورتی که برای استاد معذورتی پیش آید باید قبلاً شاگردان را مطلع نماید و به نحو مناسب جلسات تدریس مافات را جبران کند. استاد باید توجه داشته باشد عنصر نظم در برگزاری دروس یکی از ارکان مهم در یادگیری و اعتماد دانشجویان به وی می باشد.

۱۲- رعایت تناسب صدا با محیط درس

معلم نباید صدای خود را بیش از اندازه نیاز حاضران، بلند کند و نباید صدایش را آنقدر آهسته و کوتاه سازد که احیاناً برای برخی از حاضران، درست شنیده نشود، به گونه ای که نتوانند کاملاً محتوای سخن او را درک نمایند. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: خداوند متعال، صدای آهسته و کوتاه را دوست می دارد و از صدای بلند و فریاد گونه خشمگین و بیزار است. بهتر این است که بگوئیم: صدای معلم، نباید از فضای جلسه درس به بیرون از محیط درس سرایت کند و در عین حال باید برای حاضران نیز رسا باشد.

۱۳- حفظ نظم و پیشگیری از جدال در جلسه درس

باید معلم، جلسه درس خود را از همهمه و صدا و غوغا صیانت نماید؛ چون لغزش و غلط و خطاء و اشتباه در اثر شلوغی و غوغای کلاس افزایش می یابد. او باید جلسه درس خود را از صدای بلند شاگردان و سوء ادب آنها در مذاکرات علمی، و تشمت و اختلاف جهات بحث، و نیز انحراف مسیر مسئله مورد بحث، به موضوعات و جاهای دیگر پیش از تکمیل آن مسئله حفظ نماید. اگر از سوی یکی از شاگردان، زمینه های انحراف از مسیر موضوع را مشاهده کند، با آمیزه لطف و محبت پیش از آنکه سخن انحراف آمیز او در میان جمع حاضران منتشر گردد، و هیجانی در آنها به وجود آورد، از انحراف او جلوگیری کند. او باید به همه حاضران، نکات و حقایقی را یادآور گردد که نمایانگر قبح و زشتی انحراف مذکور است. به آنها گوشزد کند که چون مقصود و هدف نهائی بحث و مذاکره علمی آنست که دلها و قلوب در جهت اظهار و پدیدار ساختن حق، با هم همبستگی یابد و در سایه آن، ثمرات و فوایدی عائد همگان گردد و میان آنان، صدق و صفاء و نرمش و مدارا حکومت کند و از یکدیگر متقابلاً استفاده نمایند.

باید معلم پس از تذکر و هشدار مذکور، روایاتی را که در نکوهش ستیز و جدال و مناقشه و رقابت بیجا و کینه توزی وارد شده است بر آنان بخواند، که به ویژه در این روایات، ستیزه جوئی و کینه توزی علماء و دانشمندان و اشخاصی که دارای سمت علمی هستند و بر اریکه علم نشاندۀ شده اند، سخت نکوهش و مذمت شده است.

۱۴- ایجاد انضباط و حس مسئولیت اخلاقی در شاگردان

اگر معلم ملاحظه کرد که یکی از شاگردان در بحث و گفتگو، از حد و مرز موضوع و یا موازین اخلاقی، پا فراتر می نهد، و یا از خود، سرسختی و کینه توزی و بی انضباطی و سوء ادب نشان می دهد، و یا پس از اثبات و ظهور حق و حقیقت، منصفانه داوری نمی کند، و یا بی جهت بانگ می زند و فریاد سر می دهد، و یا به حاضران و غائبان جسارت و اسائه ادب می کند و یا نسبت به کسی که لایق تر از او است در نشست، تفوق و برتری می جوید، یا در جلسه درس به خواب می رود، و یا در حین درس با دیگران صحبت می کند، و یا می خندد، و یا یکی از حاضران را به استهزاء می گیرد، و بالاخره مرتکب عملی می گردد که دور از نزاکت و انضباط مربوط به جلسه درس می باشد، و رفتارش به هیچ وجه در خور یک محصل و دانشجو نیست، باید معلم شدیداً از این گونه اعمال نابخردانه او به انحاء مناسب ممانعت به عمل آورد.

۱۵- رفق و مدارا در مورد کیفیت پاسخ به پرسشهای شاگردان

باید همواره معلم با شاگردان، مدارا و همراهی کرده، و رفق و نرمی با آنها را از دست نداده، و به پرسشهای آنها گوش فرادهد. اگر ملاحظه کرد که شاگردی با وجود اینکه معنی و مقصود مطلب را درک کرده؛ ولی به علت حجب و حیاء و قصور و نارسائی معلومات و نقص بیان نمی تواند اشکال و ایراد خود را به خوبی بیان کند، و بیان او در تعبیر از مقصودش نارسا به نظر می آید باید معلم که مقصود او را درک نموده است،

نخست منظور او را بیان کرده و سپس وجه اشکال و ایرادش را بازگو نماید، و پاسخ لازم را به میزان اطلاعات خویش توضیح دهد.

اگر معلم متوجه شد که مطلب و منظور او از بحث، بر شاگرد، مشتبه شده و به همین جهت به آن مطلب اشکال می کند، باید از شاگرد، راجع به موارد و شقوق احتمالی موضوع سخن او که احتمالاً ممکن است آنها را اراده کرده باشد پرسش نماید و به او بگوید: آیا می خواستی چنین چیزی را بیان کنی؟ اگر جواب او مثبت بود و گفت: هدف من نیز همین بوده است، باید معلم پاسخ آنرا بیان کند. و اگر بگوید که من چنین منظوری نداشتم، احتمالات دیگر را بازگو کند و تا آن مقدار به پرسشهای خود از شاگرد درباره این احتمالات ادامه دهد تا سرانجام به هدف و مقصود او برسد و پاسخ لازم را برای او بیان نماید. اگر شاگرد از یک مطلب بسار بدیهی سؤال نمود، معلم نباید او را تحقیر و استهزاء کند؛ زیرا هر معلمی ناگزیر است به هرگونه پرسش معصومانه و بی غرض، پاسخ دهد. در صورتی که شاگردی مطلبی را برای استهزاء استاد یا دیگران بیان نمود استاد باید با بزرگواری و استدلال همراه با تنبیه جواب او را بدهد تا از کرده خود پشیمان گردد.

۱۶- محبت و التفات معلم و گشاده روئی او نسبت به شاگرد تازه وارد

اگر شخص تازه واردی در جلسه درس شرکت کند، باید معلم به او اظهار محبت کرده و با انبساط و گشاده روئی از او استقبال نماید تا بدین وسیله موجبات نشاط و شرح صدر او را فراهم آورد؛ چون هر شخصی غریب و تازه وارد - به ویژه در حضور علماء و دانشمندان - دچار دهشت و هیبت زدگی می گردد. باید معلم از طریق اظهار محبت و گشاده روئی، این ترس و هیبت زدگی را از دل او بیرون کند.

۱۷- وظیفه معلم، همزمان با ورود عالم و دانشمند به جلسه درس و گفتگوی علمی اگر فرد عالم و فاضلی به جلسه درس روی آورد، و استاد هم همزمان با ورود او، سرگرم شروع به تدریس مسأله ای باشد، (باید برای تجلیل از وی) از ادامه بحث در آن موضوع خودداری کرده و درنگ نماید. اگر ورود این شخص تازه وارد، همزمان با ادامه بحث در آن مسئله، اتفاق افتد (یعنی آن عالم و یا شخص غریب در اثناء بحث از مسئله ای، وارد جلسه شود) باید استاد، مسئله بازگو شده و یا مقصود و خلاصه و فشرده ای از آنرا برای تازه وارد تکرار و اعاده کند و اگر همزمان با تتمه و پایان گرفتن درس، وارد مجلس بحث و مذاکره گردد، و نیز هنوز جماعت حاضران، از جای برنخاسته و متفرق نشدند، باید تتمه گفتگوی خود را رها کرده، وارد بحث دیگری گردد، و موضوع بحث را تغییر دهد تا آنگاه که این عالم و دانشمند تازه وارد، جلوس کند. پس از آنکه مهمان نشست، مطالب گفته شده را اعاده کند و یا تتمه بحث و مذاکره خود را تکمیل نماید. اجراء چنین وظیفه اخلاقی برای این است که دانشمند تازه وارد در حین جلوس خود با قیام و متفرق شدن حاضران، مواجه نگردد و در نتیجه، دچار خجلت و شرمندگی نشود.

۱۸- اعتراف به عجز و ناتوانی در مسائلی که به آنها احاطه ندارد

یکی از مهمترین وظائف معلم این است که وقتی از او درباره موضوعی سوال کردند که بدان احاطه و آگاهی ندارد، و یا آنکه در ضمن تدریس به مسئله ای برخورد کند که فاقد اطلاع و آگاهی در آن باشد، باید به عجز خود اعتراف نموده و بگوید: از آن اطلاعی ندارم، یا باید بگوید: درباره آن تحقیق نکرده ام و به طور کامل از آن آگاهی ندارم، و یا آنکه صریحاً بگوید: نمی دانم، یا بگوید: باید درباره آن تجدید نظر کنم. و بالاخره از اعتراف به عجز و ناتوانی در این گونه موارد استنکاف ننماید. یکی از نشانه های دانش انسان عالم و دانشمند این است که در باره مسائلی که از آن آگاهی درستی ندارد، بگوید: نمی دانم، و خدا بدان عالم تر است.

علی (علیه السلام) فرمود: وقتی از شما راجع به چیزی سؤال کردند که علم و آگاهی درباره آن ندارید، راه فرار و گریز را در پیش گیرید. عرض کردند: این فرار و گریز چگونه است؟ فرمود: بگوئید: خدا بهتر می داند. از زراره بن اعین روایت شده است که گفت: از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم حق خداوند بر بندگانش چیست؟ فرمود: آنچه می دانید به مردم بگوئید، و در باره چیزهایی که نمی دانید سکوت و توقف و درنگ نمائید. امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند متعال، بندگان خویش را به دو آیه از کتاب آسمانی، و دو نشانه قرآنی، هشدار داده و آنها را سرزنش فرموده است:

الف- درباره مطالبی که علم آگاهی و اطلاع درباره آنها ندارند، سخنی نگویند.

ب- مطالبی را که راجع به آنها، فاقد علم و آگاهی صحیح هستند مردود نسازند.

عبدالله بن مسعود می گفت: اگر از هر یک از شما راجع به چیزی که نمی دانند، و درباره آن علم و آگاهی ندارد، پرسشی کردند باید بگویند: نمی دانم؛ زیرا نمی دانم، یعنی اعلام به عدم آگاهی در مسائلی که انسان بدانها احاطه ندارد، یک سوم علم و دانش و دانائی انسان به حساب می آید. باید به این نکته نیز توجه داشت که اگر یک عالم و استاد در باره موضوعات و مسائلی که اطلاع علمی از آنها ندارد، بگوید: نمی دانم این اعتراف علاوه بر آنکه از مقام و موقعیت علمی او نمی کاهد، بر والائی و احترام او می افزاید، و شکوه و عظمت شخصیت او را در دلهای مردم، فزاینده تر می سازد.

۱۹- تذکر لغزش و اشتباه، قبل از پایان یافتن درس

اگر معلم به طور ناگهانی متوجه بیان یا پاسخ صحیحی گردد، باید هر چه زودتر پیش از آنکه شاگردان و حاضران، متفرق شوند آن بیان و پاسخ صحیح را تذکر دهد و به آنان بفهماند که قبلاً در توضیح و یا پاسخ مطلب، دچار اشتباه گشته و سخن نادرستی را ابراز کرده بود. نباید شرم و حیاء و خودخواهی و امثال آن، مانع چنین پیشگیری و تدارک اشتباهات او شود. هوای نفس (و تمایلاتی که از جاه طلبی ریشه

می گیرد) نباید او را وادارد که این پیشگیری را به تاءخیر انداخته و جبران اشتباه و لغزش خود را به فرصتها و جلسات دیگری موکول سازد؛ زیرا تأخیر در جبران لغزشها، نتیجه خدعه و نیرنگهای نفسانی و بازده القانات ابلیس ملعون است. اگر یک استاد در جبران لغزشها و تدارک اشتباهات خویش، تأخیر و تعویق و مسامحه را به هر علت روا دارد، به جهات متعددی، زیانهای عظیمی را به بار خواهد آورد:

الف- اشتباه و لغزش استاد در مغز و دل دانشجویان، جایگیر شده و پایدار می ماند.
ب- با چنین تعویق و سهل انگاری، ناگزیر، شرح و بیان مطلب، از موقع و زمان ضروری خود به تأخیر می افتد و بعداً زمان بیشتری را برای رفع اشتباه طلب می نماید.

ج- اگر استاد، همزمان با ادامه تدریس، به جبران اشتباهات خویش در همان جلسه تدریس، اقدام نکند و آنرا به جلسات دیگر موکول سازد، این بیم وجود دارد که برخی از حاضران جلسه درس، در جلسات دیگر شرکت نکنند. نتیجه چنین تأخیری آنست که مبانی غلط و اشتباهات علمی در ذهن آنان استقرار و استمرار یافته و به صورت یک مطلب صحیح علمی در میان افکار و آراء آنها جای خویش را باز کرده، و این درک غلط و نادرست تا ابد در ذهن آنها باقی بماند و بعداً نیز به این اشتباه استاد واقف گردد که این خود باعث سلب اعتماد از آن معلم و سایر معلمین می گردد.

د- استاد به خاطر تأخیر بیان و تدارک اشتباه (و تداوم لغزش) خویش، مطیع شیطان خواهد شد، شیطانی که به اشتباهات خود استمرار داده و در تداوم لغزشهای خویش اصرار می ورزید. سرانجام، چنین استادی با این کار، شیطان را برای فریبائی به طمع می اندازد تا دوباره به سراغ او بیاید. و همین طور این اشتباه و طمع شیطان ادامه پیدا می کند و استاد را به تداوم در اشتباه و تأخیر در جبران آن وا می دارد. اگر استاد - فی المجلس - وظیفه

خویش را در جبران اشتباهات، اداء کند، در وجود و شخصیت شاگردان خویش، ملکه و نیروی شایسته ای را فراهم می آورد که پی آمد آن، خیر و نیکی عظیمی خواهد بود. باید دانست که منشاء به ثمر رسیدن این خبر و برکت، همان استادی است که اشتباه خود را اظهار کرده و به حق و حقیقت رجوع و بازگشت نموده است.

۲۰- اعلام به پایان یافتن درس و ذکر نصایح اخلاقی و دعا

معلم باید به هنگام پایان یافتن درس و یا آنگاه که می خواهد درس را به پایان رساند، با بیان و گفتاری که از پایان یافتن درس حکایت می کند، ختم جلسه درس را اعلام کند. البته این اعلام در صورتی است که شاگرد، متوجه پایان یافتن درس نگردد. مثلاً بگوید: درس ما در اینجا به پایان می رسد و بقیه مطالب را ان شاء الله در جلسه دیگر بیان خواهیم کرد.

معلم باید در خاتمه درس خود، نکات ظریف اخلاقی و حکمت ها و اندرزها و مطالبی را که قلب و اندرون انسان را تصفیه و پالایش می کند به شاگردان القاء نماید تا شاگردان خالصانه و همراه با خشوع و انعطاف درونی، و تواضع و خلوص نیت و صفای باطن، از جلسه درس خارج شوند، زیرا بحث صرف و مذاکره علمی خشک، و عاری از مسائل عاطفی و اخلاقی، نیروئی را در دل ها به هم می رساند که گاهی از قساوت و سخت دلی سر برمی آورد و می دانیم هیچ انگیزه ای بهتر و شایسته تر از نصایح اخلاقی معلم آنهم به هنگام فراغ از درس نیست.

باید معلم، مجلس درس را همان گونه که با دعاء آغاز کرد با دعاء نیز پایان دهد؛ بلکه دعاء به هنگام پایان گرفتن درس، شایسته تر، و به منظور اجابت و وصول به هدف، نزدیک تر است؛ چون شاگردان (به خاطر اینکه در یک فضای علمی به سر می بردند، و از چنین جوی استنشاق کردند) زیر پوشش رحمت الهی قرار گرفته و برای دریافت

پاداش الهی، آمادگی و ویژگی یافته اند. باید دعای معلم و شاگرد، شامل حال پیشوایان دینی و علماء در گذشته بوده، و همه جامعه های اسلامی و تمامی مسلمین را در بر گیرد. معلم و شاگرد باید دارای خلوص نیت بوده و تمام رفتار خود را به خاطر خدا و در جهتی قرار دهند که به خدا منتهی گردد تا اعمال و رفتار آنان، شایسته جلب مراتب رضای پروردگار باشد.

در حدیث آمده است که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) مجلس خویش را با دعاء به پایان می برد. و در این باره حدیثی مسلسل وجود دارد که مشهور است. و نشان می دهد که آن حضرت، جلسه خود را با دعاء، ختم می فرمود. متن حدیث این است: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آنگاه که از گفتگوی با یاران خود فراغت می یافت و می خواست از جای برخیزد، می فرمود: "اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا أَخْطَأْنَا وَمَا تَعَمَّدْنَا وَمَا اسْرَرْنَا وَمَا أَنْتَ أَغْلَمُ بِهِ مِنَّا. أَنْتَ الْمَقْدِمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ" خدایا از ما در گذر نسبت به گناهایی که اشتباها مرتکب شدیم و یا عمدأ و از روی قصد دچار آنها گشتیم، و از خلافهایی که در نهان انجام دادیم، و بالاخره از هر گناهی که تو نسبت به آنها از ما عالم تر و آگاه تر می باشی درگذر. خدایا تو پیش می اندازی و توئی که تأخیر ایجاد می کنی، جز تو هیچ معبودی شایسته پرستش و در خور بندگی نیست.

۲۱- درنگ نمودن در جلسه درس پس از پایان گرفتن آن

باید معلم پس از برخاستن حاضران، اندکی در جایگاه خود درنگ نماید؛ زیرا در این کار، برای معلم و شاگردان و حاضران، فوائد و نتایج سودمند و آداب و آئین هائی به ثمر می رسد که همه آنها به معلم و شاگرد عائد می گردد:

الف- اگر در خاطر یکی از شاگردان، تتمه و بقایائی از پرسشی، ناگفته مانده باشد بتواند آنرا در این فرصت کوتاه و در پایان درس، با استاد در میان گذارد؛ لذا بهتر است استاد، دیرتر از جای خود برخیزد.

ب- ممکن است برای یکی از شاگردان، حاجت و نیاز و مطلبی مانده باشد که از بازگو کردن آن پیش از فراغ استاد از درس خودداری کرده باشد، باید معلم درنگ نماید تا نیاز و مطلب خود را برای او باز کند.

ج- معلم به وسیله درنگ در جلسه درس به هنگام خروج از محل درس برای شاگردان، ایجاد مزاحمت نکرده و موجبات ناراحتی و تکلف را برای آنها فراهم نمی آورد. و نیز اگر معلم پیش از شاگرد از محل درس خارج شود، بانگ و صدای کفش مشایعین و شاگردان که پشت سر استاد حرکت می کنند ممکن است حالتی دگرگونه در او به وجود آورد که خود آفتی عظیم و خطرناک (از لحاظ ایجاد عجب و غرور) به شمار می رود.

د- اگر معلم دارای مرکب و وسیله نقلیه باشد، در جمع شاگردان بر آن سوار نمی شود که سبب تفاخر باشد. فوائد دیگری نیز بر این امر مترتب است که قهرا با درنگ نمودن معلم در جایگاه خویش، عائد او و شاگردانش می گردد.

۲۲- دعاء به هنگام برخاستن از جلسه درس

آنگاه که معلم از جای خود برمی خیزد، بهتر است دعای مناسبی را بخواند. گویند: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به هنگام برخاستن از مجلس خویش، سه آیه از قرآن کریم را تلاوت می فرمود: "سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَالسَّلَامُ عَلَي الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" (الصافات ۱۸۲-۱۸۰) همان گونه که هنگام برخاستن از جلسه درس، تلاوت این سه آیه برای عالم و دانشمند، مستحب است برای هر کسی هم که از مکانی بر می خیزد، خواندن آن ها مستحب و مطلوب است؛ ولی درباره عالم و معلم در مجلس درس، خواندن این سه آیه، مستحب مؤکد می باشد.

آداب و وظائف معلم در اشتغالات علمی

اشتغالات علمی آن فعالیت‌هایی است که در طول شبانه روز فارغ از عبادات و امور مباح برای رشد علمی توسط معلم باید انجام گردد تا همواره آماده و به روز باشد. در صورتی که مداومت در یادگیری نباشد دانسته‌ها به فراموشی سپرده می‌شود و چه بسا معلم از قافله رو به رشد علم فاصله می‌گیرد تا بدانجا که شأن و منزلت علمی خود را از دست می‌دهد. لذا باید همواره در یادگیری و رشد علمی و معنوی خود بکوشد. این یادگیری از طریق مطالعه، تفکر و بحث‌های علمی با دیگران حاصل می‌گردد. مهمترین مواردی که معلم در این زمینه باید به کار گیرد به شرح زیر است:

۱- مداومت و استمرار بحث و اشتغالات علمی

باید معلم در اشتغالات علمی اعم از خواندن، مطالعه، نگارش، مباحثه، مذاکره، تفکر و تدبیر، حفظ و امثال آنها همواره کوشا باشد. باید ملازمت و همبستگی با اشتغالات علمی را مطلوب خویش برشمرده و آنرا سرمایه زندگانی خود تلقی نمایند و حتی الامکان به کارهای غیرعلمی یعنی به امور دنیوی سرگرم نشود، مگر به قدر نیاز. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند عز و جل گوید: مذاکرات و گفتگوهای علمی در میان بندگانم به شرط آنکه این مذاکرات، آنان را به امر و فرمان و شناخت من، رهنمون باشد از عواملی است که می‌تواند قلبهای مرده و دل‌های خفته را زنده و بیدار سازد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: خدای بیامرزا، بنده ای را که علم و دانش را حیات بخشیده و آنرا زنده کرده است. عرض کردند: کیفیت احیاء علم چیست؟ فرمود: به این صورت است که دینداران و افراد باتقوی از طریق مذاکره و گفتگوهای علمی، به علم و دانش، روح تازه ای ببخشند و آنرا احیاء نمایند از همان امام (علیه السلام) نقل شده

است که فرمود: مذاکره و گفتگوهای علمی به عنوان درس و بررسی است، و درس و بررسی و مطالعه، به عنوان نماز و عبادتی نیکو به شمار می آید.

۲- خودداری از جدال و ستیزه جوئی در بحث

پرسشهایی که معلم و یا شاگرد مطرح می سازند نباید به منظور آزار رساندن و وانمود ساختن عجز و ناتوانی و طعنه زدن به شخصیت علمی طرف باشد؛ بلکه باید به صورت پرسش شاگرد باشد که برای خدا از معلم به منظور فراگیری و کسب اطلاع سؤال می کند. همچنین پرسش معلم از شاگرد باید به منظور ارشاد به حقیقت و واقعیت باشد و خدا را در این مسیر در مد نظر گیرند و همدیگر را به خیر رهنمون سازند. یعنی طرفین باید از سؤالهای خود ارشاد و راهنمایی و راه یابی را در نظر گیرند. با چنین شرائطی است که هدف عالی تعلیم و تعلم، پدیدار شده و شجره علم، رشد خود را آغاز نموده و نهال آن بارور می گردد. اما اگر هدف پرسش کننده صرفاً عبارت از خودنمایی و ستیزه جوئی باشد و بخواهد از راه سؤال پیچ کردن، غلبه و پیروزی خویش را به رخ دیگران بکشد، این روش و چنین هدف گیری ها در جان و دل انسان نیروهای پست و فرومایه و عادات پلیدی را به ثمر می رساند، عاداتی که خشم خدا را بر می انگیزد.

علاوه بر اینکه مرء و جدال، موجب فرومایگی روح و جلب خشم الهی می گردد، مفاسد و معاصی متعدد دیگری را برای انسان به ارمغان می آورد که این معاصی و مفاسد عبارتند از: آزار رساندن به طرف مقابل، نادان و بی سواد قلمداد کردن او، خدشه دار ساختن او، خودستایی، پاکیزه انگاری خویشتن، و امثال آنها از رفتارها و حالاتی که از گناهان گرانبار و از عیوبی به شمار می آیند که در سنت و راه و رسم دین مقدس اسلام به سختی از آنها نهی شده است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: با برادر ایمانی خود به جدال و ستیزه برنخیز، و با او مزاح و شوخی مکن، و وعده ای را که به آن وفا نمی کنی با او در میان نگذار. و نیز فرمود: اگر کسی از ستیزه و جدال خودداری کند و با وجود اینکه خود را ذیحق می داند از درگیری در سخن صرف نظر نماید، خانه و سرای آرام بخشی در قلعه های رفیع بهشت برای او بناء و مهیا می گردد و اگر کسی از جدال خودداری نماید برای او سرائی در کرانه و پیرامون و یا میانه بهشت بنا می شود و همو فرمود: جدال و ستیزه جوئی را کنار بگذارید؛ زیرا حکمت آنرا باز نمی یابی و نیز از فتنه و آشوب و آفات آن در امان نمی مانی. یعنی هیچکس حکمتی را از لابلای جدال و ستیزه جوئی به دست نیاورده و نیز از آفات آن در امان نمانده است. و نیز فرمود: هیچ بنده ای از بندگان خدا به تکمیل حقیقت ایمان خود توفیق نمی یابد مگر آنگاه که با وجود ذیحق بودن دست از نزاع و درگیری (و خودنمائی) بردارد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: جدال و ستیزه جوئی، یک بیماری پنهان و غداری می باشد. در انسان، هیچ خصلتی بدتر از آن وجود ندارد. ستیزه جوئی، مشخص خوی ابلیس و نسبت او است. هیچ فردی در هیچ حالتی گرفتار آن نمی گردد مگر کسی که از خودشناسی و مردم شناسی بی بهره، و از شناخت حقایق دین، محروم است. برای فرار و گریز از جدال و ستیزه بیجا، لازم است که انسان از اعتراض و انکار هر سخنی که می شنود چشم پوشی کند. اگر سخن کسی بر اساس حق و حقیقت مبتنی باشد باید قلباً آنرا تصدیق و تایید کرد، و در صورت نظرخواهی، صدق و راستی و درستی آنرا اظهار نمود. اگر سخن کسی به ناحق و باطل باشد و این سخن با امور مربوط به دین، پیوندی نداشته باشد، فرد باید سکوت را پیشه خود سازد. البته این در صورتی است که شرائط لزوم عمل و اداء وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در مورد آن سخن باطل، فراهم نیامده باشد که در آن صورت عمل به وظیفه واجب می گردد.

۳- یادگیری و تحصیل علم و در همه احوال

معلم نباید از یادگیری و استفاده علمی از افرادی که در مقام و منصب و سن و شهرت و دینداری و یا علوم و دانشهای دیگر، پائین تر و پست تر از او هستند، استنکاف ورزد، بلکه باید از هر کسی که استفاده علمی از او امکان پذیر است، بهره و فائده ای به دست آورد. والائی مقام و شهرت آنان نباید مانع از آن شود که در استفاده و بهره گیری از افراد پائین تر از خود در مسائلی که در آنها آگاهی کافی ندارد دریغ کند، چون این حالت، موجب می شود که در سوداگری علمی خویش دچار زیان گشته، و مراتب علم و آگاهی آنها رو به نقصان گذارده، و مشمول خشم و غضب پروردگارشان واقع شود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: حکمت و دانش و سخن حکیمانه، گمشده افراد باایمان است. یک فرد باایمان آنگاه که علم و حکمت را در هر جا بیابد در فرا گرفتن دست یازی به آن، از همه افراد دیگر شایسته تر و سزاوارتر میباشد زراره (بن عیین) و محمد بن مسلم، و برید عجلی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: از آن جهت جامعه و مردمی مورد تهدید انحطاط و نابودی هستند و هلاک می گردند که از سؤال کردن امتناع ورزند، یعنی هلاک آنها به خاطر این است که پرسش نمی کنند و نیز همو فرموده است: بر در این علم و دانش (انسان ساز و الگوپرداز)، قفلی است که کلید آن، سؤال و پرسش می باشد.

۴- انعطاف و تسلیم بودن در برابر حق

اصرار معلم در عدم پذیرش حق ولو از فردی کوچکتر عبارت از نوعی کبر و خودبزرگ بینی است که در پیشگاه خداوند، سخت مذموم و نکوهیده می باشد و موجب طرد و دوری انسان از رحمت خداوند متعال می گردد. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که ذره ای کبر و خود بزرگ بینی در دل او وجود داشته باشد، به بهشت و سرای نیکبختی راه ندارد. بعضی از یاران آن حضرت عرض کردند: یا رسول

الله، بر اساس این معیار، راه نجاتی نخواهیم داشت، بلکه هلاک و نابودی و بدبختی ما را تهدید می کند! چون برخی از ما مردم به کفش خوب و جامه زیبا و فاخر، احساس علاقه و دل بستگی می نمایند (و می خواهند با جامه زیبا و پافزار خوب، زندگانی کنند!) پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: این نوع علاقه و دل بستگی، کبر و خودبزرگ بینی نیست؛ بلکه کبر و خودبزرگ بینی عبارت از: "بَطْرَ الْحَقِّ وَ غَمُضَ النَّاسِ" یعنی عدم اعتراف به حق، و حقیر شمردن مردم می باشد.

۵- آمادگی قبلی معلم برای درس

پیش از آنکه معلم، درس خود را آغاز کند، باید در مورد درس خود، دقت و تأمل نماید، و آن را به صورت روشن و پاکیزه ای آماده سازد تا از شتاب زدگی و لغزش و تصورات واهی و واژگونی درک و فهم، مصون باشد. و بدین طریق (عادت به دقت در مورد مطلب و یا سؤال) به صورت نیروی شایسته ای برای او درمی آید (تا همواره در مورد تدریس و یا سؤال خویش، با اندیشمندی و سنجش فکری، خوی گیرد). و گرنه اگر به شتابزدگی در پرسش و پاسخ عادت کند، اشتباهات و لغزشهای او رو به فزونی گذاشته، و عیب و نقص وی گسترش یافته، و اشتباه ایشان آشکار و برملا می شود؛ و در نتیجه در محیط خود، به عنوان فردی لغزنده و اشتباه کار و شتاب زده معروف می گردد. به ویژه اگر هم نشینانی بد سیرت در محیط بسر برند، هم نشینانی که معلم بیمناک است که مبدا رفتار نسنجیده او را دستاویز و بهانه ای برای انتقاد و عیب جوئی قرار دهد و حالات نابسامان او را نزد حسودان و رقیبان، به عنوان ویژگی و نمودار شخصیت آنها معرفی نماید.

گفتار سوم

پویه جهانی اخلاق در آموزش

در نوشتار حاضر که عمدتاً از دو منبع انتشار یافته از یونسکو^۱، تلخیص شده است، نحوه آماده سازی و به کارگیری عملی کدهای اخلاقی معلمان در ایالت انتاریو کانادا، بررسی ضعف اخلاقی در سیستم آموزشی کشورهای بولیوی، اوگاندا و آذربایجان و همین طور بررسی وضعیت کدهای رفتاری معلمان در کشورهای هند و نپال و بنگلادش آورده شده است. در بخش آخر نیز به فراخور هدف و حجم مطالب مورد انتظار این مجموعه، دو نمونه از کدهای اخلاقی تعریف شده مربوط به انجمن ملی آموزش امریکا (NEA) و منشور اخلاقی و اصول رفتار حرفه ای آموزش در فلوریدا اضافه گردیده است.

۱- سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (UNESCO)

نقش کدهای اخلاقی معلمان

مطالعاتی که موفقیت‌های آموزشی را ارزیابی می‌کنند، اغلب درون داد، برون داد، روند و محصول نهایی را در ارتباط با وضعیت سطح آموزش، تجارب معلمان و رابطه معلم و دانشجو مطالعه می‌کنند. اما سیاستگذاران اغلب به پایبندی معلمان و پرسنل به اخلاق حرفه ای، سیستم شفاف جمع آوری اطلاعات و قضاوت قابل اعتماد در امور مربوط به ایشان توجهی نمی‌کنند. حال آنکه رفتارهای ناشایست در اشکال بسیاری می‌تواند از عملکرد صحیح آموزش و یادگیری جلوگیری نماید. اینها می‌تواند شامل درخواستهای غیر متعارف برای هزینه امتحان یا ثبت نام، غیبت معلم از مدرسه، نشت برگه های امتحانی، رابطه غیر متعارف معلم و دانشجو برای کسب منافع شخصی یا هزینه نادرست منابع مالی مؤسسه باشد.

هزینه رفتارهای غیر اخلاقی می‌تواند بسیار گزاف باشد از جمله آنکه معلمینی که رفتارهای غیر اخلاقی از آنها سر می‌زند نمی‌توانند ارزشهای جهانی نظیر اخلاق و صداقت و یا دارا بودن هویت یکپارچه را به شاگردان بیاموزند. در مواجهه با عملکرد نادرست افراد، بسیاری از کشورها کدهای رفتاری در بخش آموزش تدوین نموده اند. در بین اهداف اصلی ایشان موارد زیر را می‌توان برشمرد:

- فراهم کردن یک مجموعه از استانداردهای اخلاقی که همه افراد به آن معتقد باشند.
- افزایش پایبندی به اصول حرفه ای.
- تدوین یک مجموعه راهنما برای افراد که بتوانند از فرآیند خود تنظیمی استفاده کنند.

بدین ترتیب با تأکید بر مسئولیتهای اجتماعی معلمان، اعتماد جامعه نیز به حرفه معلمی تقویت خواهد شد و با بهبود محیط آموزش، کیفیت آموزش نیز به نحو

چشمگیری ارتقاء می یابد. مدل به کار رفته برای تدوین این کدها از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در برخی موارد این کدها برای همه شاغلین حرفه آموزش تدوین شده و در برخی دیگر فقط برای معلمان آماده شده است. در برخی موارد از نظر صاحب نظران کلیدی مثلاً مسئولین وزارتخانه مربوطه (بنگلادش، هند و نیپال) در برخی دیگر از بدنه اعضاء (هنگ کنگ) و در برخی دیگر از خود معلمان (ایالت انتاریو کانادا) استفاده شده است. در مجموعه این کدها معمولاً مباحثی نظیر پذیرش در مؤسسه، مدیریت معلمان، شرایط خدمت معلمان و پرسنل، امتحانات، روشهای ارزیابی و اخذ مدرک و مانند آن، پوشش داده شده است.

در برخی کشورها نیز کمیته ای غیر دولتی تشکیل شده است (کمیته اخلاق حرفه ای در هنگ کنگ). این کمیته و آنچه در ایالت انتاریو تحت عنوان فدراسیون معلمان انتاریو تدوین نموده اند نقش راهنما داشته است ولی در ابتدا قدرت اجرایی در موارد بروز اعمال نادرست نداشته است. از موارد استثناء می توان به کمیته عمومی معلمان در اسکاتلند اشاره کرد که اجازه لغو مجوز معلمی را دارد.

استانداردهای حرفه معلمی در ایالت انتاریو کانادا

در تنظیم کدهای رفتاری در آموزش اغلب این دولت است که با تنظیم قوانین و مقررات کدها را تنظیم و جهت اجراء به بدنه آموزش ابلاغ می کند. در بعضی حرفه ها (نظیر پزشکان، وکلا و مهندسين) معمولاً انجمن ها هستند که کدها را تعیین می کنند. دولت انتاریو در کانادا برای ایجاد این استانداردها راه دوم را با تشکیل کالج معلمان انتاریو^۱ برگزید. این کالج دو مجموعه استاندارد پدید آورد:

الف- اول استانداردهای پرداختن به حرفه معلمی را آماده کرد. در یک دوره شش ماهه حدود ۶۰۰ نفر در این فرآیند مشارکت نمودند. ۲۱ گروه هدف شامل معلمان، دانش آموزان، مدیران، افراد عامی تعیین شدند. دو تیم نویسنده و دو تیم مصاحبه کننده این سؤال کلیدی را از ایشان پرسیدند که: " معلم بودن چه معنایی دارد؟" به طور مشروح تر این سؤال شامل موارد زیر بود:

۱. کاربرد استانداردهای حرفه ای چیست؟
۲. چه میزان مهارت و دانش و ارزش باید در این استاندارد وجود داشته باشد؟
۳. معلمان باید شبیه چه باشند؟
۴. این استانداردها چگونه باید نوشته شوند؟
۵. مفهوم معلمی چگونه باید با والدین و سایر افراد جامعه مورد تبادل نظر قرار گیرد؟

با جمع آوری این داده ها یک پیش نویس تهیه گردید و به کمک آن نهایتاً در ۱۹۹۹ این مجموعه آماده شد که شامل پنج استاندارد مرتبط بود:

- دانش حرفه ای
- حرفه معلمی
- رهبری و جامعه
- یادگیریهای مستمر حرفه ای
- استانداردهای اخلاقی برای حرفه معلمی

ب- استانداردهای اخلاقی (همان بخش آخر از استانداردها) به طور موازی با استانداردهای عملی تهیه گردید. هدف این استانداردهای اخلاقی که در ماه ژوئن سال ۲۰۰۰ پس از آماده سازی ۳ پیش نویس، یک کارگاه عملی و نظر سنجی کامل از اعضاء از طریق وب سایت آماده شد، موارد زیر بود:

- تشریح اخلاق حرفه ای
- تشویق بهبود رفتارها که نشان دهنده هویت و ارزش حرفه باشد
- تشویق و تأکید بر بخشی از کدهای رفتاری که آموزش را مؤثرتر و نتیجه آنرا تقویت می نمایند

پس از آماده سازی کدها یک برنامه اجرایی دو ساله تهیه شد و به مدارس ابلاغ گردید. چندین کمیته در کالج جهت نظارت بر اجراء برنامه تشکیل شد. کمیته قانونی بر اعمال غیر قانونی یا عملکرد نادرست اعضاء براساس مقررات تدوین شده نظارت می کرد. تا اکتبر ۲۰۰۳ کالج ۱۴۲ نفر را شایسته مجازات تشخیص داد و اجازه کار ۸۰ نفر را لغو و درمورد ۶۲ نفر دیگر مواردی از مجازاتهای مختلف را تعیین نمود. به طور خلاصه این تجربه نشان داد که در آماده سازی استانداردها معلمین باید در تعیین استانداردهای اولیه دخالت داشته باشند و در فاز اجراء و فراهم کردن منابع شامل نوشتاری و پوسترها و تهیه ویدئو نقش فعالی داشته باشند تا مکانیزمی پیوسته و پویا در تکامل و بهبود استانداردها شکل گیرد.

عضویت در این کالج برای همه معلمینی که به مجوز کار در مدارس دولتی نیاز داشتند اجباری بود. ارزیابی شغلی همچنان بر عهده کارفرما (مؤسسه آموزشی) بود. این کالج مستقل از وزارت آموزش و پرورش فعالیت می کند. استانداردهای اخلاقی معلمین طراحی شده توسط کالج معلمین انتاریو عبارت از موارد زیر بود :

- حفظ رابطه حرفه ای با دانش آموزان
- تشخیص و احترام به حقوق طبیعی رابطه ای که بین معلم و دانش آموز برقرار میشود .
- احترام پایدار و بدون تبعیض به همه دانش آموزان به عنوان افرادی با نیازها و توانایی های آموزشی متمایز

- احترام به حفظ اطلاعات محرمانه دانش آموزان مگر افشای آن نیاز قانونی باشد و یا امنیت فردی را به خطر اندازد .
- احترام به ارزشهای واقعی انسانی، ارزشهای معنوی، فرهنگی، آزادی، عدالت اجتماعی دموکراسی و محیط زیست
- همکاری با سایر نهادهای قانونی مرتبط با دانش آموزان
- عملکرد روشن، صادقانه، عادلانه
- احترام به حفظ اطلاعات محرمانه همکاران مگر افشای آن نیاز قانونی باشد و یا امنیت فردی را به خطر اندازد.
- اطاعت از مقررات و قوانین
- ارائه پیشنهادات به صورت حرفه ای هنگامی که سیاستها و قوانین باید مورد تجدید نظر قرار گیرند.

بر اساس این تجربه، جهت طراحی استانداردهای جدید موارد زیر اکیداً توصیه

می شود:

- معلمین در فرآیند تولید و به کارگیری استانداردها بطور فعال شرکت کنند.
- دست اندرکاران و والدین نیز در آن مشارکت کنند.
- تعریف بسیار سختگیرانه برای معلم اجتناب شود.
- منابع و زمان کافی جهت ارائه و سپس تصحیح آن در اختیار قرار گیرد.
- دانشکده ها درگیر باشند.
- استانداردها به طور یکسان در مورد همه دست اندرکاران آموزش اعمال گردد.
- مکانیزم مؤثری جهت بازنگری مرتب استانداردها بکار رود.
- استانداردها به آگاهی همه از جمله اولیاء دانش آموزان برسد.

انحطاط اخلاقی در مدارس و دانشگاهها، چه باید کرد؟

از سال ۱۹۶۸ که Philip Coomb (که بعدها رئیس انستیتو برنامه ریزی بین المللی آموزش IIEP شد) کتاب *The world educational crisis* را نوشت آموزش به طور وسیعی زیر سؤال رفته است. اغلب ادعا می شود کیفیت کاهش یافته، بازده ضعیف است، منابع هدر می رود در حالیکه اهداف نیز اغلب روشن نیست. یونسکو در توافق نامه داکار سال ۲۰۰۰ در برنامه "آموزش برای همه" اعلام کرده است که موانع مقاوم و جدی بر سر آموزش وجود دارد. این موانع شامل عدم توافق محکم بین المللی، ضعف قوانین در شفاف سازی، پاسخگو نبودن و فقدان اخلاق دانسته است. بر این اساس، ارتقاء اخلاق و رفتار حرفه ای معلمان را صراحتاً در دستور کار خود قرار داده است. در چنین شرایطی IIEP در سال ۲۰۰۱ پروژه تحقیقاتی اخلاق و بی اخلاقی در آموزش^۱ را تصویب کرد. این پروژه بر اساس دو پیش فرض بود: اول اینکه کشورهای مورد بررسی نه بی نهایت فاجعه بودند و نه نا امید کننده و بسیاری راههای موفق و استراتژیهای مهم را می توان برای کاهش بی اخلاقی و بهبود قوانین آموزشی ارائه نمود. دوم اینکه مشکلات و تنگناها نباید به اشتباه منحصر و محدود به کشورهای در حال توسعه تصور شوند. دو مثال عمده آن عبارتند از:

الف- کلاهبرداری های دانشگاهی به عنوان یک خطر عمده در اعتبار مدارک تحصیلات عالی در ایالات متحده بیشتر از کشورهای در حال توسعه دیده می شود.

ب- رفتارهای نادرست در تملک بخش آموزش مثلاً تصاحب ساختمان مدارس و یا حفظ آنها در فرانسه، ایتالیا و آمریکای شمالی اصلاً نادر نیست.

سه مثال موفق در این گزارش وجود دارد که می تواند مورد استفاده سایر کشورها قرار گیرد:

- الف- بهبود مدیریت معلمان باعث کاهش هدررفتن منابع به میزان ۱۰ درصد در طی ۳ سال در بوگوتای کلمبیا شد. این مهم با گفتگو با اتحادیه معلمان، مقررات شفاف و استفاده از مدیریت پیشرفته و آمار امکانپذیر شد.
- ب- در اوگاندا کاهش هدر رفت و نشت اعتبارات از وزارت آموزش و پرورش به مدارس از ۸۷٪ به ۱۵٪ حاصل شد. این حاصل تولید و توزیع اطلاعات به شهرها و انتشار خبر مجازاتها بر علیه افراد خاطی و یا رفتارهای نادرست بود.
- ج- کاهش تخلفات در امتحانات ورودی مؤسسات آموزش عالی در آذربایجان که ناشی از استفاده از آمار و جلوگیری از تداخلات احتمالی و انتشار نتایج امتحانات بود.

وضعیت کد های رفتاری معلمان در سه کشور آسیایی

در منابع دو روش ساختاری و نهادی جهت بهبود جایگاه اخلاقی در خدمات عمومی جامعه وجود دارد. این دو روش مکمل یکدیگر بوده، با هم بهترین عملکرد را دارند. دیدگاه ساختاری بر وجود الزامات قانونی تأکید دارد و دولت با تکیه بر قوانین رفتارها را کنترل می کند اما در دیدگاه نهادی بر فعال نمودن ارزشهای اخلاقی موجود تأکید می شود. روش ساختاری بر شفاف سازی و پاسخگو بودن تکیه می کند و روش نهادینه از ارزشهای درست و نادرست در تصمیم گیریهای افراد بهره می برد. هدف این مطالعه:

- تعیین عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مؤثر بر رفتارهای اخلاقی در بخش آموزش در آموزگاران و غیر آموزگاران
- مطالعه و مقایسه کدهای رفتاری ایجاد شده در این کشورها و روند به کارگیری آنها

• نتیجه گیری اجرایی جهت ارائه راهکارهای عملی

اصول اخلاقی در این سه کشور به صورت نهادینه وجود داشته است. به عبارت دیگر رفتار اخلاقی معلمان در کنار راهبین و قدیسان مذهبی جزء ارزشهای شناخته شده جامعه بوده اند و کدهای اخلاقی به صورت غیر رسمی به کار می رفتند. قوانین ساختاری بیرونی وجود نداشت و کنترل رفتارهای اخلاقی حداقل بوده است. ایجاد قوانین ساختاری مدون از دهه ۱۸۶۰ در هند شروع شد. البته قوانین آموزشی تا ورود میسیونهای مذهبی ۱۹۱۹ در هند و ۱۹۳۱ در بنگلادش دیده نشد. در نپال این قوانین از دهه ۱۹۴۰ به بعد وارد شد. ۱۸۰ نفر به صورت تصادفی از بنگلادش، ۱۳۸ نفر از نپال و ۲۷۵ نفر از هند از بین مسئولین اجرائی و معلمان در شهر و روستا انتخاب و با آنها مصاحبه شد. از پاسخ دهندگان خواسته شد نقش هر یک از عوامل نه گانه زیر را در رفتارهای غیر اخلاقی با کمک چهار درجه خیلی مهم، مهم، کم اهمیت و بی اهمیت رتبه بندی کنند:

۱. مدیریت منابع انسانی (به کارگیری، جابجایی و انتقال)
۲. هدر دهی مواد و منابع
۳. نظارت بر عملکرد مؤسسه
۴. پذیرش در مؤسسه (پارتی بازی و یا پذیرش هدایا و نقش آن در پذیرفتن دانش آموز)
۵. امتحانات (دستکاری نتایج امتحانات داخلی و نشت سؤالات وعدم مراقبت در امتحانات)
۶. مدیریت بودجه (دریافت وجوه اضافی و یا کسب درآمد از اموال و ..)
۷. حضور یا غیبت
۸. روابط انسانی بین همکاران (تشکیل گروههای داخلی، تبعیض و تصمیمات یک جانبه)

۹. اخذ وجه خصوصی (تشکیل کلاس خصوصی و خوب درس ندادن به علت آن) یافته های اصلی نشان داد که در این سه کشور عوامل اصلی عملکرد غیر اخلاقی مشابه و شامل مدیریت نادرست منابع انسانی، مدیریت نادرست بودجه و اخذ وجوه به صورت خصوصی و غیبت معلمین بود (در اوتار پرادش هند، در سال ۲۰۰۴ یک سوم از همه معلمان غایب بودند).

کدهای اخلاق انجمن ملی آموزش امریکا (NEA¹)

انجمن ملی آموزش معتقد است که آموزش حرفه ای متشکل از نیروی کار آموزش و پرورش جهت خدمت به نیازهای همه دانشجویان می باشد. معلم، ایمان به ارزش و منزلت هر انسان به رسمیت می شناسد. اهمیت والای پیگیری حقیقت، سرسپردگی به تعالی و پرورش از اصول دموکراتیک او است. ضرورت دستیابی به این اهداف شامل حمایت از آزادی یادگیری و تدریس و تضمین فرصت های برابر آموزشی برای همه است. مربی قبول مسئولیت فوق را مستلزم پایبندی به بالاترین استانداردهای اخلاقی می داند.

مربی، مسئولیت ذاتی در فرآیند تدریس. میل به احترام و اعتماد به نفس از همکاران خود، از دانش آموزان، از پدران و مادران و از اعضای جامعه را به رسمیت می شناسد و می داند که این موضوعات انگیزه ای برای رسیدن و حفظ بالاترین درجه ممکن رفتار اخلاقی می باشد. منشور اخلاق حرفه آموزش و پرورش، آرزوی همه مربیان را برای نیل به استانداردهای آن فراهم می کند و آن را فصل الخطاب می داند. راه حل های پیشنهادی NEA برای زیر مجموعه های خود نافذ است و تغییر یا تفاسیر متنوع از مقررات این کدها یا نقض آنها را نمی پذیرد.

1- National Education Association

اصل یکم، تعهد نسبت به دانشجویان

مربی تلاش خود را برای کمک به هر دانش آموز را متوجه تواناییهای وی به عنوان یک عضو موثر و ارزشمند جامعه مصروف خواهد داشت. مربی تشویق روحیه تحقیق، کسب دانش و درک، و فرمول بندی متفکرانه دانش آموزان از اهداف ارزشمند خود می داند. معلم در تحقق تعهد به دانش آموز موارد زیر را انجام می دهد:

۱. بی دلیل اقدام فردی فراگیران در دستیابی به یادگیری را مهار یا محدود نمی کند.
۲. بی دلیل مانع دسترسی دانشجویان به موضوعات مختلف (مفید) نمی گردد.
۳. عمداً موضوعات مربوط به پیشرفت دانش آموز را سرکوب و یا تحریف نمی کند.
۴. تلاش معقولی را برای حفاظت از دانشجویان از شرایط خطر انجام می دهد و آموزشهای مناسبی را برای حفظ سلامت و ایمنی به آنان خواهد داد.
۵. سعی در دخالت در مسائل محرمانه دانش آموز نخواهد نمود یا در صورت اطلاع آنها را افشا نخواهد کرد.
۶. در موضوعات آموزشی توجهی به نژاد، رنگ پوست، عقیده، جنس، ملیت، وضعیت تأهل، گرایشات سیاسی و یا اعتقادات مذهبی، خانوادگی، زمینه های اجتماعی و فرهنگی نمی نماید. در این راستا این موضوعات را مخصوصاً در مشارکت دانشجویان در برنامه های آموزش و فرصت های علمی رعایت خواهد نمود.
۷. روابط حرفه ای با دانشجویان را برای استفاده خصوصی به کار نخواهد برد.
۸. اطلاعات به دست آمده در مورد دانشجویان در دوره خدمات حرفه ای را حفظ خواهد نمود، مگر اینکه افشای آنها دارای لزوم مؤکد یا موارد قانونی باشد.

اصل دوم، تعهد به حرفه

آموزش حرفه ای از سوی عموم مردم با اعتماد و مسئولیت نیاز به بالاترین آرمان های خدمات حرفه ای به معلمین واگذار شده است. این اعتقاد وجود دارد که کیفیت خدمات حرفه ای آموزش و پرورش به طور مستقیم تحت تاثیر ملت و شهر وندان قرار خواهد گرفت، هر مربی باید تلاش خود را مصروف بالا بردن استانداردهای حرفه ای، ارتقاء قضاوت های حرفه ای برای رسیدن به شرایط جذب افراد شایسته در مشاغل در آموزشی و جلوگیری از فعالیتهای فاقد کیفیت خواهد نمود. معلم در انجام وظیفه حرفه ای موارد زیر را رعایت خواهد نمود:

۱. نبایستی در موقعیت های حرفه ای و برنامه کاری خود عمداً اظهارات نادرست یا اشتباه را نسبت به موضوعات داشته باشد که سبب کاهش کیفیت خدمات حرفه ای وی گردد.
۲. هیچ وقت نباید شرایط حرفه ای خود را بد جلوه دهد.
۳. هیچ وقت نباید دانسته، موضوعاتی را به وظایف شغلی خود وارد نماید که سبب کاهش کیفیت خدمت شود یا سبب خدشته به احترام و شخصیت، تحصیلات یا دیگر ویژگی دیگران (و دانشجویان) گردد.
۴. نباید آگاهانه اظهارات نادرست در مورد صلاحیت افراد برای تصدی موقعیت های حرفه ای داشته باشد.
۵. معلم نباید برا انجام امور موظف آموزشی از افراد غیر مجاز کمک گیرد.
۶. نباید اطلاعات به دست آمده مربوط به همکاران در دوره خدمات حرفه ای را نباید افشا نماید مگر اینکه افشای آنها دارای لزوم مؤکد یا موارد قانونی باشد.
۷. نباید آگاهانه اطلاعات نادرست و یا مخرب در مورد همکاران بیان نماید.
۸. باید از قبول هر گونه پاداش، هدیه، و یا منافع دیگر را که ممکن است تاثیری در تصمیمات حرفه ای و یا عمل به وظایف داشته باشد امتناع نماید.

کدهای اخلاقی و اصول رفتار حرفه ای آموزش در فلوریدا

کدهای اخلاق حرفه آموزش در فلوریدا مصوب هیئت دولت، مستند به قانون آموزش بوده که شامل سه ویژگی زیر است:

۱. معلم به ارزشها و اعتبار و منزلت فردی، دستیابی به حقیقت، سرسپردگی به تعالی، کسب دانش، و پرورش برای همه افراد و رعایت اصول شهروند دموکراتیک پایبند است. معلم می داند که ضرورت دستیابی به استانداردهای فوق آزادی در تدریس و یادگیری و فرصت های برابر برای همه است.
۲. نگرانی اولیه حرفه ای معلم همیشه، توسعه توانایی دانشجویان می باشد. بنابر این مربی برای نیل به این هدف بهترین تلاش، قضاوت و صداقت حرفه ای را اعمال خواهد نمود و خود نیز در این راه تلاش خواهد کرد.
۳. مربی برای رسیدن و حفظ بالاترین درجه از رفتار اخلاقی خود تلاش خواهد نمود که اعتماد به نفس و سطح آگاهی نسبت به دانشجویان، والدین و دیگر اعضای جامعه و همکارانش را ارتقاء دهد.

اصول رفتار حرفه ای آموزش در فلوریدا به استناد ظرفیت رهبری سنتی معلمان در جامعه به منظور دستیابی به استاندارد بالای اخلاقی به شرح زیر تدوین شد:

۱. قوانین انضباطی که در ادامه می آیند باید قوانین رفتار حرفه ای در آموزش (و پرورش) فلوریدا را تشکیل بدهند.
۲. نقض هر کدام از این قوانین باعث ابطال یا تعلیق گواهی مربی گری و یا سایر جریمه هایی که قانون تعیین می کند خواهد بود.
۳. وظیفه نسبت به دانشجویان ایجاب می کند که معلم موارد زیر را رعایت نماید:
 - تلاش قابل قبول و معقولی برای حفظ دانشجو در شرایط یادگیری و سلامت جسم و روان وی داشته باشد.

- نباید بی دلیل جلوی عملکرد مستقل او را برای ادامه تحصیل بگیرد.
 - نباید بی دلیل دسترسی دانشجو را به اطلاعات مورد نیاز بگیرد.
 - نباید عمداً موضوع مرتبط با برنامه آموزشی دانشجو را منکوب یا تحریف کند.
 - نباید عمداً دانشجو را در معرض خجالت یا توهین غیر ضرور قرار دهد.
 - نباید عمداً حقوق مشروع دانشجو را نقض یا کتمان کند.
 - نباید هیچ دانشجویی را به خاطر رنگ پوست، نژاد، مذهب، جنس، سن، خاستگاه ملی و قومی، اعتقادات سیاسی، وضعیت تاهل، شرایط معلولیت یا سابقه خانوادگی و اجتماعی اذیت کند یا تبعیض قائل شود و باید برای اطمینان از آزادی دانشجو و در امان بودن از این محدودیتها تلاش معقولی داشته باشد.
 - نباید به خاطر اهداف یا منافع شخصی با دانشجو رابطه برقرار نماید.
 - باید اطلاعات محرمانه افراد را که به آنها دست پیدا نموده است سری نگهدارد. مگر اینکه افشای آنها دارای لزوم مؤکد یا موارد قانونی باشد.
۴. وظیفه نسبت به جامعه ایجاب می کند که معلم موارد زیر را رعایت نماید:
- باید احتیاط قابل قبولی برای تمایز بین دیدگاه شخصی و دیدگاه موسسه یا سازمان آموزشی که در آن کار می کند به عمل آورد.
 - نباید امتیازات موسسه اش را برای سود یا هدف شخصی استفاده نماید.
 - نباید هیچگونه پاداش، هدیه یا و یا منافع دیگر را که ممکن است تاثیری در تصمیمات حرفه ای و یا عمل به وظایف داشته باشد دریافت نماید.
۵. وظیفه معلم نسبت به حرفه آموزش شامل موارد زیر است:
- باید در تمام مباحث و موضوعات حرفه ای صداقت داشته باشد.

- نباید رنگ پوست، نژاد، مذهب، جنس، سن، خاستگاه ملی و قومی، اعتقادات سیاسی، وضعیت تاهل، شرایط معلولیت یا سابقه خانوادگی فراگیران باعث تبعیض وی در انجام وظایف یا مشارکت آن در وظایف سازمان گردد.
- نباید در امور مربوط به فعالیتها، حقوق سیاسی و مدنی و مسئولیتهای همکارانش مداخله نماید.
- نباید بی دلیل درگیر در آزار و اذیت و یا رفتار تبعیض آمیز دیگران که با مسئولیت های حرفه ای یا فرآیندهای منظم آموزشی مغایرت دارد دخالت نماید که سبب گردد که یک محیط خصمانه، تهدید آمیز، توهین آمیز، یا ظالمانه پدید آید. علاوه بر این، باید تلاش معقول و منطقی برای جلب اطمینان دیگران داشته باشد که از آزار و اذیت یا تبعیض وی مصون خواهند بود.
- باید از بیانات مخرب و نادرست در مورد سایر همکاران پرهیز نماید.
- نباید اظهارات بدخواهانه یا به عمد اشتباه راجع به همکاران خود داشته باشد.
- برای انجام امور نباید از اجبار نسبت به دیگران استفاده نماید و نباید تعهداتی در مورد وظایف خود بدهد که از عهده انجام آنها عاجز است، زیرا این امر باعث قضاوت بد همکاران در مورد وی خواهد شد.
- نباید شرایط حرفه ای کسی را بد جلوه دهد.
- نباید هیچگونه اطلاعات فریبکارانه را به عنوان مدرک در ارتباط با فعالیتهای حرفه ای ارائه دهد.
- نباید هیچ حرف فریبکارانه ای را بزند یا مواردی را فاش نماید که باعث تخریب دیگران و اثبات حقانیت خودش باشد.

- نباید از ارائه اطلاعات مورد نیاز به مراجعین خود داری نماید یا در هنگام به کارگیری افراد موقعیت شغلی (یا استخدامی) را بد جلوه دهد.
- در صدور توصیه نامه هایی که مورد نیاز متقاضی است، نباید به ناحق مطالبی را عنوان نماید که باعث محرومیت فرد یا کاهش شانس اشتغال وی گردد یا شرایط شغلی او را تحت تاثیر قرار دهد.
- نباید شرایط ورود به کار در آموزش و پرورش در فلوریدا را برای کسانی فراهم آورد یا به کسانی کمک نماید که ویژگی های آنها مطابق اساسنامه انجمن ایالتی فلوریدا و قوانین آموزش (و پرورش) نباشد.
- باید گزارشات خود اظهاری را در مورد هرگونه تخلفات مشخص مانند دستگیری ها، سوء استفاده از کودکان، فروش یا نگهداری مواد مخدر ظرف مدت ۴۸ ساعت اعلام نماید. در این رابطه نباید موارد مربوط به پیگردهای قانونی مانع گردد. در اینجا باید ملاحظات قانونی و محرمانه بودن در سیر مکاتبات و رسیدگی سریع مطابق قوانین موجود مورد نظر قرار گیرد.
- باید هرگونه نقض مقررات کد های اخلاقی از قوانین آموزشی را در دانشکده به مقامات مربوطه گزارش نماید.
- نباید در مورد افرادی که گزارشاتی در نقض مقررات یا کدهای ایالتی به مقامات قانونی اعلام نموده باشد، اقدام تلافی جویانه داشته باشد.
- باید همواره خود را با شرایط اعلام شده توسط کمیسیون آموزشی منطبق نماید.
- باید همواره به عنوان مجری نظارت بر روشهای اعلام شده در کمیسیون شیوه های آموزشی همکاری کنند.

نتیجه گیری

هرچند، در کشورهای شرقی نظیر ایران با سابقه طولانی فرهنگی و ریشه های عمیق مذهبی، تعریف کدهای اخلاقی به نظر کاری کم فایده به نظر می آید، اما تحقیقات نشان داده است که وجود همزمان دستورالعمل های اخلاقی (کدهای اخلاقی) می تواند در پیاده سازی باورهای معنوی ثبات و عینیت بیشتری ببخشد. اجماع جهانی بر این است که تدوین کدهای اخلاقی باید با به کارگیری نظرات همه ذینفعان صورت پذیرد و فرصت کافی برای جمع بندی نقطه نظرات ایشان و اصلاح و تعدیل آنها وجود داشته باشد. لیکن پس از تدوین با جدیت عملیاتی شود و در صورت تخلف برخورد قانونمند وجود داشته باشد. از طرف دیگر آشنایی با مشکلات اخلاقی مهمی که در ارتقاء کیفیت آموزش در سطح جهان و منطقه وجود دارد می تواند در اثر بخشی نهایی کاملاً مؤثر باشد. نتایج تحقیقات یونسکو در رابطه با مشکلات اخلاقی آموزش در کشورهای جهان نشان داده است که بخش بزرگی از این مشکلات از جمله مدرک سازی و جعل مدارک دانشگاهی، ضعف برنامه ریزی در بودجه و هدر دادن آن و ضعف برگزاری امتحانات به بخش اداری آموزش مربوط می شود و در رابطه مستقیم با معلمان شایعترین مشکل غیبت غیر موجه و کم کاری می باشد. مؤثرترین راههای مقابله با این مشکلات نیز پاسخگویی مسئولین و شفاف سازی فرآیندها و اعمال مجازاتهای روشن و قاطع در موارد نقض کدهای اخلاقی دانسته شده است.

منابع فصل سوم:

1. Van Nuland S, Khandelwal B P, Ethics in education :the role of teacher codes. Paris: IIEP-UNESCO, 2006.
2. Hallak J, Poisson, M, Corrupt schools corrupt universities: what can be done? (Ethics and Corruption in Education series). Paris: IIEP-UNESCO, 2007.
3. Florida Department of Education, www.fldoe.org
4. UBC-Dentistry. 2010, Code of ethics.
www.dentistry.ubc.ca/Treatment/CodeOfEthics.asp
5. Code of ethics, National Education Association
<http://www.nea.org/home/30442.htm>

گفتار چهارم

بایسته های اخلاقی در مقررات موجود دانشگاههای علوم پزشکی

توجه به الزامات بالادست در هر گونه تصمیم گیری یا تدوین بایسته های اخلاقی به ترتیب اهمیت می تواند در پیدا نمودن راههای هموار برای رسیدن به هدف کمک نماید. در بند یکم اصل سوم قانون اساسی آمده است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف نظام همه امکانات خود را برای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد به کار برد.

در متن سند چشم انداز بیست ساله کشور تا سال ۱۴۰۴ جامعه ایرانی در افق این چشم انداز ویژگیهای: توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانها، و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی را خواهد داشت. همچنین از اهداف این سند دست یافتن به جایگاه اول علمی و فناوری در سطح منطقه و جامعه ای اخلاقی و دارای معیارهای نواندیشی و پویایی فکر و اجتماعی، تاثیرگذار بر همگرایی

اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) ترسیم شده است.

نقشه جامع علمی سلامت که توسط کمیته تخصصی سلامت و علوم زیستی تهیه و در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و در اسفند ماه ۱۳۸۸ منتشر گردیده حاوی نکات مهمی در تاکید بر ملاحظات اخلاقی در بخش سلامت، خصوصاً آموزش مبتنی بر اخلاق دارد. در این نقشه ماموریت نظام آموزشی تربیت نیروی انسانی عالم، توانمند و کارآمد، پاسخگوی نیازهای سلامت افراد و جامعه، متخلق به اخلاق حرفه‌ای و اجتماعی، متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی و تلاشگر در زمینه نظریه پردازی، تولید علوم مفید با تاکید بر کار آفرینی است. برای این منظور نیاز به تحول نظام آموزشی کشور می باشد.

نظام مدیریت جامعه براساس آموزه‌های اسلامی مکلف به فراهم کردن شرایط لازم برای آموزش و تربیت نیروهای کارآمد (به منظور پاسخگویی به نیاز پزشکی آحاد افراد جامعه در قالب دسترسی به دانش پیشرو، قابل اطمینان، غیر وابستگی آور و در فضای تربیتی مبتنی بر خدا محوری، اخلاقیات) می باشد.

رسالت آموزش و ارائه خدمات پزشکی در جامعه اسلامی، رسالتی است که در قالب طب متناسب با آموزه های اسلامی شکل می گیرد و به مفهوم استفاده از تجارب و دست یافته های پزشکی گذشتگان و نیز دستاوردهای حال و آینده بشر در زمینه پزشکی منتها پس از عبور دادن از صافی اصول و مبانی آموزه های دینی یا به عبارت دیگر تطهیر پیشرفته ترین و مطمئن ترین اطلاعات پزشکی در هر عرصه و زمان در زلال ساختار اندیشه رفتار اسلامی در پزشکی است که با حذف محرّمات و رعایت اصول عمده ای همچون اصل کرامت انسان، ضمانت طبیب و کارکنان خدمات سلامت، صحیح ترین، منطقی ترین خدمات پزشکی را در محترمانه ترین و مسوولانه ترین

کیفیت به گیرندگان خدمات ارایه می نماید و در هر لحظه و هر گام نظارت الهی را ضامن صحت و دقت و سودمندی رفتار می شناسد.

در این نقشه علمی، ویژگی های اساسی دانشجو، استاد و ارایه کننده خدمت پزشکی بر مبنای یافته های مشخص و مستند از آیات و روایات پیامبر و معصومین علیهم السلام عبارتند از:

- تقوا، جهاد (نهایت سعی و کوشش را برای ارایه صحیح ترین، مطمئن ترین و منطقی ترین خدمات به تناسب نیاز گیرنده خدمات که خود مستلزم نوآموزی، فراگیری مداوم و پژوهش است)، خیرخواهی و آموزش دادن خیرخواهانه بیمار، خانواده و اطرافیان و جامعه (تعمیم آموزش های کاربردی در سطوح عمومی و خاص)، تلاش مسوولانه، نظم، مهارت و حذاقت، ادای امانت، جلب اعتماد، بصیرت، وثوق، رفق، رسیدگی خوب به بیمار، رازداری، توکل (به معنای مثبت کلمه)، تعبد و پای بندی به مکارم و محاسن اخلاقی و احکام. به تناسب جایگاه دانشجویی و استادی تلاش مداوم در فراگیری و آموزش و اجتناب از غرور علمی و احساس نیاز مداوم به یادگیری و سخاوت علمی. درک ماهیت و مقصد علمی کمال جویانه، رعایت حرمت علم و حاملان علم.
- تفکیک ناپذیری خدمات پزشکی از خویشتن پایی، خیرخواهی، آموزش و پژوهش مستمر، احساس تشنگی برای یادگیری مداوم به عنوان یک تاکید دینی و حفظ حرمت اساتید و نوآوران عرصه پزشکی به عنوان یک تکلیف، زمینه ساز شکل گیری فضای علمی مراودات و ارتباطات چند جانبه دانش محور و تجربه نگر و در عین حال ناظر بر عالی ترین و محترمانه ترین شکل روابط علمی و ارایه خدمات پزشکی است که همه صاحبان حرف پزشکی به ویژه در جایگاه تعلیم و تعلم به عنوان التزام شرعی باید به آن پای بند باشند.

در این سند تحول نظام آموزش سلامت باید از طریق تعالی سرمایه انسانی و حمایت از نخبگان و نوآوران به نحوی که آرایه خدمات سلامت توسط انسان هایی عالم، توانمند و کارآمد، پاسخگو به نیازهای سلامت جامعه، متخلق به اخلاق حرفه ای و اجتماعی متناسب با فرهنگ اسلامی ایرانی و نوآور انجام گیرد. همچنین ترویج و رعایت اخلاق انتشار، آگاهی رسانی و برخورد با موارد تقلب علمی نکوهیده شده و بر ایجاد محیط آموزشی چند پتانسیلی (علمی، فرهنگی، پژوهشی) تاکید شده است. در اینجا محیط آموزشی عبارت است از فضایی که علاوه بر انتقال دانش، نگرش و ارزشیابی فراگیرنده، به جنبه های ارزشی، ایجاد فرصت های مناسب و تعاملی برای فراگیری و اخلاق آموزش توجه می شود.

در آئین نامه اداری استخدامی اعضای هیئت علمی مواد زیر به نحوی بر شرح وظایف و شرایط اعضای هیئت علمی دلالت دارد:

ماده ۹) استاد راهنما از اعضای هیات علمی موسسه است که علاوه بر انجام تکالیف مرتبط، مسئولیت هدایت تحصیلی و راهنمایی دانشجویان در مقاطع تحصیلی مختلف را در زمینه مشکلات آموزشی، پژوهشی و فردی بر عهده می گیرد.

ماده ۱۰) فعالیت های هفت گانه عضو هیئت علمی عبارتند از: فعالیت های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، توسعه فردی فعالیت های اجرایی و مدیریتی، ارائه خدمات بهداشتی، درمانی و ارتقای سلامت و فعالیت های تخصصی در خارج از موسسه.

ماده ۱۶) شرایط عمومی ورود به خدمت به شرح زیر می باشد:

ج) عدم محکومیت به محرومیت از استخدام دولتی و سابقه محکومیت جزایی

موثر

د) عدم اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان

ه) تائید صلاحیت عمومی (اخلاقی) توسط هیئت جذب استاد مطابق ضوابط

مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی

ماده ۶۷) در این جلسه مشخص خواهد شد چه مقدار از اوقات عضو هیئت علمی صرف هر یک از فعالیت های هفت گانه او در سال گذشته است ضمن آنکه این میزان برای سال جاری نیز تعیین می گردد.

ماده ۶۸) نحوه ارائه مستندات در حیطه های مختلف فعالیت اعضای هیات علمی، همچنین ارزیابی و پایش فعالیتهای آنان طبق دستورالعملی که به تصویب هیئت ممیزه می رسد خواهد بود.

در مقدمه آئین نامه ارتقاء اعضای هیئت علمی دانشگاههای علوم پزشکی منصب هیئت علمی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی گروههای پزشکی، جایگاه رفیع و مقام شامخی تعریف شده است که تعهدات خطیری را در محضر الهی و مسئولیت های سنگینی را نسبت به مردم بدنبال خواهد داشت نظام آموزشی و پژوهشی پویا و بالنده صاحبان و بانیان و راهبران اصیل خود را در محل ارتقاء و اعتلا و نوآوری و مسئولیت پذیری و خدمتگزاری می آزماید. نظام ارتقای اعضای هیئت علمی همواره خالق ارزش های بدیع و آثار مفیدی است که جوهره آن ایمان و اخلاص، علم و تجربه، ابتکار و خلاقیت و تلاش صاحبان خرد و اندیشمندان و تلاشگران عرصه های علم و پژوهش خواهد بود. این نظام متعالی با توجه به ملاک ها و فعالیت های مشروحه زیر استوار خواهد بود:

- ۱- شناسه های شئون استادی
- ۲- حضور مؤثر
- ۳- فعالیتهای آموزشی
- ۴- نوآوری در آموزش و پژوهش ابداع و اختراع
- ۵- نوآوری در مدیریت آموزشی و امور فرهنگی و تربیتی
- ۶- فعالیتهای پژوهش و تولیدات علمی
- ۷- مدیریت و راهبری آموزشی و پژوهشی

- ۸- پای بندی به آیین نامه ها و مقررات آموزشی و پژوهشی
- ۹- شناسه های صلاحیت عمومی
- ۱۰- انجام وظایف در زمینه راهنمایی و مشاوره علمی
- ۱۱- فعالیت های استادی در کسوت مشاور فرهنگی، اخلاقی و تربیتی

در این آئین نامه، شرایط عمومی جهت ارتقاء مرتبه اعضای هیئت علمی مبتنی بر تائید صلاحیت اخلاقی، شئون استادی و رفتار حرفه ای بر اساس ارزیابی کمیته جذب استاد دانشگاه تعیین شده است

در جهت اجرای ماده ۹ آئین نامه اداری استخدامی اعضای هیئت علمی، استاد راهنمای تحصیلی دانشجویان تعیین می گردد تا طبق آئین نامه مربوطه مسئولیت هدایت تحصیلی و راهنمایی دانشجویان در زمینه های مختلف در زمینه مشکلات آموزشی، پژوهشی و فردی بر عهده گیرد. مهمترین موارد مرتبط با موضوع این گفتار شامل موارد زیر است:

ماده ۳) اساتید راهنما ترجیحاً از میان اعضاء هیأت علمی علاقه مند به امور آموزشی و متقاضی پذیرش مسئولیت راهنمایی دانشجویان با حداقل سه سال سابقه فعالیت آموزشی، به پیشنهاد معاونت آموزشی دانشکده و حکم رئیس دانشکده انتخاب می شوند.

ماده ۹) اساتید راهنما موظف به انجام وظائف زیر می باشند:

- ۱- ارزیابی مداوم و شناخت وضعیت تحصیلی دانشجو در گذشته و حال و پیگیری آن در آینده.
- ۲- شناخت نسبت به استعدادها و توانایی های بالقوه دانشجو و کمک به شکوفایی منطقی آنها.

- ۳- آشنا کردن دانشجویان با مقررات و ضوابط آموزشی، پژوهشی، دانشجویی و انضباطی در مقطع مربوطه.
- ۴- ارائه راهنمایی های لازم به دانشجویان در زمینه شغلی و نحوه ادامه تحصیل و آماده سازی وی برای پذیرش مسئولیت شغلی در آینده.
- ۵- هدایت و برنامه ریزی درسی.
- ۶- تأیید کلیه فرمهای انتخاب واحد، گواهی پزشکی، میهمانی، انتقال، جابجائی، حذف و اضافه و حذف اضطراری واحدهای درسی.
- ۷- بررسی و ریشه یابی زمینه های احتمالی افت تحصیلی و کمک به دانشجویان در جهت پیشرفت تحصیلی و جبران کاستیها.
- ۸- توجه به استرسهای محیطی، خانوادگی و تحصیلی و در صورت نیاز ارجاع به مراکز مشاوره جهت پیشگیری از بروز مشکلات جدی.
- ۹- معرفی دانشجویان موفق در زمینه های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی به شورای تشویق دانشکده.
- ۱۰- معرفی دانشجویان از طریق معاون آموزشی دانشکده به واحدهای مختلف دانشگاه و از جمله مرکز مشاوره و راهنمایی تحصیلی دانشگاه در مواردی که نیاز به همکاری، راهنمایی و مشاوره تخصصی داشته باشد.
- ۱۱- اطلاع به خانواده دانشجویان در زمینه مشکلات وی و مشاوره با آنان در صورت لزوم.
- ۱۲- مشورت با صاحب نظران و کارشناسان مسائل مربوط به مشکلات دانشجویان به منظور یافتن مناسبترین شیوه کمک به دانشجویان و استفاده مستمر از شیوه ها و ابزارهای توانایی های خود برای انجام صحیح وظائف محوله.
- ۱۳- اعلام مشکلات دانشجویان به مدیر گروه مربوطه.

۱۴ - حضور مفید به مدت حداقل ۱ ساعت به ازای هر ۵ دانشجو در هفته. (برنامه آن براساس ساعات کلاس دانشجویان تحت پوشش با هماهنگی مسئول اساتید راهنما و مدیر گروه مربوطه تهیه می شود. ساعات و محل ملاقات با دانشجویان باید از ابتدای هر نیم سال مشخص گردد به نحوی که حتی الامکان با برنامه های دیگر، دانشجویان تداخل نداشته باشد).

۱۵ - حضور در دانشکده از یک روز قبل از ثبت نام تا یک روز پس از آن و همچنین در روزهای حذف و اضافه و حذف اضطراری واحدهای درسی.

۱۶ - بررسی و تحلیل وضعیت تحصیلی دانشجویان براساس فرمهای تکمیل شده مشخصات فردی و تحصیلی آنان و برآورد حدودی از وضعیت عاطفی و تربیتی دانشجو و ثبت کلیه اطلاعات بدست آمده به صورت محرمانه در پرونده ای که بدین منظور برای هر دانشجو در محل دانشکده ایجاد شده است.

۱۷ - تهیه گزارش عملکرد در پایان هر نیمسال تحصیلی و ارائه به مسئول اساتید راهنمای دانشکده برای جمع بندی و ارسال به معاونت آموزشی دانشکده.

۱۸ - شرکت در جلسات اساتید راهنمای دانشکده.

۱۹ - تسلط به قوانین و مقررات آموزشی و آگاهی کامل از وظائف و اختیارات.

۲۰ - رعایت محرمانه بودن اطلاعات مربوط به دانشجو.

در گفتار دوم قانون مقررات انتظامی اعضای هیئت علمی دانشگاهها، تخلفات انتظامی و جرایم شامل تخلفات انضباطی و اعمال خلاف شرع و اخلاق عمومی مرتبط با اخلاق حرفه ای در آموزش و محیط آموزشی به قرار زیر بیان شده است:

۱- ترک خدمت و یا غیبت بدون اجازه یا عذر موجه

۲- تخلف از اجرای قوانین و مقررات دانشگاه

- ۳- سهل انگاری یا غرض ورزی در انجام وظایف
- ۴- تمرد از اجرای دستورات قانونی مقامات دانشگاه
- ۵- استفاده غیر مجاز از امکانات و اموال دولتی
- ۶- تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند و یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آنها را دارند.
- ۷- تسامح در حفظ اموال و وجوه دولتی و اسناد و مدارک دانشگاه اعم از محرمانه و غیر آن
- ۸- افشاء سوالات امتحانی و یا تعویض برگ های امتحانی و یا تغییر اوراق
- ۹- افشاء اسناد محرمانه دانشگاه
- ۱۰- از بین بردن و اخفای غیر مجاز اسناد و مدارک دانشگاه و حیف و میل اموال و وجوه دولتی
- ۱۱- اعتیاد و ارتکاب اعمال خلاف عمومی که موجب هتک حیثیت و شئون شغلی است.
- ۱۲- ارتکاب اعمال خلاف شرع و عدم رعایت حجاب اسلامی
- ۱۳- عضویت در یکی از فرق ضاله و ساواک منحل و تشکیلات فراماسونری و مشابه آن
- ۱۴- عضویت یا فعالیت یا تبلیغ به نفع احزاب و گروههای الحادی
- ۱۵- القاء اندیشه های الحادی و توهین به مقدسات اسلامی

گفتار پنجم

چشم اندازی برای تدوین کدهای اخلاق در آموزش دانشگاهی

با توجه به اهدافی که در پیشگفتار این مجموعه آمد، هدف نهایی از تدوین این متن یافتن یک مسیر مناسب و علمی برای برای دستیابی به کدهای اخلاق در تعلیم و تربیت دانشگاهی می باشد. به همین منظور پنج گفتار قبلی به ذکر مهم ترین مؤلفه های دستیابی به این هدف پرداخته است. تدوین کدهای اخلاقی مستلزم توجه به تمام مواردی است که در نهایت بتواند با رعایت آنها اعم از فلسفه اخلاق در تعلیم و تربیت، آداب معلمی در آموزش های دینی و فرهنگی و توجه به سوابق تدوین این کدها در دانشگاه های دنیا و بررسی بستر های قانونی در کشور نهایتاً کدهای اخلاقی فراگیری تدوین گردد تا ضمن انطباق با معیارهای دینی و فرهنگی جنبه اجرایی و عملیاتی نیز داشته باشد. توجه به دغدغه مشمولین این کدها که همان استادان و مدرسان دانشگاهی می باشند نیز نیازمند اجرای یک طرح تحقیقاتی مداخله ای است که توسط اعضای کمیته اخلاق در آموزش در حال طراحی می باشد. طرح مذکور خواهد توانست دیدگاهها و نظرات استادان را نیز با توجه به مقتضیات زمانی و نیازهای روز

مجموعه های دانشگاهی تعیین نماید. تلفیق همه این موارد انشاءالله خواهد توانست راه را برای تدوین کدهای اخلاقی هموار نماید. در این متن فعلاً از واژه کدهای اخلاقی در آموزش^۱ استفاده می گردد لیکن به نظر می رسد واژه مناسب برای این مقوله الزامات اخلاقی یا بایسته های اخلاقی در آموزش دانشگاهی باشد که در این رابطه نیز نظرخواهی می گردد.

حمایتهای فکری تمام صاحب نظران و مسئولین در سطوح وزارتی و شورای محترم عالی انقلاب فرهنگی خواهد توانست که بر غنای این حرکت بیفزاید. تدوین کنندگان این مجموعه خاضعانه تقاضای همفکری و مساعدت دارند. در این گفتار ضمن جمع بندی گفتارهای پیشین سعی شده است تا چشم اندازی برای تدوین کدهای اخلاق در تعلیم و تربیت دانشگاهی ترسیم گردد. اهداف عملیاتی مهم برای تدوین کدهای اخلاقی در رؤس زیر قابل ارائه می باشد:

۱. تقویت التزام و تعهد به نقش رهبری استادان در توجه و ارتقاء بایسته های اخلاقی در جامعه و محیط دانشگاهی.
۲. تقویت توجه به آموزه های دینی و فرهنگ بومی در ارتقاء سطح اخلاق حرفه ای در آموزش دانشگاهی
۳. ارتقاء معنویت گرایی و توجه به کرامت انسانی در تعلیم و تربیت دانشگاهی
۴. بستر سازی برای گسترش گفتمان مرتبط با الزامات اخلاقی بین گروههای دانشگاهی خصوصاً استادان محترم.
۵. ترغیب و تقویت التزام به رفتارهای اخلاقی در تمام سطوح جامعه دانشگاهی.
۶. تأکید بر پرورش الگوهای اخلاقی متخلّق به رفتارهای اخلاقی.

۷. تصمیم سازی های اخلاقی و تدارک فرصت های یادگیری برای نهادینگی رهبری اخلاقی در بین دانشگاهیان، خصوصاً استادان.
۸. ارتقاء سطح دانش مربوط به کدهای اخلاق حرفه ای در دانشگاهها و ارزش گذاری بر آنها.

اهداف تعلیم و تربیت اسلامی عبارت است از^۱:

۱. آموزش مفاهیم و معارفی که برای سلوک الی الله و تحقق اهداف انسان سازی اسلامی ضروری است
 ۲. ایجاد زمینه کسب مهارت ها و عادات اخلاقی مناسب با هدف غایی انسان
 ۳. آموزش اطلاعات لازم برای زندگی در جامعه اسلامی
 ۴. آموزش علوم و معارفی که جامعه اسلامی به آن نیاز دارد
 ۵. ایجاد مهارت های لازم در کاربرد آموزه های علمی
 ۶. ایجاد انگیزه و توانایی کشف نادانسته ها در عرصه های مختلف معرفت بشری.
- در منطق قرآن کریم، در سایه ایمان، چهار گروه از گروه های مختلف جامعه انسانی از امتیازات و مقامات ویژه ای برخوردار می باشند^۲:
- ۱- مؤ منان جنگ بدر: (و اصولاً هر مؤ من واقعی) که خداوند متعال درباره آنها می فرماید:
- " إِنْ مَّا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ" (انفال، ۴ و ۲). مؤ منان (واقعی) صرفاً کسانی هستند که به گاه یاد خدا

1 - <http://www.imamjawad.net/>

2 - <http://www.imamjawad.net/>

دلپایشان بیمناک گشته ، و آنگاه که آیات خداوند بر آنان خوانده می شود بر نیروی ایمانشان می افزاید . . . اینان حقاً همان مؤمنان مورد نظر می باشند که در پیشگاه الهی از درجات و پایه های رفیع و آمرزش و روزی آبرومندانه ای برخوردار هستند.

۲- مجاهدان راه خدا: (که در احیاء حق و حقیقت از بذل مال و جان دریغ ندارند)، خداوند متعال درباره آنها می فرماید:

" . . . فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً . . . " (نساء، ۹۵).

خداوند با یک درجه و پایه، مجاهدان و افراد سخت کوشی را - که در راه خدا از بذل مال و جان دریغ نمی ورزند - بر خانه نشینان تن آسان، برتری داده است.

۳- صالحان و نیکوکاران: (که دارای رفتاری شایسته و در خور انسانهای واقعی هستند)، قرآن کریم راجع به آنها می فرماید:

"وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى" (طه، ۷۵). کسانی که با ایمان و اعتقاد راسخ، به خدا روی می آورند، در حالیکه کرداری شایسته و در خور انسانهای واقعی را دارا هستند، این گروه از مردم در پیشگاه الهی واجد درجات و مقاماتی والا می باشند.

۴- علماء و دانشمندان: (که در سایه بینش و آگاهی خود، مقامات ارجمندی را احراز می نمایند، این افراد در کنار مؤمنان و افراد دلبسته به حق و حقیقت، شایستگی نیل به درجات و مقامات رفیعی را کسب می نمایند) که خدا درباره آنان چنین می فرماید:

" . . . يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ " (مجادله، ۱۱) خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

همچنین فرمود " . . . إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ . . . " (فاطر، ۲۸) به راستی از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان نسبت به او خشیت دارند.

با توجه به مجموعه این آیات، که ضمن آنها خداوند متعال برای چهار گروه از طبقات مختلف مردم با ایمان، درجات و امتیازاتی مقرر فرمود، به این نتیجه می‌رسیم که پروردگار متعال، افرادی را که در جنگ بدر شرکت جستند از لحاظ پایه و درجه بر سایر مؤمنان برتری داده، و علماء و دانشمندان را بر تمام اصناف و گروههای جامعه بشری مزیت بخشیده است. این گروه برجسته‌ترین و سرفرازترین افراد می‌باشند و طبق منطق آیات قرآنی در میان قشرهای گوناگون انسانی، همچون گوهرهای تابناکی بر تارک جامعه بشریت می‌درخشند. طبعاً این امتیاز زمانی محقق خواهد شد که الزامات و مشخصه‌های مورد نظر در آنها تجلی یافته باشد.

در قرآن کریم، علماء و دانشمندان تربیت یافته مکتب اسلام با پنج امتیاز برجسته از سایر گروهها ممتاز گردیده‌اند این امتیازات به بیان دیگر وظایف و خصوصیات ایشان را در صفای باطن و ایمان و اخلاص نشان می‌دهد که شرط ورود به حیطة معلمی است. این پنج امتیاز برجسته صرفاً از آن دانشمندانی است که دارای بصیرت معنوی و بینش الهی هستند^۱:

۱. ایمان: " وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا " ، (آل عمران، ۷)، آنانکه گامهای راسخ و نافذی را در پهنه علم برداشتند و به درون محیط و فضای دانش راه یافتند، می‌گویند ما سراپای قرآن کریم را باور می‌داریم.
۲. اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند: " شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ " ، (آل عمران، ۱۸)، خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند که] جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست

۳. اندوه و تاءثر و گریستن از بیم پروردگار: "ان الذین اوتوا العلم من قبله اذا يتلى عليهم" " ان الذین اوتوا العلم من قبله إذا یتلى علیهم ینخرون للذقان سجداً ، وینخرون للذقان ینکون ویزیدهم خشوعاً " ، (اسراء، ۱۰۷ و ۱۰۹)، حقاً مردمی که پیش از آن، از علم بهره مند گشتند - آنگاه که آیات خداوند بر آنان خوانده شود - با چانه های خویش بر زمین فروافتند و گریستن را آغاز کنند. و خواندن قرآن کریم ، بر خشوع و زاری و انعطاف و فروتنی آنها بیفزاید.
۴. خشوع و انعطاف درونی: " وینخرون للذقان ینکون ویزیدهم خشوعاً " ، (اسراء، ۱۰۹)، تلاوت قرآن و تابش خورشید حقیقت کتاب آسمانی، بر مراتب خشوع و نرمی و فروتنی و انعطاف آنان می افزاید.
۵. خشیت نسبت به خدا: " انما یخشى الله من عباده العلماء . . . " ، (فاطر، ۲۸)، به راستی از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان نسبت به او خشیت دارند.

اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می کند بی آن که الزاماً نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد. صاحب نظران اخلاق را به دو بخش تقسیم می کنند: ملکاتی که سرچشمه پدید آمدن کارهای نیکو است و اخلاق خوب و ملکات فضیله نامیده می شود، و آنها که منشأ اعمال بد است و به آن اخلاق بد و ملکات ردیله می گویند. از دیدگاه فلسفه، علم اخلاق، شاخه ای از فلسفه عملی یا حکمت عملی است.^۱ از دیدگاه عرفانی، علم اخلاق چون می تواند به برطرف شدن رذائل اخلاقی که حجابهایی است در برابر چشم دل، کمک کند، یکی از پایه های عرفان الهی و به قولی عرفان عملی اطلاق می گردد. به بیان ساده اخلاق حرفه ای^۲ در

1 - <http://www.alulbayt.com/>

2 - Professional ethics

واقع عبارت از اصول مربوط به عملکرد حرفه ای می باشد که در برگیرنده گزاره های مختلفی است که مهمترین آنها موارد زیر است:

- کسب دانایی بر تمیز بین حق انجام امری و امر درستی که باید انجام گیرد.
 - مطالعه آنچه که خوب و بد است، درست و غلط یا عادلانه و غیرعادلانه است.
- انجام امر درست، مستلزم پاسخ به سئوالات زیر است:
- آیا آن فعل، فعلی قانونی است؟
 - آیا آن فعل، فعلی منصفانه است؟
 - انجام و مبادرت به آن فعل باعث بروز چه احساسی در من نسبت به خودم خواهد شد؟

منابع رفتار اخلاقی شامل موارد متعددی می باشد که مهمترین آنها در ۶ گروه به شرح زیر قابل تقسیم خواهد بود:

۱. خانواده و نوع تربیت خانوادگی
۲. تجربیات فرهنگی، نوع فرهنگ و خرده فرهنگ ها
۳. مذهب و مؤلفه های مذهبی
۴. موازین قانونی عام
۵. وراثت ژنتیکی
۶. الزامات حرفه ای اخلاقی

اصول راهنمای مربوط به تصمیم گیری های اخلاقی که همان زیر بنای مفاهیم مربوط به اخلاقیات می باشند، عبارتند از:

- ارزش حیات
- خوبی
- عدالت
- حقیقت گویی یا بیان حقیقت

• آزاد اندیشی

اصول مبتنی بر مفاهیم زیر بنایی تصمیم گیری اخلاقی نیز عبارتند از:

۱. اصل سودمندی یا انجام امور خوب
 - اولویت نخست عبارت از تأمین علایق و آسایش دانشجو است.
 - تأمین ایمنی برای همگان
 - تأمین خدمات مبتنی بر دانش یا صلاحیت لازم در ارائه خدمات
 - پاسخگو بودن
۲. اصل عدم اضرار یا عدم ضرر رسانی
۳. اصل التزام به حقیقت و بر محور حق و حقیقت بودن:
 - رهایی از منافع و التزامات متناقض یا عدم سوی گیری در منافع و تعهدات
 - تکلیف به هشدار دادن و اعلام احتیاطات لازم در مواقع ضروری
۴. اصل عدالت
 - عدم تبعیض
 - احترام به تنوع قومیتی و حمایت از آن
 - اجرای متناسب تمام موازین قانونی
۵. اصل اعتماد متقابل
۶. اصل رعایت استقلال و اختیار فردی
 - آزاد اندیشی
 - امکان ابراز و تحلیل نظرات.

زیر بنای کدهای اخلاقی در تعلیم و تربیت

نظر به ظرفیت های معرفتی و فضیلت استادان و معلمین، از قدیم الایام، به طور سنتی و طبیعی فرض بر این بوده است که معلمین متخلق به بالاترین شاخصه های

اخلاقی در یک جامعه هستند. خانواده ها به دلیل مفروض تبلور فضائل اخلاقی در معلمین، با تمام وجود به آنها اعتماد کرده و سرنوشت فرزندان خود به دست آنان سپرده اند تا برای زندگی آینده شان مورد تعلیم و تربیت واقع شوند. موضوع اخلاق حرفه ای مدتهاست که در دانشگاههای ایران و جهان مورد توجه قرار گرفته و در گروههای شغلی برای آن تعاریف و مستنداتی ارائه گردیده است. این مستندات بر اساس اصول فرهنگی، آموزه های دینی، هنجارهای اجتماعی و مقررات مرتبط، بعضاً به صورت کدهای اخلاق حرفه ای تدوین و منتشر گردیده اند. مهمترین زیربنای فکری برای تدوین کدهای اخلاقی مبتنی بر ارزشهای زیر بوده است:

- تأمین و تکامل و توسعه ظرفیت های بالقوه فراگیران
- حفظ و ارتقاء ارزشهایی که در تعالیم دینی و فرهنگ بومی برای فراگیران متصور است
- توجه کرامت فردی فراگیران و حفظ حریمهای خصوصی و شخصی
- انتقال دانش بر محور حق
- وقف خود برای تعالی فراگیران
- کسب و پی جویی مداوم دانش
- تربیت فراگیرانی منضبط برای هدایت نسل آینده
- دستیابی به بالاترین درجه از سیر و سلوک اخلاقی

اصول سلوک حرفه ای^۱

۱. التزام در قبال جامعه (ادب اجتماعی اساتید): اساتید در این زمینه قائل به موارد زیر خواهند بود:

- تمایز بین دیدگاههای فردی و دیدگاههای مؤسسه ای که فرد در استخدام آن دستگاه می باشد.
 - امتناع از قبول هرگونه هدایا یا امتیازات ویژه ای که ممکن است بر روی قضاوت حرفه ای او تأثیر بگذارد.
 - اجتناب از سوء استفاده از موقعیت حرفه ای خویش به منظور انتفاع شخصی یا دریافت امتیاز و مزایای ویژه.
۲. التزام در قبال دانشجو: اساتید در این زمینه قائل به موارد زیر خواهند بود:
- احترام و نزاکت نسبت به فراگیران
 - تعهد و التزام به تأمین فضای باز فکری، رعایت انصاف، صداقت و تعین یا عینیت در قبال فراگیران، مواد و محتوای آموزشی ارائه شده به فراگیران و اجتناب از سر درگم کردن فراگیران.
 - اجتناب از اذیت و آزار، شرمند نمودن و خجلت زدگی یا تبعیض فراگیران.
 - تذکر مشفقانه برای رفع عیوب همکاران در خفا و دور از انظار دیگران
 - ذکر توانمندی ها و برتری ها به دور از اغراق و تملق برای افزایش انگیزه همکاران
۳. التزام در قبال حرفه: اساتید در این زمینه قائل به موارد زیر خواهند بود:
- حفظ حالت احترام متقابل، تکریم و منصف بودن در قبال همکاران دانشگاهی
 - تذکر مشفقانه برای رفع عیوب همکاران در خفا و دور از انظار دیگران
 - ذکر توانمندی ها و برتری ها به دور از اغراق و تملق برای افزایش انگیزه همکاران.

- گزارش خطاهای حرفه ای ناقص قوانین و موازین مصوب دانشگاهی یا وزارتی توسط هر یک از همکاران برای جلوگیری از تخریب شأن حرفه در جامعه.
- اجتناب از هر گونه مذمت یا تخریب توانمندیهای همکاران
- اجتناب از کمک به پرسنل و کارکنان فاقد کفایت حرفه ای برای تداوم استخدام و ماندن در حرفه.

چگونگی تعاملات با دانشجویان

تعاملات استاد و دانشجو بهتر است که دارای قواعد روشنی باشد تا از بروز مسائل بغرنج مضر به جایگاه اخلاقی اساتید ممانعت به عمل آید. برخی از مصادیق زیر می توانند مورد توافق قرار گیرند:

۱. همواره باید حد و مرزی بین استاد و دانشجویان حفظ شود. برای استادان زبیده نیست که غیر حرفه ای عمل نمایند یا رفتارهای دون شان داشته باشند. واژه "از شما بعید است!" مسئولیت سنگینی را برای خبرگان به همراه دارد.
۲. مواقع صحبت و گفتگوی حرفه ای با دانشجویان، بهتر است که درب اتاق باز باشد.
۳. برای مشاوره های خاص یا بحث در باره موضوعات شخصی که خارج از حیطه وظایف مشاوره ای استاد باشد؛ دانشجویان باید به منابع ذی صلاح حرفه ای ارجاع داده شوند.
۴. با دانشجویان نباید با رفتارهای حاکی از احساسات فردی و سبک برخورد نمود.

۵. اساتید نباید در باره زندگی شخصی یا موضوعات خصوصی خویش با دانشجویان صحبت کنند. به طور در مورد تاریخ ازدواج، همسر خود، دوستان یا مشکلات فردی خود با دانشجویان صحبتی نکنند.
۶. از نکته گیری یا کوچک کردن سایر همکاران اجتناب گردد
۷. بهتر است برای نقل و انتقال دانشجویان از قبل هماهنگی لازم، انجام و در صورت امکان از سیستم حمل و نقل دانشگاه یا حمل و نقل عمومی استفاده گردد. در صورت ضرورتی خاص، تاکسی برای یک دانشجوی خاص گرفته شود. در صورتی که لازم باید دانشجویی را همراهی کنید و با وسیله شخصی خود منتقل کنید؛ بهتر است که از یک همکاری درخواست نمایید تا شما را همراهی نماید.
۸. از جابجا نمودن برنامه های آموزشی بدون دلیل اجتناب گردد و برای چنین مواقعی از برنامه های جایگزین ممکن استفاده گردد.
۹. دست، زبان، گوش و چشم خود را از خطا محفوظ بدارید.
۱۰. از تحسین و تشویق کلامی در مواقع لازم استفاده مناسبی نمایند.
۱۱. اساتید باید از سیاست گذاری های دانشگاه، قوانین و مقررات جزایی و کیفری آگاهی داشته باشند. بدین منظور باید از یک طرح رفتاری ثابتی پیروی کنند. هر دانشجویی را با احترام تمام مورد مدیریت قرار دهد و از هرگونه بی احترامی و تنبیه غیر اخلاقی و غیر قانونی اجتناب نماید. نسبت به حقوق دانشجوی، اشراف کامل داشته باشید.
۱۲. استاد باید فقط در برنامه های مورد نظر و برنامه ریزی شده دانشگاه در ملازمت دانشجویان باشد. با دانشجویان خودمانی نشود و در برنامه های اجتماعی خاص آنان شرکت نکند. در صورت نیاز به همراهی در یک برنامه

آموزشی در عرصه، بهتر است که از قبل مسئولیت های خود را مکتوب نماید و به اطلاع گروه برساند.

۱۳. در انتظار دانشجویان، از انجام رفتارهای سبک یا خورد و نوشیدن غیر متعارف و استعمال دخانیات پرهیز نماید و از بردن دانشجویان به منزل خود پرهیز کند.
۱۴. از زدن تلفن به دانشجویان یا نوشتن یاد داشتهای یادگاری با محتوا و جوهره شخصی و خصوصی اجتناب نماید (از کاربرد الفاظ خودمانی خصوصی پرهیز شود).

۱۵. استاد باید از هرگونه اذیت و آزار دانشجویان پرهیز نماید؛ به تفاوت های آنان احترام بگذارد. از هرگونه خوش طبعی القاء کننده سو گیری های فرهنگی اجتناب کید.

۱۶. به تنوع قومیتها و لهجه ها احترام بگذارد و از هر گونه تمسخر بپرهیزد.

۱۷. تفاوت جنسیتب بین دانشجویان قائل نگردد و عدالت را در ارزیابی آنها مد نظر قرار دهد

حفظ منزلت شغلی اساتید در جامعه

یکی از التزامات مهمی که اساتید باید برای حفظ شأن جایگاه حرفه ای مورد توجه خاص قرار دهند عبارت از التزام در قبال حرفه است که مصادیق این التزامات در موارد زیر می باشد:

۱. همکاران و ناظرین مافوق خود را در مورد هر اتفاقی مطلع نمایند؛ تعاملات تیمی داشته باشند، با همدیگر به برنامه ریزی پرداخته و به همدیگر آموزش دهند.

۲. در صورت لزوم با والدین دانشجویان از طریق اداری در تماس و تعامل باشند و تمامی جریان موارد تعاملات خویش را نیز مکتوب نمایند. این موضوع در شرح وظایف اساتید راهنما آمده است.
۳. پوشش متناسبی داشته باشند و به مانند یک آدم حرفه ای تمام عیار رفتار کنند. اساتید به عنوان یک الگو در جامعه و دانشگاه قلمداد می شوند و لازم است یک نمونه تمام عیاری برای دانشجویان خود باشند.
۴. گفتار و رفتار های خویش را قبل از قضاوت توسط دیگران مورد مذاقه و پایش قرار دهند و هرگونه عدم تناسب با حساسیت های بستر و زمینه فرهنگی و اجتماعی را مورد بازنگری قرار دهند تا مورد سوء ظن یا تفسیر ناروا قرار نگیرند. مرتب از خود در خصوص رفتارها و گفتارهای خود پرسشگری کنند. "وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ" (الذاریات، ۲۱)، و در خود شما نیز نشانه های روشنی بر یکتایی خدا هست، پس چرا آنها را نمی بینید؟
۵. از مجادله و تقابل گفتاری ناصحیح با افراد دیگر اجتناب کنند.
۶. شان و منزلت شغلی خود و همکاران و شهرت و آوازه حرفه ای را در جامعه حفظ کنند. و از هرگونه رفتار دون شان اجتناب نمایند(هر چند در محیط ناشناس باشند)
۷. در مجامع عمومی و شرکت در میهمانی ها، سعی کنند ضمن مهربانی، با وقار و با حریم باشند و با دیگران خیلی خودمانی نشوند.

اصول راهنما در خصوص الزامات اخلاق حرفه ای در آموزش

تمامی موارد مورد اشاره در این بخش، تأکید بر تأمین زیر ساخت های ضروری برای برقراری رفتار حاکی از اخلاقیات در حوزه تعلیم و تربیت می باشد که در رئوس زیر بیان می گردند:

۱. کدهای اخلاقی اساتید را ملزم به حفظ ارزش نفس و کرامت افراد می سازد. تأکید بر مهم ترین رسالت و دغدغه آنها بر تأمین جریان تکاملی و توسعه تمام ظرفیت های بالقوه دانشجویان دارد. این رویه جهت دستیابی به بالاترین درجات سلوک اخلاقی معطوف می باشد.
۲. اساتید باید بدانند که نقش رهبری و الگویی آنها همواره مد نظر فراگیران آنها است و هرگونه رفتار آنها نه تنها باعث اشاعه آن رفتار خواهد شد، تلقی نسبت به شئون علمی آنها را نیز تعریف خواهد کرد.
۳. اساتید باید بدانند که این جایگاه باید برای آنها نردبان تعالی روح باشد نه جایگاهی برای غفلت و افول کرامت انسانی.
۴. اساتید باید بدانند که علم امانتی الهی است و در پرورش و توسعه هدفمند آن بکوشند.
۵. اصول سیر و سلوک حرفه‌ای اساتید را ملزم و متعهد به اقامه و اجرای استانداردهای رفتاری در قبال دانشجویان، جامعه و حرفه می کند.
۶. در مورد اساتید فرض اخلاقی این است که به جهت دارا بودن نقش تعلیم و تربیت فراگیران در قیاس با سایر حرفه‌ها، باید متخلف به بالاترین سطح استانداردهای اخلاقی باشند.
۷. اساتید در قبال زندگی خصوصی و اجتماعی خویش باید پاسخگو باشند، چون آنها الگوهای نقشی هستند که باید بالاترین سطح سلوک اخلاقی را با خویش حمل نمایند.
۸. اساتید باید به خاطر داشته باشند: "که و در چه جایگاهی هستند". تا از بروز برخی از تخطی های اخلاقی پیشگیری نمایند.
۹. استادان باید در خارج از دانشگاه و در ارتباطات اجتماعی دارای سلوک و منش متناسب با شأن داشته و در رفتارهای اجتماعی محتاط باشند.

۱۰. اساتید باید همواره خویش را به دانش روز در حوزه‌ی کاری خود تسلیح نمایند تا از هرگونه تخطی از استانداردهای حرفه‌ای به دور باشند و یکی از موارد آمارهای منفی تلقی نشوند.
۱۱. همواره از حکم عقل سلیم و قضاوت مستدل استمداد بجویند و از هرگونه انحراف مصون بمانند.

اصول راهنما برای الزامات اخلاقی

در این قسمت به مصادیقی پرداخته می‌شود که بروز آنها به عنوان تخلفات حرفه‌ای یا انحراف اخلاقی، پیگرد قانونی پیدا می‌کنند. این موارد قابل طرح در هیئت‌های انتظامی رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی یا کمیسیونهای انتظامی شغلی (مانند نظام پزشکی) یا محاکم قضایی خواهد بود. البته همه مصادیق محدود به این موارد نمی‌باشند و شامل مواردی که در متن قوانین جزایی و کیفری آمده نیز می‌شوند. اثبات هر یک از این موارد علاوه بر محکومیت‌هایی مرتبط در محاکم خارج از دانشگاه، می‌تواند مجازات‌هایی از تذکر تا انفصال دائم از خدمات دولتی در پی داشته باشد (این مجازات‌ها عمدتاً از طریق هیئت رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی دانشگاه صورت می‌گیرد):

۱. ارائه مدارک تحصیلی جعلی
۲. ترک خدمت و یا غیبت بدون اجازه یا عذر موجه
۳. تخلف از اجرای قوانین و مقررات دانشگاه
۴. سهل انگاری یا غرض ورزی در انجام وظایف
۵. سوء استفاده از بودجه‌ها و منابع سرمایه‌ای دانشگاه
۶. استفاده غیر مجاز از امکانات و اموال دولتی
۷. تمرد از اجرای دستورات قانونی مقامات دانشگاه

۸. تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند و یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آنها را دارند.
۹. تسامح در حفظ اموال و وجوه دولتی و اسناد و مدارک دانشگاه اعم از محرمانه و غیر آن
۱۰. افشاء سوالات امتحانی و یا تعویض برگ های امتحانی و یا تغییر اوراق
۱۱. افشاء اسناد محرمانه دانشگاه
۱۲. از بین بردن و اخفای غیر مجاز اسناد و مدارک دانشگاه و حیف و میل اموال و وجوه دولتی
۱۳. ارتکاب اعمال خلاف شرع و عدم رعایت پوشش مناسب شان و عدم رعایت حجاب اسلامی برای بانوان
۱۴. ارتکاب هرگونه تجاوز به حریم خصوصی دیگران یا اقدام به اعمال منافی عفت
۱۵. هر گونه تماس غیر عادی با دانشجویان، گفتمان حاکی از احساسات جنسی با دانشجویان
۱۶. محکومیت‌های جزایی مربوط به موارد نقض اخلاقیات حرفه ای
۱۷. اعتیاد و ارتکاب اعمال خلاف اخلاق که موجب هتک حیثیت و شوون شغلی است.
۱۸. سرقت به هر نحوی (به معنی متداول یا سرقت علمی و ادبی)
۱۹. شرب خمر یا دستگیری در این خصوص داشتن مواد مخدر یا قرص های روان گردان در نزد خود یا فروش آنها به دانشجویان
۲۰. هر گونه کلاهبرداری ثابت شده
۲۱. عضویت در یکی از فرق ضاله، گروههای محارب، و تشکیلات فراماسونری و مشابه آن
۲۲. عضویت یا فعالیت یا تبلیغ به نفع احزاب و گروههای الحادی

۲۳. القاء اندیشه های الحادی و توهین به مقدسات اسلامی
۲۴. اقدام به تعطیلی کلاسها یا محیط آموزشی و درمانی به منظور های سیاسی
۲۵. محکومیت های مربوط به تبهکاری و جرم های کیفری غیر از جریمه های رانندگی.

فرآیند خود تنظیم در کنترل رفتارهای غیر اخلاقی

رسالت اصلی دانشگاه در نهادینه نمودن بالاترین درجه رفتارهای اخلاقی در تعلیم و تربیت عبارت از تأمین الزامات اخلاقی استدادن در قبال دانشجویان، جامعه و حرفه خود می باشد که با رویکرد خود تنظیمی درون و برون فردی (توسط خود کنترلی فرد، همکاران و سیستم دانشگاهی) متحقق خواهد شد. یکی از این روشهای مؤثر استفاده از فرآیند NEAT است. در این فرآیند مراحل به صورت زیر خواهد بود:

N: گوشزد^۱ به استاد خاطی که در صورت عدم رفع و تصحیح موارد نقض اخلاق حرفه ای، واکنش و تصمیم قانونی دانشگاه را در پی خواهد داشت.

E: تشریح و تصریح^۲: در این مرحله، موارد تخطی که مدیران اجرایی یا ناظرین ارزیاب باید تعیین نمایند و تمامی موارد باید بطور کامل، جامع و با تمام جزئیات در فرمهای مشخصی قید گردیده و به اطلاع فرد مورد نظر برسد و همچنین شامل پیشنهاداتی برای بهبود اوضاع نیز باشد. ارزشیابی ها و گوشزد موارد باید جنبه اصلاحی و تکوینی داشته باشد.

A: مساعدت و کمک های^۳ لازم باید توسط افراد مسئول ارزیابی و نظارت بر تخلفات به فرد مورد نظر ارائه شود تا فرآیند تصحیح و ترمیم اخلاقی صورت گیرد. یک برنامه

1 - Notice

2 - Explanantion

3 - Assisstance

عملیاتی باید به منظور تصحیح تخطی‌های اخلاقی باید طراحی گردد. در صورت امکان، باید خود فرد نیز در طراحی این برنامه عملیاتی جهت اثربخشی بر تصحیح روند مشارکت داده شود.

T: برای تصحیح تمام موارد تخطی‌های اخلاقی، زمان^۱ کافی باید ملحوظ شود. این زمان باید به گونه‌ای تخصیص یابد که فرآیند تصحیح موارد نقض اخلاقیات در خاطی میسور باشد.

پس از طی این مراحل در صورتی که بازگشت و اصلاح خاطی تایید نگردید، برای حفظ محیط سالم دانشگاهی چاره‌ای جر اعمال قانون و طرد خاطی وجود نخواهد داشت. به یاد داشته باشیم که مجازاتهای قانونی تنها به منظور تنبیه افراد خاطی نیستند بلکه برای ترویج فضای اخلاقی و پیشگیری از وقوع آن توسط دیگران می باشد.

آداب و وظائف اساتید

آداب زیر برگرفته از آموزه‌هایی است که به روایت شهید ثانی(ره) مستند به آیات قرآن کریم، روایات یا سیره حضرات معصومین(علیهم السلام) به دست ما رسیده است و حاوی نکات بسیار مهم و کلیدی است و می تواند راهگشای تدوین کدهای اخلاقی در تعلیم و تربیت دانشگاهی باشد:

آداب و وظائف معلم نسبت به خود

- ۱- ضرورت و لزوم اخلاص و پاکسازی نیت
- ۲- عمل به علم با توجه به ماهیت واقعی آن
- ۳- حسن خلق و فروتنی و کوشش در تکمیل نفس

- ۴- عفت نفس و علو همت
- ۵- قیام به وظائف و شعائر دینی و تأدب به موازین اخلاقی
- ۶- احراز صلاحیت و شایستگی در امر تعلیم
- ۷- حفظ حیثیات و شئون شغلی
- ۸- دریغ نورزیدن از تعلیم علم
- ۹- کوشش در بذل و اعطاء و انفاق علم
- ۱۰- شهامت معلم در اظهار حق، و جلوگیری از تخلف

آداب و وظائف معلم در اشتغالات علمی

- ۱- مداومت و استمرار بحث و اشتغالات علمی
- ۲- خودداری از جدال و ستیزه جوئی در بحث
- ۳- یادگیری و تحصیل علم و در همه احوال
- ۴- انعطاف و تسلیم بودن در برابر حق
- ۵- آمادگی قبلی معلم برای تدریس

آداب و وظائف معلم با دانشجویان

- ۱- ایجاد خلوص نیت و تعالی ایمان در شاگردان
- ۲- ایجاد شوق و دل بستگی به علم و دانش در شاگردان
- ۳- دلسوزی معلم نسبت به شاگردان
- ۴- تربیت اخلاقی شاگردان
- ۵- فروتنی و نرمش معلم نسبت به شاگردان
- ۶- تفقد از احوال دانشجویان
- ۷- اطلاع از نام و مشخصات شاگردان

- ۸- تدریس مطالب علمی در خور استعداد شاگردان
- ۹- رعایت ترتب و تسلسل منطقی آموزش علمی
- ۱۰- کوشش در بیان متقن مطالب
- ۱۱- ذکر ضوابط و قواعد کلی علوم
- ۱۲- تشویق شاگردان به اشتغالات علمی
- ۱۳- طرح مسائل دقیق و آزمایش هوش
- ۱۴- احترام به شخصیت شاگرد
- ۱۵- رعایت مساوات در توجه به شاگردان
- ۱۶- رعایت نوبت شاگردان در پذیرش تدریس
- ۱۷- رعایت تفاوت‌های هوش شاگردان
- ۱۸- عدم تقبیح علومی که در آن تخصص ندارد
- ۱۹- ارجاع شاگردان به معلمان شایسته
- ۲۰- آماده ساختن و معرفی دانشمندان لایق برای جامعه (شاگرد پروری)

آداب و وظائف معلم در امر تدریس و جلسه درس

- ۱- توجه معلم به ظاهر و لباس خود
- ۲- دعاء و یاد خدا در حرکت به مدرس و شروع به تدریس
- ۳- حفظ وقار و متانت در جلسه درس
- ۴- طرز توجه و نگاه معلم به شاگردان
- ۵- تعیین ارشد و جانشین خود برای شاگردان
- ۶- احترام ویژه به شاگردان بافضیلت و قدردانی از آنها
- ۷- استفاده از بهترین قواعد و روش تدریس و تفهیم
- ۸- رعایت اعتدال در بیان مطالب

- ۹- آمادگی جسمی و روحی برای تدریس
- ۱۰- توجه به فضای جلسه درس و اهمیت هوای آزاد
- ۱۱- رعایت مصالح شاگردان و مصالح اهم در وقت تدریس
- ۱۲- رعایت تناسب صدا با محیط درس
- ۱۳- حفظ نظم و پیشگیری از جدال در جلسه درس
- ۱۴- ایجاد انضباط و حس مسئولیت اخلاقی در شاگردان
- ۱۵- رفق و مدارا در مورد کیفیت پاسخ به پرسشهای شاگردان
- ۱۶- محبت و التفات معلم و گشاده روئی او نسبت به شاگرد تازه وارد
- ۱۷- وظیفه معلم، همزمان با ورود عالم و دانشمند به جلسه درس
- ۱۸- اعتراف به عجز و ناتوانی در مسائلی که به آنها احاطه ندارد
- ۱۹- تذکر لغزش و اشتباه، قبل از پایان یافتن درس
- ۲۰- اعلام به پایان یافتن درس و ذکر نصایح اخلاقی و دعا
- ۲۱- درنگ نمودن در جلسه درس پس از پایان گرفتن آن

منابع گفتار پنجم:

1. <http://www.nea.org/home/30442.htm>
2. <http://www.eric.ed.gov/>
3. <http://www.ucm.es/info/inpe/>
4. <http://www.ethicsineducation.com/>
5. http://www.fldoe.org/edstandards/code_of_ethics.asp
6. <http://www.unesco.org/new/en/social-and-human-sciences/themes/ethics-education-programme/>
7. Ethics and Education journal,
<http://www.tandf.co.uk/journals/titles/17449642.asp>

8. Evers K, Formulationg International Ethics Guidelines for Science: Standing Committee on Responsibility and Ethics in Science. International Council for Science [Unions.]: ICSU, 2000.

۹. فراستخواه مقصود، اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۷.
۱۰. لاریجانی باقر؛ زاهدی فرزانه. تأثیر فلسفه اخلاق در تصمیم گیری های اخلاقی در طب. ویژه نامه. دوره ۴، مجله دیابت و لیپید ایران (اخلاق در پژوهش های بالینی): ص ۲۵-۳۸.

وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ تَبِعَ الْمَدِي

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ